

# گزارش پایش فضای کسب و کار خردادماه ۱۳۸۹

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۳	پایش مطالبات تولیدکنندگان ایرانی در خردادماه ۱۳۸۹
۶	گزارش میزگرد تخصصی
۲۴	چالش‌های نظام تأمین مالی ایران از منظر محیط کسب‌وکار
۲۴	مقدمه
۲۴	نگاهی به نظام تأمین مالی در ایران
۲۵	نهادهای مالی و انواع آن
۲۶	انواع منابع مالی
۲۶	روش‌های تأمین مالی
۲۷	تأمین مالی میان‌مدت و بلندمدت
۲۹	مشکلات تأمین مالی و اثر آن بر محیط کسب‌وکار
۳۰	نقش مؤسسات ثبت اطلاعات اعتباری و قوانین وثیقه و ورشکستگی
۳۱	تسهیل تأمین مالی کسب‌وکارهای پرمخاطره
۳۲	منابع و مآخذ
۳۳	تجربه ترکیه در تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط
۳۳	دولت ترکیه چگونه بر مشکلات تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط غلبه کرد؟
۳۳	مقدمه
۳۴	مشکلات تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط
۳۵	اصلاح ساختارهای مالی و تأثیر آن بر بنگاه‌های کوچک و متوسط
۳۷	حمایت‌های مالی دولت از بنگاه‌های کوچک و متوسط
۳۸	عوامل استراتژیک در حمایت مالی دولت برای بنگاه‌های کوچک و متوسط
۴۰	آسیب‌شناسی و راه‌حل‌های بهبود فضای کسب و کار ایران
۴۰	مصاحبه با اقتصاددانی که به تولید مشغول است
۵۴	پیوست‌ها
۵۷	مهمترین تحولات فضای کسب‌وکار کشور در خردادماه ۱۳۸۹



## گزارش پایش فضای کسب و کار خردادماه ۱۳۸۹

### چکیده

دومین گزارش پایش ماهیانه فضای کسب و کار به موضوع «تأمین مالی تولید» اختصاص یافت. موضوعی که در سال‌های اخیر بیشترین گلایه و مطالبه تولیدکنندگان ایرانی بوده است. در مجموع، چکیده میزگرد تخصصی برگزار شده، مقاله، مصاحبه و گزارش خارجی ارائه شده در این مجموعه به این شرح است:

۱. توقع سیاستگذاران اقتصادی کشور از نظام بانکی برای تأمین مالی تولید، بیشتر از توان و ظرفیت ساختاری بانک‌هاست با توسعه بازار سرمایه و استفاده از روش‌های متنوع تأمین مالی در بازار سرمایه، می‌توان تکلیف زمین مانده بانک‌ها را به بازار سرمایه سپرد.
۲. سیاست انقباضی بانک‌ها برای دریافت مطالبات پیشین، وجود کالاهای خارجی که با هزینه سرمایه (بهره) بسیار کمی تولید شده‌اند، در سال‌های اخیر فشار بسیار زیادی بر تولیدکنندگان ایرانی وارد کرده‌است.
۳. خلأ نهادی مالی برای تأمین مالی طرح‌های تولیدی کوچک و متوسط در ایران کاملاً محسوس است.
۴. شرکت‌های بزرگ نظیر پتروشیمی که بخش بزرگی از منابع بانک‌ها را برای طرح‌های سرمایه‌گذاری خود جلب می‌کنند، بهتر است از روش فروش دارایی‌های خود (سهام شرکت‌های احداث شده قبلی)، منابع مالی لازم برای اجرای طرح‌های جدید را تأمین کنند.
۵. یکی از راه‌های مؤثر هدایت پس‌اندازهای سرگردان به سوی طرح‌های تولیدی، زمینه‌سازی برای انتشار اوراق مشارکت توسط همه تولیدکنندگان متقاضی وجوه است به طوری که ریسک طرح‌های توجیهی متقاضی وجوه توسط یک نهاد مالی ارزیابی، امتیازدهی و به عرضه‌کنندگان وجوه اعلام شود و در عین حال کل طرح‌ها توسط نهاد بیمه‌گر، بیمه شوند.
۶. برای گسترش استفاده از اوراق مشارکت برای هدایت پس‌اندازها به سوی تولید، بانک مرکزی باید اولاً شرایط و مجوزهای انتشار اوراق مشارکت برای همه تولیدکنندگان را فراهم کند و عرضه اوراق مشارکت دولتی با سود تضمین شده و قابل بازخرید را محدود کند یا شرایط آن را به نفع تولیدکنندگان ایرانی اصلاح کند.
۷. در حال حاضر، تولیدکنندگان ایرانی اولین و مهمترین مشکل در اداره موفق واحدهای تولیدی



در کشور را گرانی سرمایه و تنگناهای دسترسی به آن می‌دانند. فقدان سازوکارهای امن، شرعی و سهل برای رساندن پس‌اندازهای عمومی به تولیدکنندگان متقاضی وجوه در کشور ما کاملاً محسوس است و باید از طریق توسعه بازار سرمایه و تنوع‌بخشی به ابزارهای مالی، این خلأ را پر کرد.

## مقدمه

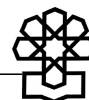
یکی از نواقص فعلی نظام پارلمانی کشورمان، فقدان سازوکار قانونی لازم برای ابراز مشکلات توسط تولیدکنندگان کشور به نمایندگان مجلس شورای اسلامی است. این نقص زمانی بیشتر نمود می‌یابد که برخی تولیدکنندگان متشکل و صاحب نفوذ یا تریبون گاهی موفق می‌شوند با فضاسازی‌های رسانه‌ای مشکلات خود را بزرگ‌تر از واقع برای نمایندگان تشریح کنند و در مقابل برخی از تولیدکنندگان ساکن نقاط دورافتاده که دسترسی کمتری به رسانه‌ها و نمایندگان مجلس دارند، نمی‌توانند مطالبات به حق خود را به اطلاع نمایندگان برسانند و در نتیجه از ظرفیت‌های قوه مقننه برای حل مشکلات خود محروم می‌مانند.

«گزارش‌های ماهیانه پایش فضای کسب‌وکار» با هدف پرکردن این نقص مهم تهیه و منتشر می‌شوند. در واقع این گزارش‌های مستمر ماهیانه تلاش دارد هر ماه اطلاعات پردازش شده و تا حد ممکن دقیقی از وضعیت تولید و سرمایه‌گذاری در ایران، در اختیار نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی قرار دهد.

در هر شماره، ضمن مرور اخبار و تحولات فضای کسب‌وکار کشورمان، با یکی از تولیدکنندگان برجسته و صاحب‌نظر کشور مصاحبه‌ای انجام می‌شود که در این شماره آقای دکتر فرخ قبادی (اقتصاددان و تولیدکننده نمونه کشور در منطقه گرگان) به سؤالات ما پاسخ داده‌اند. علاوه بر این در هریک از گزارش‌های ماهیانه «پایش فضای کسب‌وکار»، نتایج نظرخواهی از تولیدکنندگان برجسته کشور (اعضای هیئت نمایندگان اتاق‌های بازرگانی، صنایع و معادن سراسر کشور، اعضای شورای اصناف سراسر کشور و اعضای هیئت‌مدیره تشکل‌های تولیدی سراسری) درباره شاخص‌های فضای کسب‌وکار ارائه می‌شود.

در هریک از این گزارش‌ها، یک موضوع مهم مبتلابه تولید و سرمایه‌گذاری در کشور نیز در قالب مقاله، میزگرد و مروری به تجربیات خارجی، تحلیل می‌شود. گزارش این ماه به موضوع «تأمین مالی تولید» اختصاص یافته است.

این گزارش، دومین گزارش ماهیانه از این دست است و گروه مطالعات فضای کسب‌وکار در



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی امیدوار است برای هرچه مفیدتر و اثربخش‌تر شدن این گزارش در ماه‌های آتی، از نقد و پیشنهادهای سازنده مخاطبان ارجمند بهره‌مند شود.

### پایش مطالبات تولیدکنندگان ایرانی در خردادماه ۱۳۸۹

برای احصای مشکلات و مطالبات تولیدکنندگان کشور در خردادماه ۱۳۸۹، گروه مطالعات فضای کسب‌وکار در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در هفته آخر خردادماه طی پیمایشی تمام‌شمار، از تمام اعضای نمایندگان اتاق‌های بازرگانی، صنایع و معادن سراسر کشور و نیز اعضای شورای اصناف کشور و رؤسای ۱۲ تشکل اصلی تولیدی صادراتی کشور، نظراتشان را درباره ۱۷ شاخص فضای کسب‌وکار در ایران جویا شد.

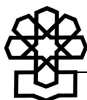
لازم به یادآوری است، منظور از فضای کسب‌وکار، مجموعه عواملی است که بر مدیریت موفق بنگاه‌ها مؤثر هستند، اما از کنترل مدیریت بنگاه‌ها خارج می‌باشند. بانک جهانی همه‌ساله کشورها را براساس ۱۱ شاخص مشترک در همه کشورها رتبه‌بندی می‌کند که البته می‌توان به اقتضای شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اقلیمی هر کشور، شاخص‌های بانک جهانی را تعمیم داد و به شاخص‌های بیشتری رسید.

گروه مطالعات فضای کسب‌وکار در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی طی دو نظرخواهی از تشکل‌های تولید - خدماتی - صادراتی سراسر کشور، تاکنون ۱۷ شاخص فضای کسب‌وکار در ایران را شناسایی کرده است و در طرح تحقیقات جداگانه‌ای، درصدد طراحی شاخص ملی فضای کسب‌وکار است.

طبیعی است با داشتن شاخص‌های ملی فضای کسب‌وکار می‌توان در مقاطع زمانی متنوع، با اجرای پیمایش (نظرخواهی و نظرسنجی علمی)، وضعیت فضای کسب‌وکار در ایران را در شاخه‌های گوناگون تولید سنجید و جهت‌گیری و تغییرات آن را نسبت به قبل ارزیابی کرد و برای سیاست‌گذاران اقتصادی، توصیه‌هایی استنتاج کرد.

جدول پیوست، نتیجه نظرخواهی از ۱۱۱ مدیر ارشد تولیدی صادراتی کشور در حوزه‌های گوناگون صنعتی، معدنی، تجاری، خدماتی و کشاورزی است که به‌صورت تمام‌شمار از جامعه آماری اعضای نمایندگان اتاق‌های بازرگانی سراسر کشور، اعضای شورای اصناف کل کشور و رؤسای ۱۲ تشکل تولیدی سراسری حاصل به‌دست آمده است.

نکته قابل ملاحظه در پیمایش خردادماه ۱۳۸۹ این است که نتایج این پیمایش با نتایج مطالعه اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۹ درباره شکایت‌ها و مطالبات ابراز شده تولیدکنندگان ایرانی در رسانه‌ها شباهت



دارد و در هر دو مطالعه، «دریافت تسهیلات از بانکها»، مهمترین و اولین مشکل هر دو جامعه آماری بوده است.

از آنجا که مطالعه گزارش پایش فضای کسب و کار در اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ مبتنی بر شکایات و مطالبات ابراز شده تولیدکنندگان در رسانه‌ها طی اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ بود و این مطالعه مبتنی بر فرض‌های متعدد بود و قابلیت تعمیم‌پذیری کمی داشت، برای استخراج فضای کسب و کار در خرداد ماه ۱۳۸۹ در گزارش جدید، با استفاده از ۱۷ شاخص فضای کسب و کار در جامعه ذکر شده به پیمایش اقدام شده است. در پیمایش یاد شده همچنین نظر جامعه آماری درباره عملکرد دستگاه‌های ناظر به تولید و سرمایه‌گذاری در ایران نیز جویا شده است که نتیجه آن به پیوست ارائه شده است.

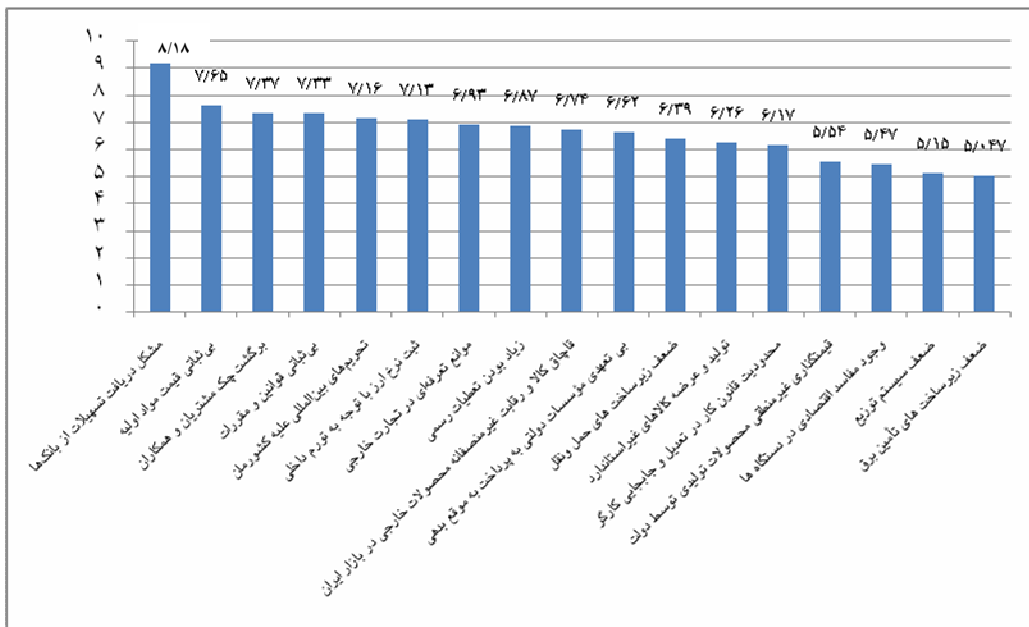
گروه مطالعات فضای کسب و کار در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی امیدوار است این گام‌های ابتدایی در تعیین و ارزیابی ماهیانه شاخص‌های ملی فضای کسب و کار، بتواند برای سیاست‌گذاران کشور در قوای مقننه و مجریه مفید باشد و نقایص این کار با تذکر و راهنمایی اساتید و صاحب‌نظران محترم در گزارش‌های ماه‌های آتی هر چه کمتر شود.

#### جدول ۱. نتایج نظرخواهی درباره ۱۷ شاخص فضای کسب و کار در ایران در هفته پایانی خرداد ماه ۱۳۸۹

رتبه	شاخص فضای کسب و کار	میانگین نمره از ۱۰ (۱۰ مشکل‌ترین)
۱	مشکل دریافت تسهیلات از بانکها	۸/۱۸
۲	بی‌ثباتی در قیمت مواد اولیه	۷/۶۵
۳	برگشت چک‌های مشتریان و همکاران	۷/۳۷
۴	بی‌ثباتی قوانین و مقررات مربوط به تولید و سرمایه‌گذاری	۷/۳۳
۵	اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه کشورمان	۷/۱۶
۶	تثبیت نرخ ارز با وجود تورم در داخل و ثبات قیمت‌ها در بازارهای هدف	۷/۱۳
۷	موانع تعرفه‌ای صادرات محصولات و واردات مواد اولیه	۶/۹۳
۸	زیاد بودن تعطیلات رسمی	۶/۸۷
۹	قاچاق کالا و رقابت غیرمنصفانه محصولات رقیب خارجی در بازار داخلی	۶/۷۴
۱۰	بی‌تعهدی مؤسسات دولتی به پرداخت به‌موقع بدهی خود به پیمانکاران	۶/۶۲
۱۱	ضعف زیرساخت‌های حمل و نقل	۶/۳۹
۱۲	تولید کالاهای غیراستاندارد، تقلبی و عرضه نسبتاً بدون محدودیت آن به بازار	۶/۲۶
۱۳	محدودیت قانون کار در تعدیل و جابجایی نیروی کار	۶/۱۷
۱۴	قیمتگذاری غیرمنطقی محصولات تولیدی توسط دولت و نهادهای حکومتی	۵/۵۴
۱۵	وجود مفاسد اقتصادی در دستگاه‌های حکومتی	۵/۴۷
۱۶	ضعف سیستم توزیع و مشکلات رساندن محصول به دست مصرف‌کننده	۵/۱۵
۱۷	ضعف زیرساخت‌های تأمین برق	۵/۰۴۷

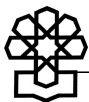


نمودار ۱. نتیجه پیمایش شاخص‌های فضای کسب‌وکار در خردادماه ۱۳۸۹

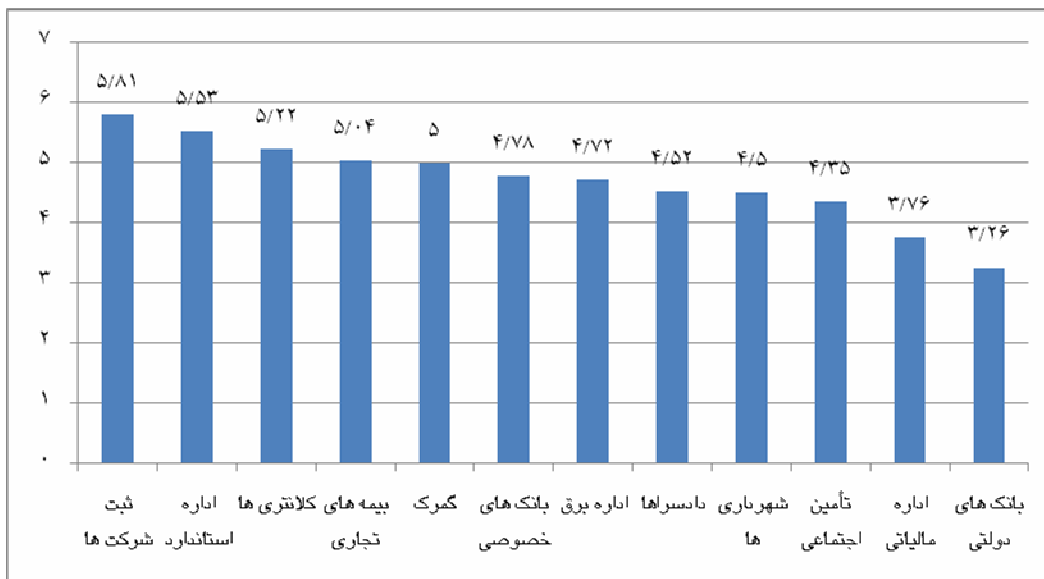


جدول ۲. ارزیابی عملکرد دستگاه‌های مرتبط با تولید و سرمایه‌گذاری  
از نظر جامعه آماری پیمایش

رتبه از (بهترین)	دستگاه مرتبط با تولید و سرمایه‌گذاری	نمره از ۱۰ (۱۰ بهترین نمره)
۱	ثبت شرکت‌ها	۵/۸۱
۲	اداره استاندارد	۵/۵۳
۳	کلانتری‌ها	۵/۲۲
۴	بیمه‌های تجاری	۵/۰۴
۵	گمرک	۵
۶	بانک‌های خصوصی	۴/۷۸
۷	اداره برق	۴/۷۲
۸	دادسراها	۴/۵
۹	شهرداری‌ها	۴/۵۲
۱۰	تأمین اجتماعی	۴/۳۵
۱۱	اداره مالیاتی	۳/۷۶
۱۲	بانک‌های دولتی	۳/۲۶



## نمودار ۲. ارزیابی عملکرد ۱۲ دستگاه مرتبط با تولید و سرمایه‌گذاری از نظر جامعه آماری پیمایش



حسب نظرخواهی صورت گرفته در خردادماه ۱۳۸۹ ثبت شرکت‌ها دارای بهترین عملکرد و بانک‌های دولتی دارای بدترین عملکرد در ارائه خدمات به تولیدکنندگان ارزیابی شد. در خردادماه ۱۳۸۹، مشکل‌ترین عامل فضای کسب‌وکار در ایران، در دو جدول دریافت تسهیلات از بانک‌ها، در درجه دوم، بی‌ثباتی در قیمت مواد اولیه و در درجه سوم برگشت چک‌های مشتریان و همکاران ارزیابی شد.

### گزارش میزگرد تخصصی

#### تأمین مالی تولید در ایران: موانع و راه‌حل‌ها

میزگرد با حضور:

- جمشید انصاری (نماینده مردم زنجان در مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون اقتصادی)
- هوشنگ فاخر (نایب رئیس اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران)
- علی‌عباس کریمی (مدیر تحقیق و توسعه شرکت بورس اوراق بهادار تهران)
- اسدالله جلال‌آبادی (رئیس ارزیابی ریسک مطالعات بانک تجارت)
- مدیر جلسه: سیدامیر سیاح (مدیر گروه مطالعات فضای کسب‌وکار)

زمان برگزاری: چهارشنبه ۱۲ خردادماه ۱۳۸۹ از ساعت ۱۷ تا ۱۹

محل: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سالن خوارزمی





**سیدامیر سیاح:** مطالعات اولیه در خواستها و مطالبات تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران ایرانی نشان می‌دهد آنها بازار سرمایه و نظام بانکی کشور را در تأمین مالی تولید ناکارآمد می‌دانند و خواستار اصلاح بازار سرمایه و نظام بانکی در جهت حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری در کشور هستند. این تحلیل و مطالبه را چقدر وارد می‌دانید؟ آیا بازار سرمایه کشور برای تأمین مالی تولید به‌نظر شما کارآمد و موفق عمل کرده است؟

**علی‌عباس کریمی:** در حوزه بازار سرمایه روش‌های تأمین مالی متعدد نداریم راهکارهای موجود در بورس پذیرش شرکت‌ها و افزایش سرمایه در چارچوب مقررات بورس است. راهکار دیگر اوراق مشارکت است که فقط شرکت‌های بورسی می‌توانند از آن استفاده کنند. البته مشکل اوراق مشارکت این است که قابلیت معامله ندارند. مقررات بانک مرکزی و نظام بانکی قابلیت بازخرید را گرفته‌اند. سخت‌گیری‌های مقررات موجود بانک مرکزی در تعیین سقف سود اوراق هم، محدودیت دیگری است که این روش تأمین مالی تولید را محدود کرده است. در حوزه بازار سرمایه راهکارهای دیگری در حال تدوین است از جمله صکوک، انشاءالله بتوانیم از این راهکار هم استفاده کنیم. اگر بتوانیم خارج از حوزه مقررات سخت مثل آن چیزی که برای اوراق مشارکت وجود دارد امکان دادوستد این ابزار را بتوانیم فراهم کنیم قطعاً برای شرکت‌ها تأمین مالی و برای مردم اعتماد بیشتر به این ابزارها به‌وجود می‌آید و امکان تأمین مالی را در کشور مقداری بهتر خواهد کرد.

**سیدامیر سیاح:** کسی که بخواهد سرمایه‌گذاری کند یا صاحب بنگاهی که بخواهد کسب‌وکارش را توسعه دهد چه موانع مقررات قانونی وجود دارد که بتواند اوراق مشارکت منتشر کند آیا مجلس می‌تواند مقرراتی وضع کند که این امکان وجود داشته باشد برای کسی که نیاز به سرمایه دارد به‌جای رجوع به بازار بورس، طرح توجیهی خود را برای بررسی به نهادی بدهد تا آن را ارزیابی و متناسب با ریسک و سودآوری طرح، به آن درجه بدهد و متقاضی وجوه ما براساس درجه ریسک طرح خود، خود اوراق مشارکت منتشر کند و بیمه‌گر هم، کل طرح را بیمه کند؟ آیا این شدنی است؟

**علی‌عباس کریمی:** قطعاً از نظر عملی شدن کار سختی نیست. بحث این است که شرکت‌های بورسی خیلی با این قضیه مشکل ندارند. مقررات جدید هم خوشبختانه این اجازه را می‌دهد که آنهایی که در بورس هستند بتوانند اوراق منتشر کنند و از طریق انتشار اوراق مشارکت تأمین مالی بکنند آنهایی که بیرون از بازار هستند قطعاً نیاز به مجوزهای خاص از طریق بانک مرکزی دارند و می‌دانید که دریافت این مجوزها کار خیلی ساده‌ای نیست. بنابراین بهترین کار، فراهم کردن امکان انتشار اوراق



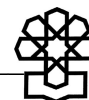
مشارکت تحت نظر سازمان یا هر مقام ناظری است که اختیارات قانونی کافی داشته باشد و بتواند راهکارهای مناسبی برای نظارت فراهم کند. البته مقداری اعطای اختیار در حوزه تعیین نرخ‌ها و فراهم کردن راهکار دادوستد دست دوم این اوراق هم لازم است. تا زمانی که بانک‌ها این اوراق را بازخريد می‌کنند، امکان انتشار موفق این اوراق در بازار نیست. اگر بتوانیم بازار ثانویه مناسبی را برای این اوراق فراهم کنیم و نیاز به این نباشد که حتماً تشکیل دریافت مجوز از طریق بانک مرکزی باشد و آن شرایط سختی که در چارچوب مقررات می‌آید من فکر می‌کنم یک راهکار مناسبی است که شرکت‌ها بتوانند از طریق این ابزار، طرح‌های خود را تأمین مالی کنند.

*نماینده شرکت بورس: انتشار اوراق مشارکت توسط شرکت‌های کوچک و متوسط، روش بالقوه مؤثری برای تأمین مالی تولید است، اما مقررات سخت بانک مرکزی، فقدان بازار ثانویه برای این اوراق و نرخ تضمینی اوراق مشارکت دولتی، این ابزار مالی را در اقتصاد ما غیرعملی کرده است.*

اسدالله جلال‌آبادی: من فکر می‌کنم مشکل تولید ما نظام بانکی نیست. گزارش بانک جهانی درباره رتبه بین‌المللی کسب‌وکار هم نشان می‌دهد وضعیت نظام اعتباردهی ما نسبت به سایر شاخص‌های کسب‌وکار بهتر است. پس مشکل اصلی جای دیگری است. خیلی از تولیدکنندگان ما هستند که اصلاً شاید نقدینگی هم دارند، اما اینقدر مقررات اجازه نمی‌دهد به اینها که اصلاً فعالیت کنند. آنها می‌گویند بگذارید ما کارمان را بکنیم کاری به‌کار ما نداشته باشید، ما چیزی از شما نمی‌خواهیم. در واقع مشکل تولیدکنندگان ایرانی، مداخلات بیجا و زیاد دولت است و نه نظام بانکی. تولیدکنندگانی که در جراید یا در خبرگزاری‌ها از نظام بانکی انتقاد می‌کنند، به تنها چیزی که آشنایی کافی دارند همین است و با مشکلات دیگری که تولید را تحت فشار قرار می‌دهد خیلی آشنایی ندارند و فقط مشکل را نظام بانکی می‌دانند.

*نماینده نظام بانکی: مشکل اصلی تولیدکنندگان ایرانی، مداخلات بیجا و زیاد دولت است، نه نظام بانکی، اما تولیدکننده ایرانی چیزی که خوب یادگرفته، انتقاد از نظام بانکی در رسانه‌هاست.*

هوشنگ فاخر: در مورد مشکلات واحدهای تولیدی، ما آماری از ۱۸۳ واحد جمع کرده‌ایم که واحدهای بزرگ نیستند، واحدهای بزرگ تحت حمایت‌های خاص هستند مثلاً ایران‌خودرو اگر مشکلی داشته باشد دکتر احمدی‌نژاد حل می‌کند، ولی یک واحدی که در فلان شهرستان کار می‌کند



مشکلتش با رئیس شعبه است، خیلی دستش بالاتر برسد می‌رسد به سرپرست بانک در استان یا فرمانداری، بخشداری و ... و بالاخره اداره کار که از او حمایت کند. این است که این واحدها، آماری را که ما گرفته‌ایم زیر ۴۰ درصد ظرفیت کار می‌کنند و تعداد اینها زیاد است همه جای ایران هم پخش هستند و مردم آنها را بیشتر لمس می‌کنند تا ۲۰، ۳۰ واحد بزرگی که معمولاً تولید بالایی دارند و نسبت به تولیدشان کارگیشان هم کم است. مشکلی که داریم در این بخش است. کارگاه‌هایی مثل نساجی یا کفش‌دوزی و گرنه واحدهای بزرگ مشکلاتشان یا به دست رئیس‌جمهور یا به دست وزیر صنایع و اینها حل می‌شود. در آمار هم مشکل نقدینگی اولین مشکل تولیدکنندگان است و دلیل آن شاید این باشد که در این ۲،۲ ساله اخیر، بانک‌ها به شکل انقباضی عمل کرده‌اند یعنی علاوه بر اینکه تسهیلاتی ندارند، تسهیلاتی را هم که قبلاً داده‌اند سعی کرده‌اند وصول کنند. واحد تولیدی هم با این تورم ۱۵ تا ۲۵ درصد که داشتیم هر سال برای ادامه کار سال قبلشان ۱۵ تا ۲۰ درصد نقدینگی بیشتر لازم داشتند تا بتوانند همان فعالیت سابقشان را ادامه دهند. وقتی که تسهیلات بیشتری نمی‌توانند استفاده کنند، خود به خود حجم تولید پایین می‌آید با پایین آمدن حجم تولید، هزینه‌های ثابت افزایش پیدا کرده و قیمت تمام شده کالاهای ایرانی بالا رفته و شرایط رقابت مشکل‌تر شده است. از این طرف هم با تثبیت نسبی نرخ ارز، کالاهایی که وارد می‌شود با قیمت‌های سال ۱۳۸۰ وارد می‌شود در صورتی که خود بانک مرکزی اعلام کرده تورم طی سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ حدود ۲۵۰ درصد بوده است. این چالشی است که بخش تولید در آن گرفتار است. از این طرف هم هزینه مالی تولید یک زمانی با ۱۲، ۱۳ درصد سود در سال می‌توانست تغییر کند، الان هم کمبود نقدینگی دارد هم نرخ سود بانک‌ها بالا رفته به علاوه ۶ درصد جریمه، از بازار غیربانکی هم بخواهد پول تهیه بکند حداقل ۳۶ درصد تا ۵۰ درصد هزینه‌اش است.

**نایب رئیس اتاق بازرگانی: مشکل اصلی تولیدکننده ایرانی این است که سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی، دسترسی به نقدینگی را برایش سخت و گران کرده و تولید با کمتر از ظرفیت، قیمت تمام شده محصول را به شدت بالا برده است**

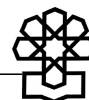
**سیدامیر سیاح:** روش‌های موجود تأمین مالی تولید برای پاسخگویی به نیاز تولیدکنندگان ما چقدر کارآمد هستند و چه روش جایگزین دیگری پیشنهاد دارید؟

**هوشنگ فاخر:** پیش از آنکه بانکداری اسلامی مطرح شود، در قانون پولی و بانکی ما مواد (۱۳) و (۱۴) به بانک مرکزی اجازه می‌دهد که مطالبات بانک‌ها را از اشخاص موقعی که اینها نیاز به



نقدینگی دارند بخرد و حساب اینها را بستانکار کنند و در نتیجه مشکل نقدینگی بانکها را برطرف کنند ما با استفاده از این سیستم برای معاملات جاری در بازار زیاد اعتقادی نداریم چون آنجا ممکن است که سوری وارد سیستم بشود نقدینگی را بالا ببرد بدون اینکه تولیدی باشد، ولی از آنجایی که در بانکداری اسلامی معمولاً بانکها می‌آیند اعتبارات اسنادی باز می‌کنند و مواد اولیه و قطعات یدکی را برای یک واحد تولیدی وارد می‌کنند، زمانی که این کالا وارد می‌شود، اسنادش می‌آید اینجا می‌خواهد اسنادش را واگذار کند سفارش‌دهنده، بانک سهم خودش را که مثلاً ۹۰ درصد یا ۸۰ درصد به اقساط معمولاً تا یک‌سال به آن واحد تولیدی می‌فروشد. پیشنهاد ما این است که بانک مرکزی بیاورد از همان سیستم خرید دینی که پیش از بانکداری اسلامی اجرا می‌شد، استفاده کند. الان هم در آخرین جلسه شورای عالی پول و اعتبار مصوب شد که در بسته سیاستی بانک مرکزی هم خرید دین را امسال اعلام کردند.

حرف ما این است که اگر دولت می‌خواهد از تولید حمایت کند، بانک مرکزی در مواردی که بانکهای عامل به بخش تولید تسهیلات دادند، آن تسهیلات را یک کارمزد ۱ تا ۲ درصد بگیرد حساب اینها را بستانکار بکند اینها بتوانند تسهیلات مجدد بدهند با این کار بانکها می‌توانند با نرخ ۴ تا ۵ درصد به بخش تولید که مواد اولیه و قطعات یدکی وارد می‌کنند، تسهیلات بدهند. نتیجه اینکه مواد اولیه می‌رود تبدیل به یک تولیدی می‌شود با ارزشی بیشتر از ارزش مواد اولیه‌اش پس عرضه کل ما در کل سیستم اقتصادی‌مان بیشتر از تقاضای حاصل از نقدینگی افزایش پیدا می‌کند به غیر از پول نقدی که بانکها به یکی بدهند این وارد چرخش اقتصادی بشود و ۳، ۴ برابر رقم اولیه ایجاد نقدینگی بکند اینجا شما کالا دارید تزریق می‌کنید و بازگشت این کالا، کالایی با ارزش بیشتر است و حتی نتیجه آن ضدتورمی است اگر در کشورهای دیگر می‌بینیم که نقدینگی‌شان ۱۰، ۱۵ برابر ماست سرانه‌اش ولی تورم‌اش بیشتر از ۲، ۳ درصد نیست، دلیل این است که نقدینگی به جای درستش تزریق می‌شود، ولی اگر نقدینگی را بیاوریم جایی تزریق کنیم که منجر به تولید نباشد، قدرت خرید را بالا ببرد بدون تولید، مسلم است که تورم ایجاد می‌شود. در این روشی که ما پیشنهاد کرده‌ایم، قیمت تمام شده تولید کاهش پیدا می‌کند و هزینه مالی تولید در کشور ما که شاید ۳ تا ۴ برابر رقبای ماست، می‌آید و با آنها تقریباً برابر می‌شود. در یکسری از کالاهای ما اصلاً توان رقابتی‌مان با کالاهای رقبای حتی از بازار داخله‌مان خارج بشود برود در بازار جهانی یعنی ما از یک بازار ۷۰ میلیون نفری که تازه شاید ۲۰، ۳۰ میلیون نفر توسط رقبای ما از کشورهای دیگر خارج می‌شویم می‌رویم در یک بازار ۷ میلیارد نفری این هیچ هزینه مالی برای دولت ندارد. بعد بانکها می‌توانند آن منابع نقدینگی را که به اصطلاح الان دارند در بخش بازرگانی و خدماتی مصرف کنند یعنی همان سیستمی که الان بین بانکها و سپرده‌گذار هست سر جایش می‌ماند فقط بخش تولید



است که تحت این حمایت قرار می‌گیرد در آن موقع، تولید ما می‌تواند حتماً سرپا بایستد به خصوص امسال که با این هزینه افزایش انرژی، تولیدکننده ما یک آینده مبهمی را برای خودش می‌بیند، چون هنوز نمی‌داند که دولت چطور می‌خواهد اضافه هزینه‌های ناشی از حذف یارانه‌ها را جبران کند. یک حالت سردرگمی هنوز هست، ولی در پیشنهاد ما، تولیدکننده خودش توانمند می‌شود و می‌تواند سرپا بایستد و یکی از عوامل تورم در کشور ما که معمولاً در کتاب‌های اقتصادی نمی‌بینند این است که تعداد زیادی از واحدهای ما زیان‌ده هستند این زیان‌ها روی هم می‌شود یک زیان بزرگ، این زیان بزرگ از کجا ایجاد می‌شود یعنی واحدهای تولیدی بیشتر سود سهام و سود بانک و دستمزد پرداخت می‌کنند و کمتر کالا دستشان می‌آید. دقیقاً یکی از عوامل تورم ما، تعدد واحدهای زیان‌دهی است که به امید اینکه شاید در آینده وضع‌اش بهتر می‌شود دارد زیان می‌دهد، ولی در کارخانه را نمی‌بندد یا اینکه می‌بیند اگر بخواند در کارخانه را ببندد، مشکلات برای کارگرش ایجاد می‌شود پس سعی می‌کند تا آنجایی که می‌تواند این را تحمل کند و کار را جلو ببرد، ولی این تحمل این هزینه‌هایی که روی هم جمع می‌شود عین این می‌ماند که دولت به جای اینکه از مالیاتی که از سود واحد تولیدی دستش آمده باشد که برود هزینه‌هایش را انجام بدهد برود قرض بکند، بیاید هزینه کند همان‌طوری که آن تورم ایجاد می‌کند، این هم تورم می‌سازد. این روشی که ما پیشنهاد کردیم، این روش را ما اختراع نکرده‌ایم همه جای دنیا از این روش استفاده می‌کنند.

**اسدالله جلال‌آبادی:** من فکر می‌کنم هزینه پول در سیستم بانکی ما بالاست یعنی آمار و ارقام این را نشان می‌دهد. هزینه جذب پول یا سپرده‌هایی که ما داریم در سیستم بانکی بالاست حدود ۱۲، ۱۳ درصد است وقتی این هزینه‌ها بالا باشد بانک هم بالاخره یک مؤسسه اقتصادی است یعنی هدف این است که علاوه بر اینکه هزینه‌هایش را پوشش می‌دهد به خصوص با وضعیتی که ما الان داریم بانک‌ها خصوصی شده‌اند و سهام‌دار دارند، باید سهام‌داران خودشان را هم راضی نگه‌دارند. بنابراین علاوه بر پوشش هزینه‌هایش، باید برود به سراغ اینکه یک سودی هم کسب کند یک EPS باید داشته باشد که این را بین سهام‌داران توزیع کند بخشی از آن را هم صرف توسعه فعالیت‌هایش کند. بنابراین اینکه انتظار داشته باشیم که حداقل بانک‌های خصوصی با یک نرخ سود پایین به بخش تولید منابع‌شان را اختصاص دهند به نظر من این تصور هیچ وقت عملیاتی نخواهد شد، مگر اینکه بانک یک مؤسسه عام‌المنفعه باشد که این کار را بکند.

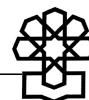
موضوعی که درباره واحدهای کوچک اشاره شد درست است. واحدهای کوچک تولیدی این مشکل را دارند واحدهایی که بزرگ می‌شوند این مشکلات خیلی گریبانگیرشان نیست و روش‌هایی هم که در حال حاضر وجود دارد که سؤال اصلی شما بود، روش‌های تأمین مالی خوب خیلی زیاد



است، ولی در کشور ما به دلیل اینکه ما یک بانکداری اسلامی داریم خیلی از ابزارهای تأمین مالی موجود در دنیا، در اینجا قابل استفاده نیست بعضی‌ها هم که قابل استفاده است، قوانین و مقرراتی مورد نیازشان هست که اینها باید مصوب شود باید به تصویب برسد. مثلاً ابزارهای اسلامی جدید مثل صکوک و چیزهای دیگر. روش‌های موجود هم کارآ هستند، ولی می‌شود روش‌های دیگری هم به اینها اضافه کرد، اما مشکل کجاست؟ مشکلی هم وجود دارد در بخش تولید در باب دریافت تسهیلات؛ من فکر می‌کنم بیشتر برگردد به اینکه تولیدکنندگان ما باید یکسری وثایقی را بسپارند به نظام بانکی شاید مشکل اینجا باشد بانک‌ها روی این مسئله حساس هستند مقداری حساسیتشان درست است چون می‌خواهند پولشان برگردد. یعنی باز همان بحث اول. بنابراین بانک به دنبال این است که وثایق مطمئنی را از تولیدکننده‌ها داشته باشد که شاید برای تولیدکننده‌ها این مقدور نباشد که الان باز پیشنهاد شده روش‌های جدیدی در واقع در پیش گرفته شود یا وثایق جدیدی که فشار نیاورد در بخش تولید بانک‌ها بتوانند آن را داشته باشند.

*نماینده نظام بانکی: بعضاً بانک‌های ما با مازاد نقدینگی مواجه هستند من سراغ دارم بانک‌ها یا مؤسسات اعتباری را که پول‌های خودشان را می‌برند نزد یک بانک دیگر چند روزه سپرده‌گذاری می‌کنند.*

در بخش تولیدکنندگان بزرگ هم که فرمودند ببینید در کشور ما از بازار سرمایه ما نمی‌توانیم چون عمق بازارهای مالی در کشور ما کم است و فعلاً نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که بتواند واحدهای تولیدی را تأمین مالی کند چرا می‌شود ولی ۵۰۰، ۶۰۰ شرکت را نه بیشتر آن‌هم از آن ۵۰۰، ۶۰۰ شرکت آن شرکت‌هایی که واقعاً در شرکت‌هایی که سودآور باشند در تابلوی اصلی بورس باشند. بنابراین از بازار سرمایه با عمقی که دارد من تصور می‌کنم که ما نمی‌توانیم فعلاً انتظار داشته باشیم و تولیدکننده‌های ما باید بروند به سمت همین سیستم بانکی که گفتم نکته نهایی هم این است که بعضاً بانک‌های ما با مازاد نقدینگی مواجه هستند یعنی پول دارند، اما اعتباردهی آنها به دلیل شرایطی که حاکم است نمی‌توانند پرداخت کنند. من سراغ دارم بانک‌ها یا مؤسسات اعتباری را که پول خود را می‌برند نزد یک بانک دیگر سپرده‌گذاری می‌کنند ۲، ۵ و ۱۰ روزه کوتاه‌مدت و سپرده‌گذاری می‌کند تا سودی کسب کند. به عبارت دیگر می‌شود اینها اختصاص پیدا کنند به تولید، ولی اولاً یک ابزارهایی می‌خواهد ثانیاً محدودیت‌هایی که از سوی بانک مرکزی و چیزهای دیگر اینها باید مرتفع شود ضمن اینکه آن وثایقی هم که من صحبت کردم برای بانک‌ها خیلی هم است. الان مطالبات معوق بانک‌ها به شدت بالاست یکی از مشکلاتی که سیستم بانکی با آن



گریبانگیر است، مطالبات معوق است در واقع وام‌هایی داده شده تسهیلاتی پرداخت شده که عمدتاً دستوری بوده و شاید وثایق کافی در قبالش اخذ نشده و الان بانک‌ها را با مشکل مواجه کرده است. بنابراین حساسیت بانک‌ها بی‌مورد نیست؛ بانک‌ها بالاخره مؤسسات اقتصادی هستند و باید نسبت به مطالباتشان حساس باشند.

**جمشید انصاری:** فکر می‌کنم ما در تجهیز منابع دچار مشکل اصلی هستیم. اگر مشکلات ما با بانک‌ها همین است که ما نمی‌توانیم متناسب نیاز خودمان تجهیز منابع کنیم. اوراق مشارکت‌ها کامل و مطلوب فروش نمی‌رود. گواهی‌های سپرده سرمایه‌گذاری کامل فروش نمی‌رود. پروژه‌های بزرگ داریم مثلاً در سال ۱۳۸۵ با تصویب هیئت دولت شروع شده و الان با گذشت تمام دوره احداث پروژه، هنوز یک ریال تخصیص داده نشده است حساب ذخیره ارزی یک سال است که خط جدیدی گشایش نشده است. در پایان سال ۱۳۸۸ حساب ذخیره ارزی ما برای تعهدات قطعی ۱۸ میلیارد دلار و برای تعهدات منفی و بالقوه‌اش ۲۸ میلیارد دلار منفی است. حساب ذخیره ارزی موجودی ندارد. ما باید بی‌پرده‌تر و بی‌پروا تر راجع به این شکل اصلی صحبت کنیم و موضوع را باز کنیم. طبق آمار دولت، ۱۱/۹ درصد نرخ بیکاری سال ۱۳۸۸ است. نرخ فعالیت را هم گفته‌اند ۴۰ درصد یعنی طبق آمار رسمی دولت، ۳/۶۰۰/۰۰۰ نفر بیکار شناخته شده با همین ضوابط دولت داریم. حالا باید برویم در فضای کسب‌وکار کشور این ۳/۵ میلیون نفر را شاغل کنیم. حجم منابع مالی لازم برای شاغل کردن این عده چقدر است؟ متوسط سرمایه لازم برای ایجاد یک فرصت شغلی، ۳۰ میلیون تومان است. سرکار بردن این ۳ میلیون نفر نیاز به ۱۰۵ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری دارد. ببینیم آنچه در بازار داریم چقدر است؟

در بهترین حالت کشور ما در طول یک سال سقف توان تخصیص بودجه‌اش، ۳۰ هزار میلیارد تومان است. فرض کنید که تمام اعتبارات عمرانی کشور صرف اجرای پروژه‌های جدید شوند و طرح‌های نیمه‌تمام همه به کنار. بنابراین سه سال باید همه منابع را بدهیم تا در خوشبینانه‌ترین حالت، این ۳ میلیون نفر را شاغل کنیم تازه سال ۱/۵ میلیون نفر به این شاغل‌ها اضافه می‌شود. دیگران چه می‌کنند؟ دیگران از بازارهای بین‌المللی پول آورده‌اند و به‌کار گرفته‌اند. لازمه کار این است که برخوردارمان را با دنیا بهتر کنیم نمی‌شود به دنیا بدو بیراه گفت و توقع داشت که بیایند در اینجا سرمایه‌گذاری کنند.

لذا تصور این است که بخش خصوصی هم خودش را بزند به تغافل. حتی اگر روش‌های جدیدی هم به‌کار بگیریم، معتقدم برای همین منابع تجهیز شده خودمان شیوه‌های کارآمدتری لازم داریم و می‌توانیم روش‌های جدیدتری هم اتخاذ کنیم. ۳۰ سال است در مجلس و قوانین بودجه



سنواتی احکامی را می‌گنجانیم تا این A ریال گیر چه کسی بیشتر بیاید؟ یکبار نگاه تعاونی‌هاست یک روز توسعه منطقه‌ای است یکبار هم ... . قانون برنامه پنجم توسعه، هیچ راهکاری را برای تقویت و تجهیز منابع کلان ندارد این لایحه، تنها نکته‌ای که اشاره شده، کفایت سرمایه بانک‌هاست و دیگر هم دولت در بانک‌ها افزایش بدهد که این هم کلاه کلاه کردن داخل دولت است.

در پاسخ به سؤال اول شما باید بگویم من تأمین مالی را دووجهی می‌بینم یکی از روش‌هایی است که برای تأمین مالی بنگاه از بازار پول و سرمایه مطرح است که این می‌شود نکاتی که آقای فاخر داشتند. یکبار روش‌های تجهیز منابع مالی است که برای خود بازار پول و سرمایه که آن بحث جداگانه‌ای است. من فکر می‌کنم قبل از اینکه وارد این بحث‌ها شویم اساساً باید یک اختلاف نظر را بین خودمان رفع کنیم که آیا در تجهیز منابع مالی در کشور مشکل داریم یا نداریم؟ آقای جلال‌آبادی می‌گویند که بعضی از بانک‌های ما با مازاد منابع مالی مواجه هستند چون به هر دلیلی نمی‌توانند این منابع را صرف یا اختصاص به واحدهای تولیدی دهند حتی می‌برند در بانک‌های دیگر سپرده‌گذاری می‌کنند. من حداقل این‌طور می‌فهمم که ما مازاد منابع داریم از این فرمایش هیچ مشکلی در تجهیز منابع نداریم یا حداقل مشکلاتمان قابل اعتنا نیستند، فقط در روش‌های تخصیص دچار یک رفتاری نابسامانی هستیم که بیشتر آثار خودش را در آثار تولیدی نشان می‌دهد. من خودم چنین اعتقادی را ندارم و معتقدم که ما براساس شاخص‌هایی که می‌توانیم به آن اشاره کنیم اساساً در تجهیز منابع در کشور دچار مشکل هستیم اینکه ما ۴ نان داشته باشیم به دلیل دندان دردمان نتوانیم بخوریم معنی آن این نیست که ما نان اضافه داریم، بلکه معنای آن این است که ما اگر دندانمان درد نمی‌کرد ۱۵ تا نان باید می‌خوردیم. اکثر رفتاری و مشکلات بنگاه‌های ما هم با حداقل با بانک‌ها در بازار پول یا آنجایی که اشاره کردم که ما در بازار مالی می‌رویم سراغ اینکه مثلاً از اوراق مشارکت استفاده کنیم، اما نمی‌توانیم متناسب با برنامه خودمان تجهیز منابع کنیم. ما چندبار در طول سال‌های گذشته اوراق مشارکت را در حداقل‌ها منتشر کردیم نتوانستیم همه آن را جذب کنیم خیلی رقم‌های بالایی نبودند فلان بانک با یک هدفگذاری ۵۰۰ میلیاردی با یک سپرده سرمایه‌گذاری منتشر کرده بعد از یک هفته فروش ۳۵۰ میلیاردش را نداده.

**هوشنگ فاخر:** هزینه‌های مالی خودش یکی از عوامل بسیار منفی است در اینکه تولیدکننده ایرانی نمی‌تواند در بازار جهانی با رقبا رقابت کند. هزینه مالی بالاست بعد چون هزینه مالی بالاست طرف نمی‌تواند برود واحدش را نوسازی کند چون نوسازی نمی‌کند، سهم مزد در قیمت تمام شده بالاست بعد با مزدی که در چین و هندوستان یک کارگر با ۶۰-۱۰۰ دلار کار می‌کند، ولی در ایران حساب نزدیک به ۶۰۰-۹۰۰ دلار پرداختی به یک کارگر است به اشکال مختلف حقوق ظاهراً ۳۰۰ هزار





تومان است، ولی ۲ سال عیدی، بازخرید، سنوات خدمت، بیمه، وقتی که با پیشنهاد ارائه شده اتاق بازرگانی، بتوانیم واحدها را نوسازی کنیم، هم کیفیت تولید بالا می‌رود هم سهم مزد در قیمت تمام شده می‌آید پایین یک کارگر به جای اینکه ۱۰۰ واحد تولید کند ۳۰۰ واحد تولید می‌کند همان مزد هم که به او بدهی خودبه‌خود سهم مزد می‌شود یک‌سوم در قیمت تمام شده این آن اتفاقی است که باید در اینجا بیافتد اگر ما می‌خواهیم تولیدمان سرپا بایستد. یادآوری می‌کنم در سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ مشکلات قانونی ما از حالا خیلی بیشتر بود در قانون کار، صادرات و ... هر اندازه به تدریج دولت‌ها این را اصلاح کردند حالا ما آمده‌ایم به اینجا رسیده‌ایم، ولی در سال ۱۳۷۲-۱۳۷۳ به دلیل اینکه نرخ ارز بالا بود، این مشکل نقدینگی هم مثل حالا شدید نبود در نتیجه، فعالیت شادابی در بخش تولید شاهد بودیم. یعنی ما عوامل دیگرمان را اصلاح کرده‌ایم ولی دو عامل نرخ ارز و تأمین نقدینگی را بدتر کرده‌ایم چون بدترش کرده‌ایم وگرنه ما تمام قوانین‌مان را بروید نگاه کنید الان از سال ۱۳۷۲-۱۳۷۳ خیلی بهتر است، قانون کار، صادرات، سرمایه‌گذاری، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و... تمامی این قوانین را به تدریج اصلاح کرده‌ایم.

**نایب رئیس اتاق ایران: همه قوانین و مقررات مربوط به تولید و صادرات نسبت به اوائل دهه ۱۳۷۰ اصلاح شده بجز قوانین بانکی و ارزی.**

قیمت تمام شده پول برای بانک‌ها با سیستم فعلی بالاست ولی این را می‌شود بانک مرکزی در مقابل تسهیلاتی که اینها فقط برای تهیه مواد اولیه و قطعات یدکی بخش تولید می‌دهند این را به یک کارمزد ۱، ۲ درصدی از اینها بخرد به جای بانک مرکزی مگر نمی‌خواهد بهره پرداخت کند، یک کارمزد ۱ تا ۲ درصدی بگیرد حساب اینها را بستانکار بکند بانک‌ها توان اعطای تسهیلات پیدا کنند بدون اینکه نیازمند جذب نقدینگی از سپرده مردم باشند یا پرداخت به اصطلاح سود به سپرده آنها باشند این آن راهی است که تمام دنیا تجربه کرده‌اند.

**جمشید انصاری: از کجا منابع‌اش را تأمین کنند؟**

**هوشنگ فاخر:** منابع این‌طور می‌شود که تولیدکننده توان تأمین مواد اولیه‌اش را به‌دست می‌آورد منتهی یک فرصتی دارد که تولید کند از راه فروشش.

**جمشید انصاری:** با این سیستم چیزی به تولیدکننده نمی‌دهند بانک یک مطالباتی از شما دارند



می‌خواهم توان خود را در وام‌دهی بالا ببرند چون از شما نمی‌توانم بگیرم می‌آیم مطالبات شما را می‌فروشم به بانک مرکزی منابع خودشان می‌رود، می‌روند روی پروژه‌های جدید وام می‌دهند شما را به‌عنوان کسی که وام گرفته‌اید یک سال فرصت می‌دهند که بروید سال دیگر تسویه کنید.

**هوشنگ فاخر:** سهم خود را در آن مشارکت می‌فروشند به بانک مرکزی پشتوانه این دو چیز است برای بانک مرکزی:

۱. کالایی که قبلاً وارد شده موجود است.

۲. بانک خودش طبق ضوابطی که با مشتری عمل می‌کند ضامن پرداخت این پول در این سررسید به بانک مرکزی است یعنی بانک مرکزی ریسکی نمی‌کند.

**جمشید انصاری:** به شما تولیدکننده چه می‌رسد؟

**هوشنگ فاخر:** گیر من تولیدکننده این می‌آید که من الان نمی‌توانم مواد اولیه ام را تهیه کنم آن موقع بانک توانا می‌شود که می‌تواند این تسهیلات را به من بدهد.

**اسدالله جلال‌آبادی:** بحث آقای فاخر این است که بانک مرکزی یک خط اعتباری در نظر بگیرد شما بحثان این است. چون هزینه جذب پول در بانکها بالاست بانک مرکزی می‌تواند یک خط اعتباری در نظر بگیرد برای بانکها برای سیستم بانکی که آن خط اعتباری را اختصاص دهد به تولید، اما اشکالی که اینجا پیش می‌آید اینکه چرا هزینه پول در کشور ما بالاست؟ چون تورم بالاست این دو ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. اگر بانک مرکزی هم دوباره یک خط اعتباری دهد پولی به جامعه تزریق می‌شود.

**هوشنگ فاخر:** پول نمی‌دهد، کالا می‌دهد.

**اسدالله جلال‌آبادی:** فرقی نمی‌کند بالاخره ماحصل این است که یک نقدینگی به جامعه تزریق شده است باز ماحصل تورم بیشتر است یعنی ما نگرانیمان نسبت به بالا بودن هزینه تولید که شما فرمودید حل نمی‌شود.

**هوشنگ فاخر:** بانک مرکزی ۱، ۲ درصد هزینه می‌کند سپس بانک می‌تواند تسهیلات را با نرخ پایین بگیرد. با هزینه مشتری پایین، قیمت تمام شده پایین، تولیدکننده از حالت زیان‌دهی خارج می‌شود و



می‌تواند زودتر بدهی‌اش را بدهد.

**اسدالله جلال‌آبادی:** همین ۲، ۳ هفته پیش اتحادیه اروپا که کشور یونان مشکل پیدا کرد ۹۰۰ میلیارد یورو که یک بخشی را صندوق بین‌المللی پول تقبل کرد یک بخشی هم خود بانک مرکزی اروپا اتفاق اول چی بود؟ ارزش یورو در بازار به شدت شروع کرد به سقوط کردن اینها اتفاقاتی است که پیامدهایش می‌افتد درسته شما درست می‌فرمایید مشکل کمبود نقدینگی تولید را ممکن است حل کند، اما مشکلاتی را در کشور ایجاد می‌کند که دوباره دودش به چشم تولیدکننده می‌رود. اینها را باید مد نظر داشته باشیم یکی هم اینکه منبع‌اش؟ از کجا بیاورد بانک مرکزی؟ انتشار اسکناس بکند چه کار کند؟!

**هوشنگ فاخر:** ۴ تا ۵ درصد نقدینگی به صورت اسکناس است بقیه در حساب‌هاست که این طرف و آن طرف می‌شود. پس بنابراین نیاز به چاپ اسکناس نیست شما فقط اعتباری را می‌دهید به بخش تولیدی که بتواند با ظرفیت بالاتری کار کند قیمت تمام شده پایین بیاید، برای اینکه ظرفیت بالاتری کار کند نیرو باید جذب کند آقای دکتر می‌فرمایند که شاید یک مقدار نیرو بیکار دارد که آنها را جذب می‌کند نه یک مقدار هم باید جذب کند حالا اگر الان نمی‌تواند کار کند شاید با یک شیفت کار می‌کند یا ۲ شیفت یا ۳ شیفت یا ۴ شیفت یا ۷ روز هفته کار کردیم برای اینکه قیمت تمام شده‌ام را بیاورم پایین این راهی است که جواب می‌دهد و می‌تواند به صورت ۱، ۲ رشته را که دولت فکر می‌کند اگر حمایت کند از اشتغال حمایت می‌شود ۶ ماه آزمایشی کند ببیند آن رشته چگونه رشد می‌کند همان از این صنایعی که داریم ۱، ۲ قسمت را انتخاب کند آنهایی که وضعیتشان از همه بدتر است بعد این سیستم را اجرا کنند ببینند می‌شود یا خیر.

**علی‌عباس کریمی:** می‌شود ولی تبعات خاص خود را دارد. دولت تسهیلات می‌دهد، ولی با توجه قدرت رقابت، با توجه به نرخ ارز، امکان موفقیت این واحدها دوباره وجود دارد؟ یعنی دولت دوباره بیاورد تسهیلات بدهد، ولی با توجه به قدرت رقابت و وضعیتی که الان واحدهای ما در رقابت کالاهای چینی دارند، باثبات نرخ ارز امکانپذیر است.

**هوشنگ فاخر:** با ثبات نرخ ارز هنوز مشکل وجود دارد، ولی بله یک مقداری از آن را حل می‌کند ما البته از اتاق بازرگانی یک بسته‌ای را داده‌ایم به بانک مرکزی به صورت پیشنهادی که اگر شما نرخ ارز را طبق برنامه پنج‌ساله چهارم که پیش‌بینی شده (تورم جهانی منهای تورم داخلی) مدیریت کنیم

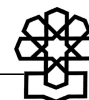


آن مسئله حل شود تسهیلات هم اینطور انجام بدهیم ما هم از این طرف بالاخره اتاق بازرگانی هستیم، شما اگر تولید را بالا ببرید سودآور می‌شوید اینها همه‌اش این حسابها را البته خوب می‌دانند که وقتی ببیند که حساب می‌کند دیگر هزینه مالی من اینقدر آمده است پایین از این سمت کالا وارداتی که نرخ دلارش رفته بالا به اندازه مواد اولیه که از خارج وارد می‌کنی قطعات یدکی برای آنها اثرگذار است ولی کالای مشابه وارداتی خیلی بیشتر قیمتش بالا می‌رود اینجا تنها گروهی که از این سیستم زیان می‌بینند کسانی هستند که حقوق ثابت دارند مثل ترکیه آنها را هر دو ماه سه ماه یک دفعه حقوقشان را اصلاح بکنند به جای اینکه سر سال حقوق اصلاح شود از این طرف دولت یکی درآمد حاصل از فروش ارزش بالا می‌رود و هدفمند. فرض کنید هر دلار را اگر یک چند صد تومانی رویش می‌گذاشتند آن ۴۰ هزار میلیاردی که مورد نظر رئیس‌جمهور بود الان تأمین بود. من نمی‌دانم چرا دلار را طوری بدهیم که سیب از خارج وارد کنیم بادام از خارج، سنگ قبر، کفش و... وارد می‌شود دولت مدیریتش را طوری کند که صرف نکند اصلاً جلوی قاچاق را می‌گیرد شما جلوی قاچاق هر چقدر تعرفه را بالا ببری فقط قاچاقچی استفاده‌اش را می‌کند و دولت بیشتر ضرر می‌کند چون کالایی که از طریق گمرک می‌آمد می‌رود و از طریق قاچاق ولی ارز را که ببریم بالا، چون واردات غیراقتصادی می‌شود، اصلاً قاچاقچی دنبالش نمی‌رود این دوتا راه را اگر توأمأً انجام دهند.

**نایب رئیس اتاق بازرگانی: اگر دولت هر دلار را چند صد تومانی گران‌تر بفروشد، هم اینقدر به تولیدکننده ایرانی فشار نمی‌آید و هم آن ۴۰ هزار میلیارد مورد نظر رئیس‌جمهور در هدفمند کردن یارانه‌ها، تأمین می‌شود.**

**سیدامیر سیاح:** با توجه به تشنگی شدید تولیدکنندگان به منابع مالی و وجود نقدینگی سرگردان در جامعه، با چه روش‌هایی می‌توان بازارهای پولی و مالی کشور را در جذب و هدایت پس‌اندازها برای متقاضیان وجوه کارآمدتر کرد؟ چه اصلاحاتی در قوانین و مقررات باید ایجاد شود؟

**جمشید انصاری:** من به‌نظرم می‌رسد که اقتصادمان در شرایطی است که ما باید یک انتخاب استراتژیک را بین رونق، رکود و تورم انجام دهیم یعنی اگر بخواهیم تورم را کنترل کنیم در حین کنترل تورم به رونق برسیم هیچ اقتصادی در دنیا این را تجربه نکرده، اگر بخواهیم از شرایط رکود خارج شویم و وارد رونق شویم باید یک دوره میان‌مدتی تورم‌های ۲ رقمی را بپذیریم چون دولت اولویت کارش شده است کنترل تورم و از رونق اقتصادی غفلت کرده است من ۲، ۳ آمار می‌دهم مرکز پژوهش‌ها نظرسنجی در مراکز استان‌های کشور سؤال دو گزینه‌ای: اگر دولت بین این دو



گزینه ناچار باشد انتخاب کند کدام را انتخاب کند؟ ۶۸ درصد ایجاد اشتغال، ۳۲ درصد کنترل تورم، این نتیجه یعنی مردم این را می‌فهمند، ۷۲ درصد ایجاد اشتغال، ۲۸ درصد افزایش اعتبارات عمرانی، مردم می‌فهمند که اگر مردم بخواهند بروند به سمت رونق یک دوره‌ای با کارهای عمرانی با رکود مواجه می‌شود. حالا مردم نظرشان معلوم است، دولت هم باید نظرش در افزایش پایه پولی کشور باشد اینکه ما منابع بانک مرکزی را بیاوریم در خدمت تولید بگیریم این تصمیم، تصمیم مؤثری است و در خیلی جاها می‌تواند تأثیرگذار باشد. باید در این زمینه، یک تصمیم‌گیری ملی صورت گیرد، ولی راجع به بحث تجهیز پس‌اندازهای خرد باید علی‌عباس کریمی بیشتر توضیح می‌دادند که راجع به نقش بازارهای مالی و بازار سرمایه می‌تواند در این زمینه ایفا بکند چون ما به‌نظر می‌رسد که سیستم‌های جذب پس‌انداز به بازار پول و سیستم بانکی تقریباً سیستم‌های تجربه شده‌ای است که در این حد جواب می‌دهد بیشتر از این، ما بالاترین نرخ سود را به سپرده‌ها داده‌ایم ما بالاترین نرخ سود را به اوراق مشارکتی که سیستم بانکی منتشر کرده داده‌ایم. سقف وزنه‌ای که می‌توانیم اینجا بزنیم معلوم است، باید برویم سراغ بازارهای سرمایه. آنجا به‌نظر من یکی از کارهایی که باید انجام دهیم کاری است که دنیا هم انجام داده است. در دنیا صندوق‌های بازنشستگی و اساساً این نوع صندوق‌ها که با ماهیت خصوصی یا دولتی راه می‌افتد جزء ابزارهای تأمین سرمایه‌اند نه ابزارهای جذب سرمایه، یعنی ما ۶۰ تا را در نظر می‌گیریم یک دفعه می‌بینی از بازار سرمایه ما حدود یک‌چهارم از موجودی بازار سرمایه ما متعلق به ۶۰ تاست یک مقدار قابل توجهی متعلق به صندوق بازنشستگی کشوری است، یک بخش فولاد، یک بخش خود سرمایه‌گذاری بانک‌ها که اینها ماهیت حضور در بازار سرمایه را دارند. ما باید برویم سراغ محدود کردن امکان استفاده این صندوق‌ها و شرکت‌ها از منابع محدود بانکی برای اینکه این منابع محدود بتواند در اختیار تولیدکنندگان بخش خصوصی قرار گیرد الان شما نگاه کنید شرکت ملی پتروشیمی، وقتی پتروشیمی می‌زند مثل آب خوردن منابع بانکی را می‌گیرد برای آنجا درحالی که توقع این نبود که شرکت پتروشیمی برود از سپرده‌های بانکی گیرد توقع این بود که شرکت ملی پتروشیمی واحدهای خودش را به مردم در بازار سرمایه واگذار کند و نقدینگی آزاد شده از آنجا را صرف برنامه‌های توسعه کند این اتفاق نمی‌افتد. نقدینگی آزاد شده از آنجا صرف تأمین بودجه دولت می‌شود به‌عنوان درآمدهای حاصل از خصوصی‌سازی؛ بعد شرکت ملی پتروشیمی می‌رود از این منابع محدود بانکی برای خودش سهم می‌گیرد با دستور مقامات دولتی. ۶۰ تا تقریباً اکثر واحدهای تولیدی که رفته به‌عنوان طرح‌های توسعه شروع کرده بالای ۷۰ درصد منابع‌اش را از سیستم بانکی گرفته در صورتی که ۶ تا می‌توانست سهم خودش را در شرکت‌های مختلف به مردم واگذار کند در بازار سرمایه منابع حاصل از آن را ببرد در طرح‌های توسعه خودش.



**جمشید انصاری: باید محدودیت‌هایی برای شرکت‌های سرمایه‌گذاری و صندوق‌های بازنشستگی در استفاده از منابع بانکی قائل شویم تا آنها ملزم شوند منابع مورد نیاز توسعه‌شان را از بازار سرمایه جذب کنند نه از نظام بانکی.**

این است که من فکر می‌کنم باید محدودیت‌هایی برای شرکت‌های سرمایه‌گذاری بانک‌ها و صندوق‌های بازنشستگی در استفاده از منابع بانکی قائل شویم تا آنها ملزم شوند بروند به سمت اینکه منابع مورد نیاز توسعه خود را از بازار سرمایه جذب کنند. این می‌رود به سمت واگذاری یعنی منابع را مردم می‌آورند. یعنی مردمی که حاضر نیستند وجوهشان را به سیستم بانکی ببرند، می‌روند سهام می‌خرند آن سهام می‌آید صرف توسعه می‌شود یعنی یک منابع جدیدی که مردم حاضر نیستند در بانک‌ها بگذارند می‌آورند آنجا. نکته دوم: حالا اینکه بانک مرکزی حداقل از ذخایر ارزی خودش خطوط اعتباری ایجاد کند. حالا می‌تواند این را غیرمستقیم ایجاد کند یعنی بانک مرکزی بر فرض ما الان بحثی که داشتیم استفاده از سرمایه‌های خارجی است. شاید ما به دلیل فضای سیاسی کشورمان نتوانیم سرمایه‌گذاران خارجی را جذب کنیم، ولی می‌توانیم ذخایر بانک مرکزی را نزد بانک‌های خارجی سپرده‌گذاری کنیم مشروط به اعطای خطوط اعتباری ارزی به بانک‌های ایران. این کاری است که قبلاً بانک مرکزی در مواردی انجام داده است و خطوط اعتباری این بار این خط اعتباری خط اعتباری خارجی است یک خطی است که مثلاً بانک آلمانی می‌دهد به بانک ملی، بانک ملی اعتباری که از اینجا می‌دهد تضمین‌هایش را بانک ملی می‌گیرد، ولی منابع مالی بانک آلمانی است. حالا برای بانک مرکزی که چه بخواهد پول‌هایش را در بانک‌های سوئیس یا در کشورهای مختلف فرق چندانی نمی‌کند ضمن اینکه بخشی از ذخایر ارزی خودش را می‌تواند سپرده‌گذاری کند نزد بانک‌های داخلی و خط اعتباری مستقیم برای آنها تعریف کند؛ چون بانک‌های داخلی ما در خارج از کشور امکان سپرده‌گذاری دارند از بانک مرکزی می‌گیرند و این کار را انجام می‌دهند. یک کار دیگری هم که می‌توانیم انجام دهیم با این بحث رونق و رکود و تورم این است که تصمیماتی را که دولت در جهت حمایت از تولید، اشتغال و وجوه مختلف اقتصادی می‌گیرد با تقویم به ریال کردنش روش‌های دیگری برای هزینه تعریف کنیم. مثال عرض کنم شما این را شنیده‌اید - من از نزدیک دیدم - در جریان ادغام دو آلمان یک مؤسسه بزرگی به‌عنوان مؤسسه خصوصی آلمان شرقی درست شد آنجا یک لکوموتیوسازی بود آلمان شرقی که به یک بار آن را واگذار کردند به بخش خصوصی، ولی شرط و شروط گذاشتند و گفتند مثلاً شما باید اینجا ۷۰۰۰ نفر شاغل داشته باشید اگر خواستید تغییر تکنولوژی بدهید و نیروی انسانی را کم کنید باید توسعه را در کنار تغییر تکنولوژی آنچنان بدهید که این نیروی انسانی با آموزش برود آن طرف جذب شود



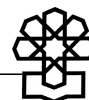
یعنی ظرفیت‌های شغلی را تضمین شده بگیرند عوضش پول نگرفتند. ما الان مثلاً در کشور یک منابعی را در بودجه عمومی تعریف کنیم برای ایجاد اشتغال به صورت وجوه اداره شده در اختیار سیستم بانکی؛ مثلاً همین بنگاه‌های زودبازده که اخیراً شروع شده که معلوم نیست نتیجه بدهد یا ندهد. ما برای ایجاد هر اشتغال که ۳۰ میلیون پرداخت می‌کنیم اگر واحد تولیدی آقای فاخر پذیرفت توسعه‌ای بدهد که ۱۰۰ نفر را در آن توسعه به کار بگیرد ما حاضریم هزینه اشتغال این ۱۰۰ نفر را که می‌شود چیزی در حدود ۳ میلیارد تومان بلاعوض پرداخت کنیم به آقای فاخر. بالاخره ما می‌خواهیم ۳۰ میلیون خرج کنیم از دولت برای مسئله اشتغال چرا عادت کرده‌ایم که همیشه واحد تولیدی را بدهکار کنیم از این طرف پول‌های خودمان را خرج کنیم که معلوم نشود به نتیجه می‌رسد یا خیر؟ اینها منابع محدودی است که اگر بیاید به داخل واحدهای تولیدی، واحدهای تولیدی با پایه موجود خودشان کارهای بزرگی می‌توانند انجام دهند این هم در واقع نوعی تغییر در روش است هزینه دولت برای حل مشکلات اقتصادی کشور که حالا خود یارانه‌های مربوط به تسهیلات هم بخشی از همین است یعنی دولت می‌خواهد سرمایه‌گذاری کند یارانه تسهیلات می‌دهد همان مسئله آقای فاخر که می‌گویند به جای اینکه ۱۵ درصد نرخ بهره‌اش باشد ۳ درصد یا ۴ درصد می‌دهد بقیه‌اش را بابت چیزهای دیگر تقبل می‌کند. شما اشتغال ایجاد کرده‌اید کارهای دیگر انجام بدهید. من فکر می‌کنم این به اضافه آن تحرک بیشتری که بازار سرمایه ما باید پیدا کند برای تأمین مالی تولید، ضروری است. اخیراً ما یک اصلاحی را در قانون بازار سرمایه انجام داده‌ایم در مجلس که سازوکارهای خوبی را پیش‌بینی کرده‌ایم. مثلاً ما پیش‌بینی کرده‌ایم که اینها بتوانند صندوق‌هایی را تشکیل دهند که این صندوق‌های سرمایه‌گذاری با وثیقه‌گذاری دارایی‌های خودشان اوراق مشارکت منتشر کنند حتی مثلاً روش‌های بدیع‌تری هم پیش‌بینی کرده‌ایم. شهرداری تهران بیاید اموال خودش را تقویم کند این اموال خودش را به یک شرکت سرمایه‌گذاری بفروشد این شرکت سرمایه‌گذاری پول آن را از محل فروش اوراق مشارکت تأمین کند به شهرداری بعد خود آن ساختمان‌ها را مجدداً اجاره بدهد به شهرداری و از محل اجاره‌بها سود اوراق مشارکت را پرداخت کند. یعنی یک روش‌هایی را تعریف کرده که بتوانم از سبد دارایی موجود کشور استفاده کنیم. اینها روش‌هایی است که در بازار سرمایه جواب می‌دهد و باید دوستان آنجا مردم را مقداری با کارهای تشویقی و توجهی آشنا کنند مردم و آنها هم بتوانند با یک روش انگیزه شوند برای مردم برای سوق دادن پس‌اندازهای کوچکشان.

**علی‌عباس کریمی:** ذهنیت من این بود که بالاخره در کشور بر این اعتقاد داریم که کمبود منابع داریم. بعید می‌دانم کشوری باشد که ادعا کند همه منابع داخلی را باید بتواند از داخل تأمین کرد ما



هم همین‌طور. مقداری به ناچار باید متوسل به سرمایه‌گذاری خارجی بشویم که آن هم راهکارهایی دارد که آن هم در چارچوب قوانین و مقررات و چه فعالیت‌های دیگر اما بحثی که می‌توانیم از طریق منابع داخلی از وجوه در اختیار یا پس‌اندازهای داخلی بتوانیم تأمین بکنیم باید راهکارهایی را برای این قضیه تدارک ببینیم. من احساسم این است که از مشکلات اصلی ما تکیه تقریباً همه واحدهای اقتصادی بر منابع بانکی است یعنی اقتصاد ما یک اقتصاد کاملاً بانک‌محور است برخلاف اقتصاد بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته که نه همه، ولی خیلی از آنها تکیه بر منابع بازار سرمایه است. ما می‌توانیم راهکارهایی را ارائه کنیم که حداقل واحدهای تولیدی بزرگ ما نه تنها بگوییم صندوق‌های سرمایه‌گذاری مثل ۶۰ تا یا شرکت‌های بزرگ مثل ایران‌خودرو شرکت‌های بزرگ مثل پتروشیمی‌ها چرا اینها بیایند منابع بانکی را بگیرند و واحدهای کوچک ما هیچ‌گونه دسترسی به این منابع نداشته باشند؟ الان همان‌طور که آقای دکتر توضیح دادند، راهکارهایی هم با کمک مجلس فراهم شده یعنی بحثی هم که در قسمت آخر مطرح کردند صکوک اجاره است. یعنی با استفاده از منابع خود واحدها می‌شود اوراقی را منتشر کرد و از مردم تأمین مالی کرد. خصوصاً اینکه ممکن است مردم این اوراق را بر سپرده‌گذاری در بانک‌ها ترجیح دهند. همان‌طور که اوراق مشارکت اگر نرخ مناسبی داشته باشد مردم آن را بر سپرده‌گذاری ترجیح می‌دهند و اینکه سعی کنیم در مرحله بعد فرهنگ‌سازی کنیم چه در سطح مردم چه در سطح واحدهای تولیدی. یعنی خیلی از واحدهای تولیدی ما اصلاً با ساختار بازار سرمایه آشنا نیستند و نمی‌دانند که چطور می‌شود تأمین مالی کرد و مردم ما هم خیلی اطلاعاتی در مورد سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه و سوق دادن پس‌اندازهایشان به سمت واحدهای تولیدی ندارند. بنابراین یکی از وظایف اصلی ما به‌نظر من فرهنگ‌سازی و آشنایی مردم و معرفی نهادهای جدید است که تسهیل کنند این قضایا را مثلاً اینکه از موضوعاتی که در قانون جدید آمده ایجاد نهادها و ابزارهای واسطی هست که در قانون توسعه بازار سرمایه و نهادها و ابزارهای جدید آمده که اینها کمک می‌کند که انتشار ابزارهای جدید اگر بتوانیم در چارچوب مقررات قوانین جدید این نهادها را معرفی کنیم و راهکارهای استفاده از این نهادها را معرفی کنیم. خیلی از واحدهای تولیدی با آشنا شدن با اینها می‌آیند به سمت اینها حداقل از منابعی که در کشور موجود است به‌عنوان نقدینگی به‌عنوان پول‌های سرگردان یا هرچه که بدان اشاره کنیم اگر چه اعتقاد آقای دکتر بر این است که در حدی نیست که ما بتوانیم در این حد حساب کنیم ما نیاز داریم تأمین منابع از خارج هم کنیم قطعاً حداقل برای جذب اینها ما باید راهکارهای بهینه‌ای ارائه کنیم و واحدهای تولیدی را آشنا کنیم ما این راهکارها را سوق دهیم به این جهت توسعه بازار سرمایه حداقل می‌تواند با همین ساختارهای فعلی اگرچه خیلی‌ها هنوز در حرف و حدیث‌ها می‌شنویم مثلاً می‌گویند بورس توان دادوستد اوراق مشارکت و فراهم کردن بازار برای





معاملات ثانی اوراق مشارکت را ندارد درحالی که اصلاً چنین چیزی واقعیت ندارد یعنی امکان دادوستد این اوراق در سطح بورس و فراهم کردن بازار ثانویه و پشت سرش فراهم است.

**سیدامیر سیاح:** خیلی متشکرم از حضور شما و نظراتی که در پاسخ به سؤالات بیان فرمودید. امیدوارم انتشار این نظرات و راهکارها در قوه مقننه بتواند زمینه‌های لازم برای اصلاح قوانین و مقررات تأمین مالی تولید و نظارت بر اجرای مؤثرتر آنها را فراهم کند.



## چالش‌های نظام تأمین مالی ایران از منظر محیط کسب‌وکار<sup>۱</sup>

### مقدمه

تأمین مالی یا تأمین اعتبار به معنای فراهم آوردن سرمایه (وجوه) مورد نیاز برای اجرای یک پروژه، راه‌اندازی یک کسب‌وکار و یا ادامه فعالیت یک مؤسسه یا بنگاه اقتصادی است. به زبان ساده، هر آنچه بتواند پول مورد نیاز برای یک فعالیت اقتصادی را فراهم کند، به‌عنوان یک منبع مالی یا تأمین اعتبار شناخته می‌شود. تأمین مالی یکی از خدماتی است که توسط نهادهای فعال در نظام‌های مالی بین‌المللی یا ملی ارائه می‌گردد. تأمین اعتبار و شرایط مترتب بر آن یکی از مؤلفه‌های اصلی محیط کسب‌وکار است. سهولت یا دشواری تأمین اعتبار نه تنها سرنوشت کارآفرینانی که قصد راه‌اندازی یک کسب‌وکار جدید را دارند، به چالش می‌کشد، بلکه بر ادامه حیات بنگاه‌های اقتصادی نیز اثر می‌گذارد.

در سطح خرد، همان‌طور که یک کارآفرین برای عملی کردن ایده خود، نیازمند جذب اعتبارات لازم است تا بتواند کسب‌وکار مورد نظر را راه‌اندازی کند، کسب‌وکارهای موجود نیز برای توسعه فعالیت خود، حفظ توان رقابتی، کسب فناوری‌های جدید و ادامه حیات، نیازمند تأمین اعتبارند. در سطح کلان نیز افق اقتصادی مندرج در سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی و تأکید بر ضرورت رشد ۸ درصدی اقتصاد در سیاست‌های کلی ابلاغی برنامه پنجم توسعه، همگی اهدافی است که تحقق آن مستلزم حمایت از انباشت سرمایه و سرمایه‌گذاری و بالطبع، توسعه بازار سرمایه (به معنی کلی آن) است. لذا هم‌اینک و با استفاده از تجربیات گذشته، ضرورت رویکرد کشور به توسعه نظام تأمین مالی (ابزارها، بازارها و نهادهای مالی) بیش از پیش احساس می‌شود.

### نگاهی به نظام تأمین مالی در ایران

وظیفه اصلی یک نظام مالی، ایجاد رابطه بین سرمایه‌گذاران (دارندگان وجوه) و سرمایه‌پذیران (کسانی که به تأمین مالی نیاز دارند) می‌باشد. شکل‌گیری این ارتباط از طریق یک نظام تأمین مالی کارآمد صورت می‌گیرد که شامل نهادها و بازارهای مالی، ابزارهای مالی، نهادهای سیاستگذار در بخش مالی و قوانین حاکم بر بخش مالی است. نظام تأمین مالی کشور ما، رویکردی

۱. حجت دهقان بناذکوک، کارشناس گروه مطالعات فضای کسب و کار.



اسلامی دارد که براساس اصل مشارکت در سود و زیان و پذیرش ریسک، رسیدن به عدالت و رفاه اجتماعی را مد نظر قرار داده است. این نظام بر مواردی همچون رد رباخواری، مشارکت در سود و زیان عملیات، ممنوعیت بخشی از عملیات بورس‌بازی و سفته‌بازی، اجتناب از عملیات غیرمجاز شرعی و انجام تعهدات مندرج در قرارداد استوار است، ولی با این حال این نظام با چالش‌هایی همچون عدم تنوع در اوراق بهادار، گسترش نیافتن فرهنگ سهام‌داری، تأثیرپذیری سیاست پولی از سیاست مالی دولت، پایه بانکی بودن این نظام و نیز عدم هدایت منابع و پس‌اندازهای عمومی به سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد روبرو است.

در جوامع سنتی با نظام اقتصادی مبتنی بر کشاورزی، تأمین مالی کار دشوار نبوده است. در چنین نظامی قراردادهای مالی برای دوره‌های یک‌ساله بسته شده و روش‌های مشارکت در محصول، تا حد زیادی برای تأمین مالی تولید کفایت می‌کرد، اما در جوامع صنعتی کنونی که رکن تولید، کارخانه بوده و حتی کشاورزی نیز از شکل سنتی خود به کشاورزی مکانیزه و صنایع غذایی تحول پیدا کرده است، روش‌های ساده تأمین مالی، تکافوی نیازهای تولیدکنندگان را نمی‌کند. برای راه‌اندازی یک کارخانه، روش‌های تأمین مالی نسبتاً پیچیده‌تر و از نظر زمانی منعطف‌تری مورد نیاز است. بنابراین با توجه به نیازها، اهداف و توانایی‌ها، باید نواقص موجود در نظام تأمین مالی کشور را بررسی و در جهت رفع آن، اقدام کرد. در ادامه این گفتار، پس از مروری بر نهادهای مالی و شیوه‌های تأمین مالی در کشور از منظر محیط کسب‌وکار، به برخی از چالش‌های این حوزه پرداخته و پیشنهادهایی برای ارتقای نظام تأمین مالی ارائه می‌شود.

### نهادهای مالی و انواع آن

وظیفه نهادهای مالی، جمع‌آوری پس‌اندازهای کوچک و به‌کاراندازی آنها در صحنه‌های تولید و توسعه اقتصادی و تأمین سایر نیازهای سرمایه‌گذاری است. نهادهای مالی علاوه بر این، با فراهم آوردن فضایی رقابتی، هزینه تأمین سرمایه را نیز کاهش می‌دهند. نهادهای مالی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: نهادهای پولی و نهادهای سرمایه‌ای که در واقع از آنها به‌عنوان بازار پول و بازار سرمایه یاد می‌شود. صرف‌نظر از بحث مربوط به تفکیک بازار پول و سرمایه، در نظام‌های ربوی، بانک‌ها به‌عنوان بازار پول و بورس‌های اوراق بهادار به‌عنوان بازار سرمایه شناخته می‌شوند. حال آنکه از نظر قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌ها هم بخشی از بازار سرمایه هستند و از طریق پرداخت سود به سپرده‌ها، انگیزه لازم را برای سپرده‌گذاران ایجاد می‌کنند، بورس اوراق بهادار نیز پس‌انداز افرادی را جذب می‌کند که به بازدهی بیشتر در مقابل پذیرش ریسک بالاتر و نیز عواید



مستقیم ناشی از معامله اوراق بهادار می‌اندیشند. البته بازارهای مالی فقط به موارد فوق محدود نمی‌شود. امروزه در سطح بین‌المللی نهادهای جدید مالی شکل گرفته‌اند. بورس‌های کالایی، انواع مؤسسات بیمه‌ای، صندوق‌ها و مؤسسات سرمایه‌گذاری نیز از جمله نهادهایی هستند که می‌توان در جهت گسترش رقابت و تنوع در روش‌های تشکیل سرمایه از آنها استفاده کرد.

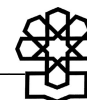
در کشور ما، افراد حقیقی و حقوقی که قصد ایجاد یا توسعه یک فعالیت اقتصادی دارند معمولاً جهت تأمین مالی و سرمایه مورد نیاز خود به بازارهای مالی مراجعه می‌کنند. در شبکه بانکی و مؤسسات مالی اعتباری، متقاضیان در برابر پرداخت سود، طی عقود اسلامی، تسهیلات دریافت می‌کنند و در بورس‌های سهام، از طریق انتشار اوراق بهادار (سهام، اوراق مشارکت) به منابع مالی و پس‌اندازهای عمومی دست می‌یابند.

### انواع منابع مالی

منابع مالی هر واحد اقتصادی از منابع داخلی و خارجی تشکیل شده‌اند. منابع داخلی شامل جریان‌های نقدی حاصل از عملیات و وجوه حاصل از فروش دارایی‌هاست و منابع خارجی شامل استقراض از بازارهای مالی و انتشار سهام جدید است. در واقع مجموع این دو منبع مالی، وجوه در دسترس بنگاه‌های اقتصادی را تشکیل می‌دهد که باید صرف اموری چون بازپرداخت بدهی، افزایش سرمایه در گردش، سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت و پرداخت سود سهام شود. البته بدیهی است که برای یک واحد اقتصادی در شرف تأسیس، در کنار منابع خارجی، تنها می‌توان به آورده نقدی مؤسسان آن واحد اقتصادی اشاره کرد که آن هم صرف تأسیس آن واحد و تأمین سرمایه در گرش و واردی از این دست می‌شود.

### روش‌های تأمین مالی

معمولاً روش‌های تأمین مالی در دو گروه تأمین مالی کوتاه‌مدت و بلندمدت مورد مطالعه قرار می‌گیرد. تأمین مالی کوتاه‌مدت اغلب برای پشتیبانی سرمایه‌گذاری موقت در دارایی‌های جاری مورد استفاده قرار می‌گیرد، زیرا برای سرمایه‌گذاری موقت در دارایی‌های جاری معمولاً از وام کوتاه‌مدت استفاده می‌شود.



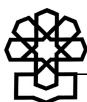
## جدول ۳. روش‌های تأمین منابع مالی کوتاه‌مدت

نام روش	توصیف	مزایا	معایب
اعتبار تجاری (خرید نسبی کالا یا خدمت)	دریافت کالا و پرداخت وجه آن با فاصله زمانی	- سهولت دسترسی - نداشتن هزینه - عدم نیاز به وثیقه - عدم سختگیری طلبکاران	- متورم شدن حساب‌های پرداختی - از دست رفتن تخفیف نقدی - کاهش درجه اعتباری واحد اقتصادی
تسهیلات بانکی	دریافت وجوه مورد نیاز از بانک‌ها	- استفاده از خدمات بانک‌ها - استفاده از منبع مالی در موعد مقرر - استفاده از تمام یا قسمتی از اعتبار - امکان باز پرداخت قبل از سررسید	- لزوم داشتن سرمایه کافی و نقدینگی - مانده‌های جبرانی - نیاز به وثیقه برای وام
اوراق تجاری کوتاه‌مدت (اوراق مشارکت)		- عدم نیاز به وثیقه - امکان تنظیم سررسید اوراق (بازخرید) - تأمین مالی از طریق اوراق مشارکت جدید (منبع مالی مستمر)	صرفاً توسط واحدهای اقتصادی معتبر قابل اجراست
تسهیلات مؤسسات مالی تجاری	دریافت وجوه مورد نیاز از مؤسسات مالی	- در صورت عدم امکان استفاده از تسهیلات بانک‌ها می‌توان از این روش استفاده کرد	- سود بیشتر از تسهیلات بانکی - نیاز به وثیقه
تأمین مالی از طریق وثیقه‌گذاری حساب‌های دریافتی یا موجودی کالا و یا وثیقه‌گذاری سایر دارایی‌ها (زمین، ساختمان، ماشین‌آلات)	دریافت وجوه مورد نیاز با وثیقه قرار دادن حساب‌های دریافتی یا موجودی کالا و ... نزد یک اعتباردهنده	- دسترسی سریع به وجه نقد - دسترسی به وجه نقد به‌طور فصلی	- مانده حساب‌های دریافتی در حد قابل قبول - نیاز به موجودی کالا به اندازه کافی - سود پرداختی نسبتاً بالا
پیش‌فروش محصولات به مشتری		- دسترسی سریع به وجه نقد	- لزوم داشتن متقاضی

مأخذ: مجله حسابدار، شماره ۱۴۶.

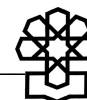
## تأمین مالی میان‌مدت و بلندمدت

در عرصه مدیریت مالی دوره کوتاه‌مدت معمولاً به بدهی‌هایی مربوط می‌شود که سررسید آنها برای دوره‌ای کمتر از یک‌سال است، اما اصطلاح تأمین مالی میان‌مدت و بلندمدت به‌طور دقیق تعریف نشده است. برخی واحدهای اقتصادی دوره میان‌مدت را برای تاریخ‌های سررسید بیش از یک‌سال و کمتر از ده سال به‌کار می‌برند. برای برخی اشخاص وام هشت‌ساله کوتاه‌مدت و برای برخی دیگر بلندمدت محسوب می‌شود، ولی به‌طور کلی وام‌های دارای سررسید بیش از یک تا دو سال بلندمدت نامیده می‌شوند.



جدول ۴. روش‌های تأمین مالی میان‌مدت و بلندمدت

نام روش	توصیف	مزایا	معایب
تسهیلات بانکی بلندمدت	تسهیلات بانکی دارای سررسید بیش از یکسال	- سود وام‌های میان‌مدت و بلندمدت تقریباً ثابت است - در موقع انعقاد قرارداد می‌توان درباره شرایط قرارداد مذاکره کرد - مشتریان خوش‌حساب از تسهیلات بهره‌مند می‌شوند	- مندرجات قراردادهای این وام‌ها محدودیت‌هایی برای واحدهای اقتصادی ایجاد می‌نمایند - نرخ سود این وام‌ها معمولاً بیش از نرخ بهره پایه است - وثیقه‌گذاری واحد اقتصادی محدود می‌شود
اجاره‌های بلندمدت (اجاره به شرط تملیک و عملیاتی)	قراردادی است که به موجب آن مالک دارایی، دارایی را به طرف دیگر قرارداد اجاره می‌دهد تا در ازای پرداخت مبالغ مشخص از آن دارایی استفاده کند	- استفاده از دارایی و پرداخت به‌صورت اقساط و در بلندمدت	
سهام عادی	شرکت‌ها سهام عام خود را به مردم عرضه می‌نمایند. دارندگان سهام عادی مالکان نهایی شرکت هستند	- فاقد سررسید هستند و تأمین مالی دائمی هستند - واحد اقتصادی الزام قانونی برای پرداخت سود سهام ندارد - با انتشار سهام، وضعیت کنترل و مالکیت واحد اقتصادی تغییر نمی‌کند	- هزینه این روش از روش‌های دیگر تأمین مالی بیشتر است - پرداخت سود سهام باعث صرفه‌جویی مالیاتی نمی‌شود - انتشار سهام عادی باعث می‌شود موقتاً سود هر سهم کاهش یابد و این موضوع بر قیمت سهام اثر منفی دارد
اوراق مشارکت (بانام و بی‌نام، با وثیقه و یا بدون وثیقه)	اسنادی که انتشاردهنده آن تعهد می‌کند مبالغ معینی را در زمان‌های مشخص به دارنده آنها پرداخت کند و در موعد مقرر اصل مبلغ را بازپرداخت کند	- هزینه سود اوراق مشارکت، قابل قبول مالیاتی است - این روش بر وام‌های بانکی کوتاه‌مدت ارجحیت دارد - برخی اوراق مشارکت قابل تبدیل و برخی قابل بازخرید هستند - اگر نرخ بازده واحد اقتصادی بیش از نرخ بهره اوراق باشد روش مناسبی است	- اگر نرخ بازده واحد اقتصادی کمتر از نرخ سود اوراق باشد سود هر سهم به شدت کاهش می‌یابد - ناتوانی در پرداخت اصل و سود این اوراق می‌تواند موجب ورشکستگی شود - قید و بندهای قرارداد اوراق مشارکت محدودیت‌هایی را برای واحد اقتصادی ایجاد می‌کند
اختیار خرید سهام عادی	نوعی اوراق بهادار که دارنده آن، حق خرید تعداد معینی از سهام عادی واحد اقتصادی را به قیمت معینی دارد	- برگه اختیار خرید سهام در بازار قابل معامله است	- حق استفاده از این برگه دوره مشخص دارد - باعث افزایش تعداد سهام واحد اقتصادی می‌شود - باعث کاهش سود هر سهم می‌شود



نام روش	توصیف	مزایا	معایب
سهام ممتاز	نوعی سهام که دارنده آن نسبت به درآمدها و دارایی‌های واحد اقتصادی، حق یا ادعای محدود و معینی دارد	<ul style="list-style-type: none"> <li>هزینه آن کمتر از سهام عادی است</li> <li>دارندگان سهام ممتاز دارای مزایای محدودی هستند</li> <li>سهام ممتاز معمولاً بدون سررسید است</li> <li>برای پرداخت سود سهام ممتاز الزام قانونی ندارند</li> <li>سهام‌داران ممتاز فاقد حق رأی هستند</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>اگر بازده واحد اقتصادی کمتر از هزینه سرمایه سهام ممتاز باشد سود هر سهم عادی کاهش می‌یابد</li> <li>هزینه سهام ممتاز از اوراق مشارکت بیشتر است</li> </ul>
وام‌های مؤسسات اعتباری	وام‌های بلندمدتی که توسط واحدهایی اقتصادی بیمه و مؤسسات مالی به شرکت اعطا می‌شود		<ul style="list-style-type: none"> <li>نرخ بهره این‌گونه وام‌ها بیشتر از بهره وام‌های بانکی است</li> </ul>

مأخذ: همان.

### مشکلات تأمین مالی و اثر آن بر محیط کسب‌وکار

همان‌طور که اشاره شد، کیفیت تأمین اعتبار یکی از مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار است. در گزارش‌های سالیانه‌ای که بانک جهانی از شرایط محیط کسب‌وکار در کشورها منتشر می‌کند،<sup>۱</sup> یکی از زیرشاخص‌های شاخص سهولت انجام کسب‌وکار،<sup>۲</sup> شاخص دریافت اعتبارات<sup>۳</sup> تعریف شده است. در آخرین نسخه از این گزارش که در سال ۲۰۱۰ منتشر شده و ۱۸۳ کشور را در بر می‌گیرد، ایران برای زیرشاخص «دریافت اعتبارات» رتبه ۱۱۳ را کسب کرده است. سؤالی که در اینجا از منظر محیط کسب‌وکار مطرح می‌گردد، این است که اساساً تأمین یا دریافت اعتبار در کشور با چه مشکلاتی روبرو است و چه تفاوت‌هایی در نظام تأمین مالی ایران و سایر کشورها وجود دارد؟

**یکی از مهمترین کاستی‌های نظام تأمین مالی کشور، فقدان مؤسسات اعتبارسنجی و تشریک اطلاعات اعتباری فعالان کسب‌وکار است.**

در حال حاضر یکی از مهمترین کاستی‌های نظام تأمین مالی کشور، فقدان مؤسسات اعتبارسنجی و تشریک اطلاعات اعتباری فعالان کسب‌وکار است. در اکثر کشورها، بانک‌ها زیر بار تأمین مالی کسی



نمی‌روند مگر اینکه تضمین شود که وام‌گیرنده از اعتبار کافی برخوردار بوده و در صورت بروز مشکل، بازپس‌گیری دیون امکانپذیر است. در نتیجه، کارآفرینانی که فرصت‌های بازرگانی امیدبخشی دارند، در صورتی که بانک نتواند اطلاعات کافی درباره ارزش دارایی و پیشینه اعتباری آنها کسب کند و در صورتی که سیستم قانونی از اعتباردهندگان حمایت نکند، قادر به دریافت وام نخواهند بود.

### نقش مؤسسات ثبت اطلاعات اعتباری و قوانین وثیقه و ورشکستگی

دو گروه از نهادهایی که موجب بسط دسترسی به اعتبار و بهبود تخصیص اعتبارات می‌شوند، عبارتند از:

۱. مؤسسات یا ادارات ثبت اطلاعات اعتباری.
  ۲. حقوق اعتباردهنده در مجموعه قوانین «معاملات وثیقه‌ای و ورشکستگی» هر کشور.
- این دو به همراه هم بهتر عمل می‌کنند. تشریح اطلاعات، اعتباردهندگان را قادر می‌کند که مشتریان خوب را از بد تمیز دهند و حقوق قانونی، حسن اجرای دعاوی را در هنگام خطاکاری افراد تضمین می‌نماید. گاهی اوقات، سازوکارهای تشریح اطلاعات، حمایت‌های قانونی ضعیف را جبران می‌کند. در کشورهای فقیر، مؤسسات عمومی ثبت اعتبار می‌توانند فقدان ادارات اعتباری خصوصی را جبران کنند.

در کشورهای صاحب بازار مالی پیشرفته، استفاده از مؤسسات اعتباری خصوصی خیلی بیشتر شایع است.

از زمان تکفیر رباخواران توسط کلیسای قرون وسطی تا حمایت از زارعان اجاره‌کار در ایالات متحده، قوانین همواره از وام‌گیرندگان در برابر وام‌دهندگان غیردوراندیش حمایت کرده است. اما حمایت مطلوب از قرض‌گیرندگان، اغلب به بیراهه رفته است. به طوری که یک وکیل مشهور ادعا می‌کند: «قانون به دلیل تعصبی که در حمایت از قرض‌کنندگان دارد، آنها را از قرض گرفتن محروم می‌کند».<sup>۱</sup> مؤسسات اعتباری باتجربه، حقوق مالکیت را طوری تعریف می‌کنند که هر دو طرف بدهکار و بستانکار منتفع شوند. قوانین مربوط به وثیقه و ناتوانی از بازپرداخت وام‌ها، حقوق بستانکاران را طوری تعریف می‌کنند که آنها بتوانند وام‌هایشان را بازپس گیرند. علاوه بر این، قوانین مربوط به وثیقه با بسط قانون مالکیت، بدهکاران را قادر می‌سازد از ثروت خود به‌منظور





تأمین مالی استفاده کنند. مؤسسات تشریک آمار و اطلاعات، بدهکاران را قادر به استفاده از وثیقه‌های حسن شهرت می‌کند.

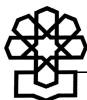
کشورهای مختلف، روش‌های متفاوتی را برای بسط دسترسی به اعتبار به‌کار می‌گیرند. با اینکه بعضاً در کشورهای فقیر، مؤسسات اعتباری و حقوق اعتباری معتبر وجود دارد، ولی ضمانت اجرای قوانین، ضعیف‌تر از کشورهای پیشرفته است. در کشورهای صاحب بازار مالی پیشرفته، استفاده از مؤسسات اعتباری خصوصی خیلی بیشتر شایع است. کشورهای دارای نظام حقوق عرفی در قوانین خود، بیشتر بر حمایت از بستانکار تأکید می‌کنند. درحالی که کشورهای دارای نظام حقوق مدون - به‌ویژه در نظام فرانسوی - از ادارات عمومی ثبت اعتبار، بیشتر استفاده می‌کنند.

یکی از اقداماتی که دولت‌ها برای مطمئن ساختن بستانکاران از دریافت مطالباتشان می‌توانند انجام دهند، برطرف نمودن موانع حقوقی تبادل اطلاعات اعتباری، تأیید شفاف ادارات اعتباری از طرف بانک مرکزی و طراحی مناسب قوانین حریم خصوصی است تا مشارکت و بهره‌گیری صحیح از اطلاعات اعتباری معتبر ارتقا یابد. در بعضی موارد - به‌خصوص در کشورهای فقیر که مشوق‌های تجاری آنها در حمایت از مؤسسات خصوصی، اندک است - استقرار مؤسسات عمومی ثبت اعتبار، فقدان یکپارچه‌سازی اطلاعات در بخش خصوصی را تا حدودی پوشش داده و یا از طریق نظارت بانکی موجب تکمیل مؤسسات خصوصی می‌شود.

اصلاح قانون وثیقه‌ها نیز یکی دیگر از الزامات حمایت از اعتباردهندگان است. ایجاد رویه‌های اجرای سریع دادرسی، حذف موانعی که بر سر راه استفاده از دارایی‌ها به‌عنوان وثیقه و ام‌ها وجود دارد و شفاف‌سازی حق حبس مال توسط بستانکار از طریق دستگاه‌های ثبت وثیقه و وضع قوانین جدید درباره اولویت افراد بستانکار برای کسب حمایت‌های قانونی و در کنار همه اینها وجود دادگاه‌های کارآمد که برای حمایت‌های قانونی ضروری بوده و گاهی اوقات اجتناب‌ناپذیر است.

### تسهیل تأمین مالی کسب‌وکارهای پرمخاطره

البته درخصوص تأمین مالی کسب‌وکارهای پرمخاطره، نمی‌توان وفور سرمایه‌گذاران خصوصی و نهادهای تأمین مالی خصوصی در قالب سرمایه‌گذاران مخاطره‌پذیر را در کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی نادیده گرفت. لکن در کشورهای درحال توسعه‌ای که بیش از ۹۰ درصد بدنه تأمین مالی، دولتی است، علاوه بر فراهم آوردن شرایط فوق در حمایت از اعتباردهندگان، دولت‌ها باید آغازگر مخاطره‌پذیری و تأمین مالی کسب‌وکارهای پرمخاطره نیز باشند.

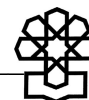


در کشورهای موفق در حوزه سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر، دولت‌ها نقش برجسته‌ای در تولد و رشد سرمایه‌گذاری‌های پرمخاطره ایفا می‌کنند.

تجربه کشورهای موفق در حوزه سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر نشان می‌دهد در آن‌دسته از کشورهایی که فرآیند سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر برای اولین بار است مطرح می‌گردد، دولت نقش مهمی را ایفا می‌کند. بدین صورت که دولت خود ابتدا با ایجاد ساختارهای سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر در بدنه دولتی خود، این فرآیند را شکل می‌دهد و فرهنگ تأمین مالی مخاطره‌پذیر را در کشور ایجاد می‌کند. با چنین کاری، در واقع دولت با قبول مخاطرات تأمین مالی پرمخاطره و ایجاد سبدهایی از شرکت‌های سودده و زیان‌ده، در حوزه سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر به دیگران اهمیت اقتصادی این سازوکار را نشان می‌دهد. لکن پس از آنکه نهادهای مالی پرمخاطره دولتی شکل گرفت، این فرآیند حتماً باید به سمت مدیریت خصوصی حرکت کند، زیرا در غیر این‌صورت، ساختار تأمین مالی پرمخاطره، بهینه نخواهد شد.

## منابع و مأخذ

۱. اسدی، منصور. بانک‌های خصوصی و توسعه نظام تأمین مالی در ایران، دنیای اقتصاد، ۲۴ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۸.
۲. رحیمیان، نظام‌الدین. تأملی در شیوه‌های تأمین منابع مالی در واحدهای اقتصادی، حسابدار، شماره ۱۴۶، اسفندماه ۱۳۸۰.
۳. صمیمی‌فر، سیدقاسم، حمید گل‌محمدی. درآمدی بر بحث تأمین مالی تعاونی‌ها از طریق بورس سهام، تعاون، شماره ۱۷۱ (پیاپی ۲۶۰)، آذرماه ۱۳۸۴.
۴. عیوضلو، حسین. تغییرات جهانی و اثر آن بر استراتژی بانک‌ها، پانل تخصصی دومین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران، اسفندماه ۱۳۸۸.
۵. مادورا، جف. بازارها و نهادهای ملی، ترجمه و تألیف دکتر ابراهیم عباسی و علی آدوسی، شرکت بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۸۸.
۶. سهولت کسب‌وکار در ایران، گزارش بانک جهانی در مورد فضای کسب‌وکار ایران در سال ۲۰۱۰، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۷. میدری، احمد، اصلاان قودجانی. سنجش و بهبود محیط کسب‌وکار، جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.



## تجربه ترکیه در تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط<sup>۱</sup>

### دولت ترکیه چگونه بر مشکلات تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط غلبه کرد؟<sup>۲</sup>

#### مقدمه

بنگاه‌های کوچک و متوسط در ترکیه علیرغم شرایط نامساعد تجاری، در سال‌های اخیر تکامل یافته‌اند. این شرایط نامساعد تجاری، نوسان شدید در تولید ناخالص داخلی این کشور، دو دوره رکود - تورم بالا، بی‌ثباتی نرخ ارز و سیاست‌های انقباض پولی را شامل می‌شد. نوسان شدید در تولید ناخالص داخلی در طول دهه‌سال (۱۹۹۳-۲۰۰۳) بین ۸/۴ درصد در سال ۱۹۹۳ و ۷/۵- درصد در سال ۲۰۰۱، متغیر بود که به‌طور متوسط رشد ۰/۵ درصد سالیانه را برای ترکیه نشان می‌دهند. اگرچه این نرخ رشد متناسب با نرخ رشد در نظر گرفته شده توسط اتحادیه اروپا بود، ولی با توجه به توان بالقوه ترکیه و نیاز فزاینده جمعیت رو به رشد، بسیار کم به نظر می‌رسید. متوسط نرخ تورم سالیانه که به‌وسیله نرخ تعدیل‌کننده ضمنی تولید ناخالص داخلی محاسبه شده است، نرخ تورمی بیش از ۵۰ درصد در هر سال را نشان می‌دهد که این رقم در سال ۱۹۹۴ به بالاترین حد خود یعنی بیش از ۱۰۰ درصد رسید. نرخ ارز مؤثر لیره ترکیه در طی سال‌های (۱۹۹۳-۲۰۰۲) سالیانه به میزان ۶۵ درصد تنزل پیدا کرد. نوسان شدید در تورم و تقاضای داخلی و نرخ‌های بهره بسیار بالا که حتی قرض‌های دولت را هم شامل می‌شد، اثر معکوس شدیدی بر توان رقابتی بنگاه‌های کوچک و متوسط داشت. البته بنگاه‌های بزرگ به‌علت در اختیار داشتن زیرساخت سرمایه‌ای قوی‌تر، تأمین مالی خارجی با نرخ‌های بهره به مراتب مناسب‌تر و یافتن بازار برای صادرات، بهتر توانستند با آثار منفی این نوسانات مقابله کنند.

از اوایل دهه ۱۹۸۰، سیاست‌های ساختاری مناسب و اصلاحات تعدیل‌کننده آثار مهمی را بر چارچوبی که بنگاه‌های کوچک و متوسط در آن فعالیت می‌کنند داشته است. تکرار و حجم بحران‌های اقتصادی داخلی و فشار وارده در عرصه جهانی، بالاخص مطرح کردن شروطی از طرف بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و علاوه بر آنها شرایطی که به سبب کاندیداتوری ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا مطرح بود، چنین اصلاحاتی را به‌عنوان امری ضروری مطرح می‌کرد. هدف اصلی این سیاست‌ها تغییر سیاست جایگزینی واردات با تولیدات ملی، در جهت سیاست اقتصاد باز و رقابتی بود. اجرای برنامه‌های اصلاحات - برنامه‌هایی مانند کم کردن

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از: (Small and Medium - Sized Enterprises in Turkey (OECD) که آقای سیدمحمدرضا

حسینی، کارشناس گروه مطالعات فضای کسب‌وکار مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی آن را انجام داده است.

۲. همان.



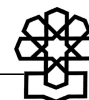
یارانه‌ها و کم کردن کنترل بر قیمت مؤسسات عمومی - دارای تأثیر غیرمستقیم روی بنگاه‌های کوچک و متوسط بود و این درحالی بود که آزادسازی نرخ ارز و تجارت خارجی تأثیر مستقیم بر بنگاه‌های کوچک و متوسط داشتند.

بعد از اولین مرحله آزادسازی در دهه ۱۹۸۰، ایجاد اتحادیه گمرکی توسط اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۶ و قبول تعرفه وضع شده توسط اتحادیه اروپا برای محصولات صنعتی، گام‌های مهم دیگری بودند که منجر به کاهش فوق‌العاده در تعرفه‌های گمرکی شد و شرایط اقتصادی را که بنگاه‌های کوچک و متوسط در آن به فعالیت می‌پرداختند، به سمت بازار رقابتی اصلاح کرد. به همین جهت، سهم تجارت خارجی به شدت افزایش پیدا کرد، به طوری که هم‌اکنون جمع صادرات و واردات به ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی رسیده است و این امر با افزایش قابل توجه در سهم تولیدات صنعتی همراه است.

### مشکلات تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط

مشکلات سیستم مالی ترکیه در عملکرد ضعیف اقتصاد این کشور در سال‌های اخیر نقش داشته است، این امر در بحران‌های بانکی و نرخ ارز در سال ۱۹۹۴ و ۲۰۰۱-۲۰۰۲ و شکست برنامه تثبیت نرخ ارز در سال ۱۹۹۹ خود را بیشتر نشان می‌دهد. از زمان آزادسازی جریان سرمایه در سال ۱۹۸۹ و به علت عدم تسلط دولت برای تحت کنترل نگاه داشتن بودجه، بانک‌های خصوصی به عنوان ابزارهایی برای تأمین مالی قرض‌های فزاینده بخش عمومی در نرخ‌های بهره واقعی بالا به شمار می‌آمده‌اند. به علت تأمین مالی قرض‌های بخش عمومی و علاوه بر آن عدم وجود ذخیره‌های سرمایه خارجی، اعتبار قابل پرداخت به بخش‌های تولیدی کاهش پیدا کرد.

بحران‌های مالی و بانکی اواخر سال ۲۰۰۰ و اوایل سال ۲۰۰۱، آثار معکوس مستقیم و غیرمستقیمی بر بنگاه‌های کوچک و متوسط داشت. این بحران‌ها موجب بروز مشکلات مالی برای بانک‌های کوچک و متوسط شد که سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت خود را به وسیله قروض کوتاه‌مدت تأمین مالی کرده بودند، به این امید که نرخ‌های بهره کاهش پیدا خواهد کرد. افزایش کسری حساب‌های جاری و تأخیر در برنامه‌های خصوصی‌سازی موجب افزایش در نرخ‌های بهره شد و این عامل بانک‌ها را مجبور کرد دیون دولتی را بفروشند که این امر یک بحران اعتماد در میان سیستم بانکی و سرمایه‌گذاران خارجی ایجاد کرد. این تحولات باعث کمبود نقدینگی، افزایش شدید در نرخ‌های بهره و کاهش در اعطای وام به اقتصاد شد. میزان اعطای اعتبار به بخش خصوصی بین اوایل سال ۲۰۰۱ و اواسط ۲۰۰۲، تقریباً ۱۵ درصد کاهش پیدا کرد.



از فعالیت‌های دیگری که موجب زیان بنگاه‌های کوچک و متوسط شد، تمایل بانک‌های بزرگ‌تر برای اولویت‌بخشی به بنگاه‌های بزرگ در اعطای وام بود و با این کار این بانک‌ها توانستند سهام‌داران بیشتری را جذب کنند و این درحالی بود که بانک‌های کوچک و متوسط تنها با شبکه‌ای ثابت از مشتریان خود رابطه داشتند.

دولت به‌عنوان یک درمان جزئی برای کمک به واحدهای تجاری کوچک که شامل بخش‌های کشاورزی، ساخت‌وساز و بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌شد، از طریق بانک‌های دولتی<sup>۱</sup> و با پرداخت وام‌های یارانه‌ای بدون نیاز به ضمانت، وارد عمل شد. این انتقالات شبه‌بودجه‌ای موجب زیان سنگین برای بانک‌های دولتی شد و لذا مشکلات بخش مالی را زیادتر کرد.

### اصلاح ساختارهای مالی و تأثیر آن بر بنگاه‌های کوچک و متوسط

بخش مالی ترکیه، با تصویب قانون جدید بانکی در سال ۱۹۹۹ در راه اصلاحات اساسی در سیستم مالی گام نهاد. مهمترین هدف این بود که رژیم هدایت و نظارت بر بانک‌های ترکیه با استانداردهای بین‌المللی، هماهنگ شود. این قانون، بخش تصمیم‌گیر جدیدی در سیستم بانکی به نام بنگاه هدایت و نظارت بر سیستم بانکی<sup>۲</sup> را به وجود آورد، که وظیفه سرپرستی سیستم بانکی را که قبلاً برعهده بانک مرکزی و خزانه‌داری بود، عهده‌دار شد. از اهداف این قانون و بخش‌های اجرایی مصوبه و اصلاحاتی که فوراً به مرحله اجرا در آمد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- افزایش قدرت شواری بانکداری<sup>۳</sup> در اعطای مجوز به بانک‌ها و نظارت بر تصمیمات اخذ شده توسط بانک‌های ورشکسته.

- تقویت سیستم احتیاطی، بالاخص با در نظر گرفتن مقرراتی برای هزینه‌های مربوط به وام و همچنین تثبیت نسبت‌های گوناگون بانکی بر پایه عملکرد آنها.

- افزایش تعهدات شخصی سهام‌داران و کارکنان بانک در مواقع سوءمدیریت و سوءاستفاده از دارایی‌های بانک.

- هماهنگ کردن ضمانت‌های سپرده با استانداردهای اروپایی.

- تکلیف بانک به ایجاد کنترل داخلی و سیستم مدیریت ریسک.

به‌علت بحران مالی سال ۲۰۰۱، احیای اعتبار بخش بانکی با سرعت پیگیری شد. برنامه

بازسازی مجدد بخش بانکی از می ۲۰۰۱ آغاز شد و هدف‌های زیر را پیگیری می‌کرد:

1. Halk Bank for SMES  
2. Banking Regulation and Supervisory Agency  
3. Banking Council



- بازسازی، سازماندهی مجدد و خصوصی سازی بانکهای دولتی.

- تأثیر سریع بر بازسازی بانکهایی که به وسیله صندوقهای پس انداز بیمه<sup>۱</sup> مدیریت می شوند.

- تقویت بخش بانکداری خصوصی.

برای رسیدن به این اهداف، قانون جدید بانکداری در پایان می ۲۰۰۱ به اجرا درآمد. همزمان قانون جدید بانک مرکزی هم تصویب شد که به موجب آن بانک مرکزی به عنوان مهمترین نهاد برای تثبیت قیمت ها تعیین شده بود و در عین حال استقلال بانک مرکزی هم حفظ می شد.

اساساً، اصلاحات بانکی و سیستم مالی نتایج معکوسی روی بنگاههای کوچک و متوسط داشت. به دنبال اقدام خزانهداری در زمینه تأمین مالی زیانهای وامهای یارانه ای که به تجار، صنعتگران و تازه واردان کسب و کار به وسیله بانکهای خاصی (مثل بانک زیرات و بانک هالک) اعطا شده بود، - این نوع وامها به سود بنگاههای کوچک و متوسط بود - بانکها اقدام به بالا بردن یکسویه نرخ بهره کردند. این افزایش در نرخ بهره وامهای پرداختی قبل از این قانون را هم در برمی گرفت. در نتیجه این تحولات، مقدار و تقاضای اعتبار پرداختی شدیداً کاهش یافت.

در سال ۲۰۰۲ و در راستای اصلاحات اقتصادی، بانکها شروع به معرفی برنامه ای خاص به منظور اعطای وام به بنگاههای کوچک و متوسط با شرایط به مراتب مطلوب تری نمودند. کاهش تقاضای اعتبار از طرف بخش عمومی، بانکها را تحریک کرد که به منظور کسب سود بیشتر به دنبال دادن وام به بخش خصوصی باشند که این امر مسلماً بنگاههای کوچک و متوسط را متنفع می کرد. رقابت بین نهادهای اعطاکننده اعتبار از آن جهت مهم بود که باعث کاهش در نرخ بهره می شد.

برنامه داوطلبانه اصلاح اعطای وامهای تجاری در می ۲۰۰۲ به وسیله مجمع بانکهای ترکیه<sup>۲</sup> و رهبران گروههای صنعتی انجام گرفت. این برنامه که به «رویه استانبول» معروف شد، ۳۰۴ بخش تجاری را مورد توجه قرار می داد که ۹۶ بخش از آنها را بنگاههای متوسط تشکیل می دادند (با حدود ۱۰۰ الی ۲۵۰ کارگر).

علیرغم این تغییر ساختار، بخش مالی نتوانست همه نیازهای بنگاههای کوچک و متوسط را تأمین کند. در عین حال که بانکها راههای جدیدی را به منظور اعطای تسهیلات معرفی کردند، اما هنوز این احساس در بنگاهها وجود داشت که برای دریافت وام مشکلاتی وجود دارد. این مشکلات باعث شد که اگرچه دسترسی بنگاهداران به منابع مالی بانکی ساده تر از گذشته شود، اما این افراد برای تأمین نیازهای مالی خود همچنان به بازارهای غیررسمی اعطای اعتبار وابسته باشند.



## حمایت‌های مالی دولت از بنگاه‌های کوچک و متوسط

حمایت مالی دولت از بنگاه‌های کوچک و متوسط بر پایه این فرض شکل می‌گیرد که بازار سرمایه نمی‌تواند نیازهای مالی بنگاه‌های کوچک‌تر را بدون دخالت دولت، پاسخ دهد. ناتوانی در فراهم کردن شرایط مناسب جهت دسترسی بنگاه‌های کوچک‌تر به اعتبارات مالی، عمدتاً به دلیل اعمال سیاست‌های مالی افزایش حجم پول و تورم، بوده است. در این شرایط، بانک‌ها ترجیح می‌دهند که به دولت وام پرداخت کنند، زیرا دولت بابت این سرمایه‌گذاری نرخ‌های بازگشت واقعی بالاتری را پرداخت می‌کند. سرمایه‌های قابل وام دادن بعد از سرمایه‌گذاری در قروض دولتی، عمدتاً به سمت فعالیت‌های تجاری بزرگ‌تر می‌رود. منابع رسمی ترکیه تخمین می‌زنند که کمتر از ۵ درصد سرمایه‌های قابل وام دادن برای بنگاه‌های صنعتی کوچک و متوسط مهیاست. به‌منظور افزایش میزان اعتبار قابل پرداخت به بنگاه‌های کوچک و متوسط، خزانه‌داری سرمایه‌هایی را در اختیار چندین بانک قرار داده است (عمدتاً Halk Bank و بانک توسعه صنعتی، اما بانک‌های دیگری هم اخیراً به این جمع اضافه شده‌اند). شرایط پرداخت وام با توافق بانک‌ها معین می‌شود، اما بانک‌ها بازپرداخت این نوع وام‌ها را تضمین کرده و مسئولیت عدم پرداخت آن را به‌عهده می‌گیرند. بحران مالی در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ موجب افزایش در عدم بازپرداخت وام‌ها شد (۱۲ درصد وام‌ها در سال ۲۰۰۲ بازپرداخت نشد درحالی که نرخ متوسط عدم بازپرداخت وام‌ها ۵ درصد است) برای ادامه این عملیات بانک‌ها، دولت باید اعتبارات مورد نیاز بانک‌ها برای اعطای تسهیلات را فراهم می‌کرد. Halk Bank مجبور شده است هزینه‌هایش را کاهش داده و برای خصوصی‌سازی مهیا شود (شعبه‌های بانک از ۸۰۰ شعبه به ۵۵۰ شعبه درحال کاهش است). KOSGEB<sup>۱</sup> تفاهمنامه‌هایی با دو بانک دولتی امضا کرد که به موجب آن و به‌منظور حل مشکلات مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط در کوتاه‌مدت، وام‌هایی به بنگاه‌های کوچک و متوسط تعلق گیرد. اعطای این وام‌ها با موافقت بانک صورت می‌گیرد، ولی کاربرد آن توسط بنگاه‌های کوچک و متوسط باید به تأیید KOSGEB برسد. براساس این پروتکل‌ها، ۱۶۵۰ مؤسسه ۷۰ میلیون یورو وام دریافت کردند که سهم اندکی از کل وام‌های پرداختی بانک‌ها را تشکیل می‌داد.

دولت همچنین حمایت‌های خود را از طریق پرداخت مستقیم وام‌های یارانه‌ای، به‌وسیله IGEM<sup>۲</sup> و TEKMER<sup>۳</sup> که به‌وسیله KOSGEB مدیریت می‌شدند، انجام می‌داد. این یارانه‌ها عمدتاً جهت سرمایه‌گذاری در تجهیزات و تکنولوژی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. تا هنگامی که این وام‌های یارانه‌ای بازپرداخت شوند، هزینه بودجه‌ای آنها محدود به پرداخت بهره‌های تأمین مالی

۱. سازمان توسعه در صنایع کوچک و متوسط.

۲. بخش توسعه بنگاه‌های KOSGEB

۳. بخش توسعه فناوری KOSGEB



آنها تا روز بازپرداخت وام بود.

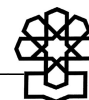
دولت وام‌های گسترده‌ای را به منظور تأسیس شهرک‌های صنعتی کوچک (SSIE) یا مناطق صنعتی سازمان‌یافته، اختصاص داد. حدود دوسوم از شهرک‌های صنعتی به وسیله بخش خصوصی ساخته شد، اما علیرغم بالاتر بودن ساخت‌وسازها از ظرفیت موجود، دولت به دادن وام برای ساختن شهرک‌های بیشتر ادامه داد. ساختن شهرک‌های صنعتی بزرگ به زمان و پول نیاز دارد. حمایت دولت در این بخش ممکن است به این خاطر بوده باشد که تأخیر در این حوزه مانعی در راه توسعه سریع نباشد.

از دیگر حمایت‌های دولت از بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌توان به معافیت‌های مالیاتی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط در سرمایه‌گذاری در تجهیزات و ماشین‌آلات، اشاره کرد. این امر در راستای تحریک سرمایه‌گذاری و توسط وزارت خزانه‌داری انجام می‌گیرد. این نوع معافیت‌ها به صورت اتوماتیک و در نرخ ۴۰ درصد به همه سرمایه‌گذارانی که سرمایه‌های ثابت را به منظور به‌کارگیری در امر تولید خریداری و یا تولید می‌کنند، پرداخت می‌شود. البته باید ارزش سرمایه‌گذاری بیش از ۵ میلیارد لیره ترکیه باشد و در این مورد کاهش ارزش پول هم در نظر گرفته می‌شود. بنگاه‌های کوچک و متوسطی که تحت نظام حمایتی دولت قرار می‌گیرند، همچنین می‌توانند از معافیت در حقوق گمرکی در مورد کالاهای معین و همچنین از معافیت در پرداخت مالیات بر ارزش‌افزوده در سرمایه‌گذاری و تجهیزات استفاده کنند. به علت کاهش درآمدهای دولت که به موجب اعطای این معافیت‌ها به وجود می‌آید، دولت با مشکلاتی در تعادل نگهداشتن هزینه‌ها و دریافت‌های مالیاتی می‌شود. فعالیت‌های تجاری بزرگ‌تر هم برای استفاده از این معافیت‌ها واجد شرایط هستند، لذا بخش SME حمایت کامل را که نتیجه مورد نظر برنامه است، دریافت نمی‌کند.

### عوامل استراتژیک در حمایت مالی دولت برای بنگاه‌های کوچک و متوسط

دولت در رابطه با تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط، با تصمیمات استراتژیک مهمی روبرو می‌شود. اکثر سیاست‌های تأمین مالی در موارد شکست بازار و یا به علت اختلالی که در سیاست‌های پولی و مالی دولت حاصل می‌شود، انجام می‌گیرد. در راستای تلاش‌ها جهت کنترل هزینه‌های دولت و کاهش نرخ تورم، دولت مجبور خواهد بود که برنامه‌های تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط را محدود کند تا به هدف تعادل در بودجه دست یابد. این امر ممکن است مشکلاتی را برای بعضی از بنگاه‌های کوچک و متوسط در زمینه تعادل در ترانزنامه پیش آورد، اما در همین زمان بخش بانکی باید به عنوان عرضه‌کننده اصلی اعتبارات مالی به بنگاه‌های کوچک و





متوسط وارد عمل شود. علاوه بر این، چشم‌انداز رشد بهتر که از سیاست‌های باثبات اقتصادی ناشی می‌شود می‌تواند وضعیت عملیات تجاری را در بنگاه‌های کوچک و متوسط بهبود بخشد. دولت همچنین باید برنامه‌های عملیاتی را به‌منظور تکمیل تغییرات ساختاری که در سال‌های اخیر در بخش بانکی انجام گرفته، اجرا کند. بانک‌ها هم‌اکنون تحت نظارت دقیق قرار دارند و نرخ‌های ذخیره قانونی و دیگر نسبت‌ها در مورد آنها بسیار سخت اجرا می‌شود. هرچند که بسیاری از بانک‌ها از تجربیات کمی در زمینه کسب‌وکار در مقیاس کوچک برخوردارند و با مشکلات تضمین وام‌های پرداختی به بخش‌های کوچک، ناآشنا هستند. دولت می‌تواند از طریق آموزش کارمندان مسئول پرداخت اعتبار به بنگاه‌های کوچک و متوسط و همچنین آموزش مالکان بنگاه‌های کوچک و متوسط، بازار پرداخت اعتبار به بنگاه‌های کوچک و متوسط را بهبود بخشد. صاحبان فعالیت‌های تجاری باید یاد بگیرند که چگونه یک برنامه مالی خوب تهیه کنند و چگونه درخواست وام را برای ارائه به یک یا چند بانک، ارائه کنند. بانکدارها هم باید درخواست‌های وام بنگاه‌های کوچک و متوسط را تجزیه و تحلیل کنند و در این تجزیه و تحلیل تفاوت بین بنگاه‌های کوچک و بزرگ صنعتی را در نظر بگیرند. بنگاه‌های کوچک عموماً توان مالی رقبای بزرگ‌تر خود را ندارند و بنابراین عمدتاً متکی به قدرت مدیریت صاحب بنگاه خواهند بود. بانک می‌تواند این تفاوت‌ها را فراگرفته و لذا برای مواجهه با آن آماده شود.

نمونه‌های خوب در مورد توانایی‌های خاص و دانشی که برای اعطای وام بانک‌ها به بنگاه‌های کوچک و متوسط نیاز است، در آمریکای شمالی و اروپا فراوان است. پیشنهاد می‌شود که KOSGEB به مطالعه مدل‌های اعطای اعتبار به بنگاه‌های کوچک و متوسط که موفق بوده‌اند حق تقدم داده و از آنها به‌عنوان پایه‌ای در طراحی و اجرای عملیات آموزشی برای حمایت از بانک‌ها و بنگاه‌های کوچک و متوسط بهره بگیرد.

دولت می‌تواند توسعه برنامه تضمین وام‌ها را که براساس مدلی است که از طرف بانک جهانی و برنامه توسعه آلمان حمایت می‌شود را در نظر بگیرد. این برنامه تضمین کارآ به‌نظر می‌رسد، زیرا صندوق ضمانت اعتبار، موافقت برای اعطای اعتبار از طرف بانک‌ها را منوط به سعی و کوشش می‌کند. بانک‌ها سریعاً استانداردهای لازم برای اطمینان از تضمین‌های آتی را فرا می‌گیرند. این شیوه کمک خواهد کرد که کارکنان بانک به‌منظور اعطای وام به کاربردهای دارای فعالیت بهتر، آموزش ببینند. با بررسی دقیق‌تر، وام‌های بهتری پرداخت خواهد شد و لذا خطرات پیش روی سرمایه‌های تضمین شده کاهش خواهد یافت. همچنین می‌توان هزینه‌های اندکی را برای بنگاه‌هایی که تضمین‌ها را دریافت می‌کنند در نظر گرفت. این هزینه‌های می‌تواند برای کنترل صندوق ضمانت و جلوگیری از تهی شدن آن کافی باشد.



## آسیب‌شناسی و راه‌حل‌های بهبود فضای کسب و کار ایران

### مصاحبه با اقتصاددانی که به تولید مشغول است

#### معرفی مصاحبه‌شونده

فرخ قبادی متولد ۱۳۲۵، دکترای تخصصی اقتصاد از دانشگاه ایالتی آیوا آمریکا و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی به مدت ۷ سال. وی در سال ۱۳۶۹ به گرگان رفت و به کشاورزی و باغداری مشغول شد و در همان حال دو واحد صنعتی (در صنایع تبدیلی کشاورزی و صنعت بسته‌بندی) احداث کرد. ایشان به‌عنوان کارآفرین نمونه استان گلستان و واحدهای فوق‌الذکر به‌عنوان واحدهای نمونه صنعتی استان برگزیده شده‌اند. در سال ۱۳۸۰ واحد صنایع تبدیلی ایشان از طرف وزارت جهاد کشاورزی به‌عنوان واحد نمونه کشوری در رشته صنایع غذایی انتخاب شد. ایشان در عین حال به تالیف، ترجمه و نگارش مقالات در حوزه اقتصاد ادامه داده و گاه تدریس هم می‌کند.



18167 Hooman

#### سؤال ۱: وضعیت فضای کسب‌وکار در سال گذشته و سال پیش رو را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

فرخ قبادی: این سؤال می‌تواند دو گونه تعبیر شود. اگر منظور، اوضاع کسب‌وکار به مفهوم متعارف آن است، باید گفت که کسب‌وکار در سال گذشته نسبتاً کساد بود و در سال جاری این کساد تشدید هم شده است. به‌طور مشخص‌تر، در سال جاری نه تنها بازارها کسادتر شده، بلکه وصول مطالبات از خریداران (که معمولاً خود نیز به تولید اشتغال دارند) به چالشی جدی تبدیل گشته است، گویی که کسی نقدینگی کشور را پنهان کرده و دستکم از حوزه تولید خارج ساخته است.

اما اگر پرسش مربوط به «فضای کسب‌وکار»، به معنای کاربردی آن در تحلیل‌های اقتصادی است (همان شاخصی که بانک جهانی آن را همه‌ساله برای کشورهای مختلف محاسبه و منتشر می‌کند)، باید دانست که این مقوله، ۱۰ حوزه در زمینه‌های مختلف فعالیت‌های اقتصادی را ارزیابی می‌کند که در مجموع «فضای کسب‌وکار» یک کشور را تشکیل می‌دهند (مثلاً سهولت تشکیل شرکت و دریافت مجوزهای مختلف برای آغاز کار، دریافت تسهیلات بانکی، وضعیت مالیات‌ها، نافذ بودن قراردادهای حمایت از سرمایه‌گذاران، تسهیل توقف فعالیت شرکت‌ها (قوانین ورشکستگی) و غیره). در این مفهوم، فضای کسب‌وکار معمولاً در کوتاه‌مدت تغییرات چشمگیری نمی‌کند و بهبود معنای دار آن نیازمند یک سلسله تدابیر هماهنگ و مجدانه (از جمله تدوین قوانین و مقررات ناظر به مقصود، توسط مجلس) است که در طول زمان تأثیر خود را نمایان می‌کنند.



*امسال تولیدکنندگان به شدت نگران آثار و پیامدهای هدفمند شدن یارانه‌ها هستند که از جزئیات آن اطلاع ندارند و به همین دلیل تصمیم‌گیری‌های اساسی را تا حد مقدور به تعویق می‌افکنند.*

به نظر من «فضای کسب‌وکار»، هم در سال گذشته و هم در سال جاری فضایی نامساعد (به‌ویژه برای فعالیتهای تولیدی) بوده است. با این تفاوت که در سال جاری تولیدکنندگان به شدت نگران آثار و پیامدهای هدفمند شدن یارانه‌ها هستند که از جزئیات آن اطلاع ندارند و به همین دلیل تصمیم‌گیری‌های اساسی را تا حد مقدور به تعویق می‌افکنند. بدین ترتیب، پاسخ به سؤال فوق این است که در سال جاری «فضای کسب‌وکار» نامساعدتر شده است.

### سؤال ۲: از نظر شما مهمترین مشکل تولید و سرمایه‌گذاری در ایران چیست؟

فرخ قبادی: تولید فعالیتی پرچالش است که از اولین قدم، تولیدکننده را با انواع مشکلات درگیر می‌کند و پس از راه‌اندازی پروژه نیز هر روز با مشکلات تازه‌ای مواجه می‌سازد که در فعالیتهای دیگر (نظیر واردات، واسطه‌گری، ملک‌بازی و نظایر آن) وجود ندارد یا شدت آن بسیار کمتر است. چکیده این مشکلات در همان فضای نامساعد کسب‌وکار که پیش‌تر بدان اشاره شد، در عرصه تولید تبلور می‌یابد. این چالش‌ها و موانع متعدد، موجب افزایش هزینه‌های تولید می‌شود و در نهایت در نرخ سود پایین (یا زیان‌دهی) فعالیتهای تولیدی انعکاس می‌یابد. واقعیت این است که در میان گزینه‌هایی که سرمایه‌گذاران بالقوه پیش‌روی خود می‌بینند (سپرده‌گذاری در بانک‌ها یا خرید اوراق قرضه مطمئن، خرید و فروش‌های مقطعی، خرید و فروش زمین، واردات و ...) گزینه سرمایه‌گذاری در تولید از همه پرچالش‌تر و پردردسرت‌تر است و در عین حال (در کشور ما) از نرخ بازده کمتری برخوردار است. بنابراین پاسخ کوتاه به سؤال شما این است که مهمترین مشکل تولید و سرمایه‌گذاری در ایران، نرخ سود پایین و چالش‌های بیشمار در فعالیتهای تولیدی و در عین حال، وجود گزینه‌های جذاب‌تر برای استفاده از سرمایه است. در این شرایط، هم منطق اقتصادی و هم عقل سلیم حکم می‌کند که صاحبان سرمایه، از ورود به حوزه تولید اجتناب کنند و به گزینه‌های کم‌چالش‌تر و سودآورتر روی آورند.

### سؤال ۳: تلاش‌های دولت برای بهبود شرایط تولید و سرمایه‌گذاری چقدر مؤثر بوده است؟

فرخ قبادی: علیرغم نیت خیر، و نیز روان‌سازی در برخی زمینه‌ها (مثلاً در حوزه صادرات)، تلاش‌های دولت در زمینه بهبود شرایط تولید و سرمایه‌گذاری، نتایج ملموسی به بار نیاورده است.



البته فشار دولت بر بانکها برای اعطای تسهیلات به بخشهای تولیدی، تا اندازه‌ای از وخامت شرایط تولیدکنندگان کاسته است. این نکته نیاز به توضیح مختصری دارد: چنان‌که گفته شد، به‌علت چالش‌های فراوان و بازده نازل تولید در کشور ما، صاحبان سرمایه علاقه چندانی به فعالیت‌های تولیدی ندارند و به همین دلیل فقط در صورت برخورداری از تسهیلات بانکی به این عرصه قدم می‌گذارند. اگر قرار بود که سرمایه‌گذاران با سرمایه خود کاری را آغاز کنند و اگر (مانند کشورهای پیشرفته) قرار بود که بانکها به‌طور مستقل و بر مبنای سودآوری طرح‌های پیشنهادی، منابع خود را توزیع کنند (و سودآوری بانک هم برای مدیران بانک اهمیت تعیین‌کننده داشت)، به گمان من رقم سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی بسیار کمتر از میزان کنونی می‌بود. علت اصلی این معضل هم این است که (برخلاف گفته‌ها و سخنرانی‌ها و خواسته یا ناخواسته) قوانین و مقررات در کشور ما خصلتی تولیدستیز دارند و بیشتر تسهیل‌کننده و مشوق فعالیت‌های غیرتولیدی هستند.

از این منظر، فشار دولت به بانکها برای افزایش تسهیلات به فعالیت‌های تولیدی، قطعاً تأثیرگذار بوده است. اما در برطرف کردن موانع و چالش‌های فراروی تولید، در بهبود فضای کسب‌وکار، در محدود کردن واردات کالاهای ارزانقیمت خارجی و در اقداماتی که کاهش هزینه‌های تولید را در پی داشته باشد و خلاصه در اقداماتی که تولید را در نظر صاحبان سرمایه به فعالیتی جذاب و با بازده قابل قبول تبدیل کند، اقدامات دولت تأثیر چندانی نداشته است. البته انصافاً باید اضافه شود که مجلس‌های ما نیز در این قضیه بی‌تقصیر نبوده‌اند.

همه متولیان امر، شعار ارزشمند بودن تولید و ایجاد اشتغال مولد و حمایت از سرمایه‌گذار را می‌دهند، اما جهت‌گیری واقعی قوانین و مقررات، پیام متفاوتی را منتقل می‌کند.

سؤال ۴: باوجود شعارها و تلاش‌های سال‌های گذشته درباره حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری چرا هنوز برخی هموطنان در خارج از کشور سرمایه‌گذاری می‌کنند؟

فرخ قبادی: «شعار» کاربردی محدود دارد و «تلاش‌ها» هم فقط در صورتی که نتایج ملموس به‌بار آورند، در هدایت سرمایه‌گذاری به مسیر مطلوب، مؤثر واقع می‌شوند. چنان‌که گفته شد همه متولیان امر، شعار ارزشمند بودن تولید و ایجاد اشتغال مولد و حمایت از سرمایه‌گذار را می‌دهند، اما جهت‌گیری واقعی قوانین و مقررات، پیام متفاوتی را منتقل می‌کند. یک مسئله این است که شعارها را کسانی می‌دهند که در رأس امور قرار دارند، اما سرمایه‌گذار در جریان کار روزمره با بدنه



دیوان‌سالاری سروکار دارد. صرفنظر از قوانین و مقرراتی که ماهیتاً مشوق فعالیت‌های تولیدی نیستند (یا می‌توانند به‌گونه‌ای تعبیر و تفسیر شوند که برای تولید مانع‌تراشی کنند) و هزینه تولید را بالا می‌برند، بدنه سازمان‌هایی هم که تولیدکنندگان با آنها سروکار دارند، از بیمه و دارایی و بهداشت گرفته تا محیط زیست و...، «کارخانه‌دار» را به‌صورتی چندان دوستانه نمی‌نگرند. فرهنگ سرمایه‌ستیزی که در اوایل انقلاب فراگیر بود، گرچه با تلاش مسئولین و رسانه‌ها تا حدود زیادی تعدیل شده، اما باورهای فرهنگی جان‌سخت و دیرپا هستند و شعارهای چپ‌گرایانه هنوز جذابیت خود را در میان برخی اقشار، از دست نداده‌اند.

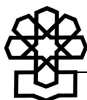
در کشورهای موفق در جلب سرمایه‌گذاری، جای شعارها را، قوانین و مقررات مشوق تولید گرفته‌اند. چه ثمری دارد که ما شعار حمایت از تولیدکنندگان را بدهیم و در عمل، هنگامی که درگیر کار شدند و به مانعی برخوردند، آنها را در میان زمین و آسمان رها کنیم. متأسفانه، و عمدتاً به‌علت سیاست‌های نادرست و مصلحت‌اندیشانه ما، اکنون کار به جایی رسیده است که بسیاری از تولیدکنندگان داخلی، تولید کالاهای خود را «برون‌سپاری» می‌کنند، زیرا تولید کالاهایشان در خارج، حتی پس از پرداخت هزینه‌های حمل‌ونقل و عوارض گمرکی، باز هم برای آنها ارزان‌تر تمام می‌شود و دردسری هم ندارد. در این شرایط آیا تعجبی دارد که چرا بعضی هموطنان ترجیح می‌دهند کار را یکسره نمایند و از ابتدا در خارج سرمایه‌گذاری کنند؟

در همین رابطه، لازم به تأکید است که سرمایه‌گذاران در کشور ما این احساس را دارند که «کسی به فکر آنها نیست». این احساس چندان هم نباید بی‌پایه تلقی شود. بد نیست بدانیم که در میان ۱۰ شاخص تشکیل‌دهنده «فضای کسب‌وکار»، کشور ما در زمینه «حمایت از سرمایه‌گذاران» (که یکی از آن شاخص‌های ۱۰گانه است)، در میان ۱۸۳ کشور که توسط بانک جهانی بررسی شده‌اند، رتبه ۱۶۵ را دارد، یعنی فقط ۱۸ کشور هستند که کمتر از ما از سرمایه‌گذاران خود حمایت می‌کنند. این شاخص ممکن است کاملاً دقیق نباشد، اما به هر حال بی‌معنا هم نیست.

**سؤال ۵: انتظار شما از مجلس برای بهبود فضای کسب‌وکار چیست؟ چگونه حمایت‌هایی توقع دارید؟**

**فرخ قبادی:** رسالت اصلی مجلس در این زمینه، تصویب قوانینی است که تحقق همان شعارهای پیش‌گفته (در مورد حمایت از تولید) را تسهیل کند و بر اجرای این قوانین نظارت نماید. به اختصار به چند مورد مهم اشاره می‌کنم:

مجلس می‌تواند مسئله خصوصی‌سازی واقعی را جدی‌تر بگیرد و قوانینی وضع کند که شفاف باشند و راه را بر تعبیر و تفسیرهای دلخواهی ببندند و بر اجرای آنها هم نظارت کند.



مجلس می‌تواند با تصویب قوانین مناسب، فضای کسب‌وکار در کشور را بهبود بخشد و تولید و سرمایه‌گذاری‌های تولیدی را جذاب سازد. از آن جمله شفاف‌سازی قانون مالیات‌ها و کاهش آن برای فعالیت‌های تولیدی، کاهش سهم کارفرما در هزینه بیمه‌های اجتماعی، کاهش تعطیلات کاری، محدود کردن تعداد و تسهیل دریافت مجوزهای گوناگون، مبارزه قاطع با قاچاق کالا، تسهیل روند خروج از تولید (قانون ورشکستگی)، نافذ ساختن قراردادهای بازرگانی و مجازات‌های سنگین برای تخلف از آن، اصلاح نرخ ارز با توجه به نسبت تورم داخلی و خارجی، افزایش منابع بانکی از طریق افزایش سرمایه بانک‌ها و وادار کردن دولت به پرداخت بدهی‌های خود و شرکت‌های دولتی به بانک‌ها.

جسارتاً و به لحاظ اهمیت کلیدی آن، اجازه می‌خواهم به یک مثال از کوتاهی مجلس‌ها - که به گمان من ریشه بسیاری از نابسامانی‌های تولید است - اشاره کنم. همه ما می‌دانیم که براساس آمار بانک مرکزی و طی ۱۰ سال اخیر، اقتصاد ما هر سال (به‌طور میانگین) ۱۶ درصد تورم داشته است. با چشم‌پوشی از برخی جزئیات، می‌توان گفت که هزینه‌های تولید در کشور ما نیز سالیانه و کم‌وبیش، به همین اندازه بالا رفته است. از سوی دیگر، طی ۱۰ سال گذشته، کشورهای صادرکننده به ایران به‌طور متوسط بین ۲ تا ۴ درصد تورم داشته‌اند و هزینه‌های تولیداتشان نیز، کم‌وبیش، به همین میزان افزایش یافته است. هرگاه تفاوت این دو نرخ تورم، از طریق اصلاح نرخ ارز (بالا رفتن ارزش دلار نسبت به ریال) جبران می‌شد، تولیدکنندگان ما امروز همان وضعی را نسبت به تولیدکنندگان خارجی داشتند، که ۱۰ سال پیش داشتند. اما با تداوم سیاست تثبیت نرخ ارز (که از زمان دولت هشتم به اجرا گذاشته شد) ما فقط اجازه داده‌ایم که نرخ دلار نسبت به ریال سالیانه فقط در حدود ۲ درصد افزایش یابد. یعنی در این دوره، سالیانه تنها ۲ درصد از تفاضل تورم داخلی و خارجی جبران شده است (این درحالی است که در قانون برنامه چهارم اشاره شده است که نرخ ارز می‌باید با توجه به تفاضل تورم داخلی و خارجی اصلاح شود، که متأسفانه نادیده گرفته شده است). نتیجه آن شده که تولید در داخل کشور هر سال در مقایسه با کشورهای دیگر گران‌تر تمام شود. این گرانی نسبی، موجب شده که تولیدکنندگان داخلی ما، سال به سال در موضع ضعیف‌تری نسبت به رقبای خارجی خود قرار گیرند و بیشتر به حاشیه رانده شوند. ضعف نسبی تولیدکنندگان ما در مقابل صادرکنندگان خارجی، به‌ویژه در مورد کشور چین (که پول خود را مصنوعاً ارزان نگه داشته) البته چشمگیرتر است، که نتایج آن را در بازارهایمان مشاهده می‌کنیم.

تردیدی نیست که بالا بودن هزینه تمام شده کالاهای داخلی ما علل دیگری هم دارد که باید مورد توجه قرار گیرند. اما عامل اصلی این مسئله، همان گران نگه داشتن ریال است. این سیاستی است که تولیدکنندگان ما را از رقابت با کالاهای خارجی ناتوان کرده و بازار ما را عرصه تاخت‌وتاز



کالاهای خارجی ساخته است. همان‌طور که ذکر شد، اکنون بسیاری از کارخانه‌داران سودجوی ما، بخشی از کارگران خود را اخراج کرده و قیافه ظاهری کارخانه خود را حفظ کرده‌اند، اما تولید بخش اعظم کالاهای خود را به خارج سفارش می‌دهند و سپس وارد کشور می‌کنند. ادامه این وضعیت به‌ویژه پس از هدفمند شدن یارانه‌ها که قطعاً هزینه تولیدات داخلی را بالاتر می‌برد تهدیدی جدی برای صنعت کشور ماست.

**با وجود نرخ تورم بالا در ایران و نرخ تورم ناچیز در شرکای تجاری ایران، دولت با ثابت نگه داشتن ارزش ریال، در حقیقت به تولیدکنندگان خارجی یارانه می‌دهد تا بازارهای ما را از دست تولیدکنندگان داخلی درآورند.**

دلیل اصلی «واردات بی‌رویه» که همه (البته غیراز واردکنندگان) از آن شکایت دارند، همین سیاست ارزی مصلحت‌اندیشانه است. با این سیاست ما در حقیقت به تولیدکنندگان خارجی یارانه می‌دهیم تا بازارهای ما را از دست تولیدکنندگان داخلی درآورند. اگر پرداخت یارانه سوخت، غیرمنطقی و زیان‌بار تشخیص داده شده (که تشخیص درستی هم است)، آیا پرداخت یارانه به تولیدکنندگان خارجی ده‌ها بار غیرمنطقی‌تر و زیان‌بارتر نیست؟ قطع این یارانه، مهمترین حمایتی است که مجلس می‌تواند از تولیدکنندگان داخلی به‌عمل آورد. راه این اقدام در درجه اول مهار تورم در داخل و کاهش آن تا حداکثر، متوسط نرخ تورم کشورهای شریک تجاری ماست و در درجه دوم، پایان دادن به بالا نگهداشتن مصنوعی ارزش ریال است. البته این اقدام مخالفان قدرتمندی هم دارد که واردکنندگان و تولیدکنندگانی که بخش بزرگی از کالاهایشان را به خارج سفارش می‌دهند، از آن جمله‌اند.

**سؤال ۶: ارتباط تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران ایرانی با نمایندگان مجلس چگونه برقرار می‌شود؟ چه پل ارتباطی میان تولیدکنندگان و خانه ملت وجود دارد؟**

فرخ قبادی: از آنجا که من اطلاع دارم، ارتباط منظم و نزدیکی میان تولیدکنندگان با مجلس وجود ندارد. در شهرستان‌ها، تولیدکنندگان در مواجهه با برخی مشکلات به نمایندگان شهر مراجعه می‌کنند و مسائل ویژه خود را مطرح می‌سازند. در موارد نادر، اتاق‌های بازرگانی یا خانه صنعت استان‌ها، از نمایندگان استان خود برای حضور در جلسات دعوت می‌کنند، اما این قبیل جلسات نه منظم است و نه نتایج خاصی دربردارد. در تهران نیز اتاق بازرگانی جلساتی با برخی از نمایندگان برگزار می‌کند که از ماهیت و نتایج آن اطلاع دقیقی ندارم.



در هر حال و در مجموع، از دیدگاه اینجانب، در حال حاضر ارتباط نزدیک و منظمی میان تولیدکنندگان با مجلس برقرار نیست، در حالی که وجود چنین ارتباطی می‌توانست بسیار مثر ثمر باشد. در کشورهای دیگر، گروه‌های تولیدکننده از طریق «لابی»‌های سازمان‌یافته، نظریات خود را به گوش نمایندگان می‌رسانند (که در بسیاری موارد ارتباط سالمی هم نیست)، اما در ایران، این روش (دستکم به‌طور رسمی) رواج ندارد. این عدم ارتباط منظم به راستی جای تأسف دارد. شاید یکی از دلایل آن، ضعف یا کوتاهی تشکل‌های تولیدی باشد و شاید هم مشغله زیاد نمایندگان محترم.

در مورد استان‌های مختلف اینجانب نظری دارم که می‌تواند مفید و مؤثر باشد. مثلاً کمیسیون صنایع مجلس می‌تواند هر ماه جلسه‌ای با نمایندگان تولیدکنندگان یک استان (که می‌توانند از طریق خانه‌های صنعت و اتاق‌های بازرگانی و صنایع و معادن آن استان انتخاب شوند) برگزار کنند و مطالب آنها را بی‌واسطه بشنوند. برگزاری چند جلسه از این نوع، اطلاعات ذی‌قیمتی در اختیار اعضای کمیسیون قرار خواهد داد.

*کمیسیون صنایع مجلس می‌تواند هر ماه با نمایندگان تولیدکنندگان استان‌ها جلسه برگزار کند و مطالب آنها را بی‌واسطه بشنود. این جلسات، اطلاعات ذی‌قیمتی در اختیار نمایندگان قرار خواهد داد.*

راه دیگر این است که هرگاه لایحه‌ای که به حوزه تولید مربوط می‌شود، در دستور کار مجلس قرار دارد، موضوع از قبل به اطلاع تشکل‌های تولیدی برسد و از علاقمندان و کسانی که نظریات کارشناسانه دارند، خواسته شود که این نظریات را برای مجلس ارسال نمایند. اما شاید بهترین روش همین کاری باشد که «مرکز پژوهش‌ها» در پیش گرفته است، که البته می‌تواند با تغییراتی اندک و تأثیرگذاری بیشتر، به‌کار گرفته شود. به‌جای طرح این سؤالات با یک تولیدکننده فعال یا کارشناسانی که در تولید هم فعالیت دارند، مرکز پژوهش‌ها می‌تواند این نظرخواهی را از تشکل‌های تولیدی جمع‌آوری کند. به احتمال زیاد برخی از پاسخ‌ها جنبه طرح مسائل شخصی یا گروهی را خواهند داشت، اما کارشناسان مرکز پژوهش‌ها می‌توانند مسائل را دسته‌بندی و پالایش کنند و چکیده نظریات را در اختیار نمایندگان محترم قرار دهند.

سؤال ۷: از تلاش‌های قوه مقننه برای حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری چقدر راضی هستید ؟  
فرخ قبادی: نمایندگان محترم در سخنرانی‌هایشان از تولیدکنندگان حمایت می‌کنند و برخی نارسایی‌ها





را مورد تأکید قرار می‌دهند و حتی به رسانه‌ها نیز منتقل می‌کنند، که البته قابل تقدیر است. اما در مجموع به نظر می‌رسد که یا نمایندگان از دامنه و عمق کساد و رکودی که بازارها را فرا گرفته و فاجعه‌ای که صنعت و تا حدودی نیز کشاورزی کشور را تهدید می‌کند، اطلاع کافی ندارند و یا در شرایط کنونی، برخورد قاطع و تدوین قوانین کارساز (و نظارت بر اجرای آنها را) در توان خود یا به مصلحت نمی‌بینند. اینکه کالاهای ارزانقیمت و بی‌کیفیت خارجی، که به صورت قانونی یا قاچاق وارد کشور شده‌اند، تولید داخلی را فلج کرده است، اینکه بخش اعظم بدهی‌های معوقه بانکی مربوط به دولت، شرکت‌های دولتی و معدودی «افراد خاص» است، اما بانک‌ها شرکت‌های کوچک و متوسط فعال را، که به دلیل بحران اقتصادی دچار بدهی معوقه شده‌اند به دادگاه و زندان می‌کشاند و ممنوع‌الخروج می‌کنند، اینکه تولیدکنندگان داخلی را، با اتخاذ سیاست‌های نادرست، از رقابت با رقبای خارجی عاجز کرده‌ایم و گروهی از آنها - که به آینده نمی‌اندیشند - راه نجات خود را در تولید در چین و کره و مالزی و فروش در ایران یافته‌اند، هیچ‌کدام مطالبی نیستند که کسی از آن بی‌خبر باشد. متأسفانه قوه مقننه در چاره‌جویی این قبیل مسائل یا اقدام قاطعی انجام نداده و یا اقداماتش بی‌اثر مانده است.

در پی بحران اقتصادی اخیر، اکثر کشورها «بسته‌های حمایتی» برای نجات تولیدکنندگان تدوین کرده و به اجرا گذاشته‌اند. مجلس آمریکا قوانینی گذراند و مجوزهایی داد که عملاً بخش بزرگی از بدهی‌های بانکی را بر ذمه دولت گذاشت که هم بانک‌ها را نجات داد و هم بسیاری از تولیدکنندگان را از ورشکستگی رها کرد. بخش‌های تولیدی ما، که علاوه بر بحران جهانی، با مشکلات مربوط به تحریم‌ها، دامپینگ و قاچاق گسترده کالا مواجه است، قطعاً به حمایت عاجل‌تری نیازمند است. چرا مجلس ما نمی‌تواند یک «بسته حمایت از تولید» را تصویب و بر اجرای آن نظارت کند؟

#### سؤال ۸: اگر نماینده مجلس بودید برای حمایت از تولید چه می‌کردید؟

فرخ قبادی: از «مرکز پژوهش‌ها» می‌خواستم که در مورد سیاست‌های کلان مربوط به تولید و اشتغال، گزارشی جامع و به دور از ملاحظات گروهی و سیاسی تهیه کند. گزارشی که واقعیت‌ها و مشکلات مربوط به این حوزه را، چنان‌که وجود دارند، تشریح نماید. از همکارانم می‌خواستم که گزارشات را مطالعه کنند (زیرا تردید دارم که همه نمایندگان محترم از دامنه بحران کنونی در عرصه تولید و اشتغال و پیامدهای آن آگاه باشند). از مسئولین مجلس می‌خواستم که (از طریق مرکز پژوهش‌ها) در زمینه‌های مختلف این مسئله، نظر کارشناسان را جمع‌آوری کند و اقدامات پیشنهادی و پیامدهای هر یک از آنها را تشریح نماید. آنگاه همه توان خود را به کار می‌بردم تا بهترین راه‌حل‌های مقدور، به صورت قانون درآیند و به اجرا گذاشته شوند (در حقیقت، همه این



مقدمات، به تدوین یک «بسته حمایت از تولید و اشتغال»، می‌انجامید).

البته، از آنجا که در سیاست و ظرایف و دقایق آن ناپخته هستم، شاید این قبیل اقدامات اساساً عملی نباشند و تلاش من به جایی نمی‌رسید. اما دستکم من وظیفه خود را انجام داده بودم.

**سؤال ۹: به نظر شما چرا اکثر تولیدکنندگان از کمبود نقدینگی شکایت دارند. ریشه‌های مشکل کجاست؟**

**فرخ قبادی:**

**الف)** اکثر شرکت‌های سابقه‌دار، در گذشته، که مشکلات بانکی بسیار کمتر از امروز بود، بخش بزرگی از سرمایه در گردش خود را - که عمدتاً از طریق تسهیلات کوتاه‌مدت دریافت کرده بودند - صرف خرید ماشین‌آلات، احداث فضا و تأسیسات و تجهیزات می‌کردند و به‌عبارت دیگر، تسهیلات کوتاه‌مدت دریافتی، تبدیل به سرمایه ثابت می‌شد (علت این کار نیاز به توضیحات مفصلی دارد که خلاصه کوتاهی از آن در پیوست ۱ آمده است) تا زمانی که بانک‌ها این تسهیلات را تمدید می‌کردند، این شرکت‌ها مشکلی نداشتند.

با اجرایی شدن طرح‌های زودبازده و افزایش شدید تسهیلات بانکی و سپس سرعت گرفتن رشد نقدینگی و تشدید تورم، که سیاست پولی انقباضی در دوره آقای مظاهری پاسخی به آن بود، و در همان حال کاهش منابع بانکی به دلیل پرداخت تسهیلات بیش از حد، شرایطی پدید آمد که بانک‌ها دیگر نمی‌توانستند به شیوه گذشته وام‌های کوتاه‌مدت را به سهولت تمدید کنند. بنگاه‌های تولیدی که غافلگیر شده بودند، قدرت تسویه تمام یا بخشی از بدهی‌های خود را نداشتند و گرفتار بدهی معوقه شدند. هنگامی که مقررات جدید به‌طور جدی رعایت شد و واحدهایی که بدهی معوقه داشتند قادر به دریافت تسهیلات از هیچ بانکی نبودند، به‌طور فزاینده‌ای در گرداب فرو رفتند و کمبود نقدینگی آنها تشدید شد.

**ب)** نقدینگی (حاصل جمع پول و شبه‌پول) باید به اندازه‌ای باشد که دادوستدها را تسهیل کند. هرگاه قیمت‌ها بالا بروند و یا سرعت گردش پول کاهش یابد، نقدینگی بیشتری مورد نیاز خواهد بود. افزایش قیمت‌ها طی چند سال اخیر، بخش بزرگی از نقدینگی افزایش یافته را «بلعیده» است. از سوی دیگر به‌نظر می‌رسد که سرعت گردش پول نیز کاهش یافته است. در مجموع به‌نظر می‌آید که نقدینگی در حد و اندازه مورد نیاز نیست. البته این هم واقعیتی است که برخی افراد و گروه‌ها از «نقدینگی» کافی برخوردارند، اما به ظن قوی این پول‌ها از راه تولید به‌دست نیامده و به سمت تولید نیز نمی‌رود.

**ج)** دولت و شرکت‌های دولتی و تعداد نسبتاً معدودی از «افراد خاص»، بخش بزرگی از منابع بانکی را بلوکه کرده‌اند (تسهیلات دریافتی را پس نداده‌اند). هم‌اکنون شرکت‌های بزرگ بدهی خود به تولیدکنندگان دیگر (تأمین‌کنندگان خود) را هم نمی‌پردازند و یا با تأخیرهای طولانی و گاه به‌صورت



کالا پرداخت می‌کنند. تأخیر در وصول مطالبات، زنجیره‌ای از مطالبات دریافت نشده و بدهی‌هایی که به همین دلیل نمی‌توانند پرداخت شوند به وجود آورده که قربانی اصلی آن تولیدکنندگان کوچک و متوسط بوده‌اند. اکثر آنها نیز به دلیل گرفتار شدن در دام بدهی معوقه قادر به دریافت تسهیلات جدید نیستند. سیاست انقباضی آقای مظاهری، هم فراگیر بود (یعنی تر و خشک را با هم سوزاند) و هم بسیار شدید و غافلگیرکننده. متأسفانه این سیاست انقباضی عملاً هنوز هم ادامه دارد. وحشت از تشدید تورم و اجرای سیاست‌های پولی انقباضی فراگیر، تولید را فلج کرده است و متأسفانه این واقعیت مغفول مانده که افزایش نقدینگی، به شرط آنکه به دست تولیدکنندگان واقعی برسد، منطقی‌ترین راه مبارزه با تورم است.

**سیاست انقباضی آقای مظاهری، هم فراگیر بود یعنی تر و خشک را با هم سوزاند و هم بسیار شدید و غافلگیرکننده. متأسفانه این سیاست انقباضی عملاً هنوز هم ادامه دارد.**

د) بحران جهانی، با محدود کردن بازارهای فروش، موجب تشدید تلاش کشورهای صادرکننده برای حفظ و گسترش بازارهای خود به هر طریق (از جمله پرداخت یارانه‌های پنهان و آشکار تولیدی و صادراتی و گاه حتی دامپینگ کالاها) شده است. غافل ماندن ما از این قضایا و بی‌توجهی به «واردات بی‌رویه»، بازارهای فروش را برای تولیدکنندگان داخلی محدود ساخته و اکثر کارخانجات، قادر به فروش محصولات خود - در حدی که تولید می‌کنند یا توان تولید آن را دارند - نیستند. این مسئله نیز کمبود نقدینگی مورد نیاز تولیدکنندگان را تشدید کرده است. کالاها در انبار است، اما با سرعت کافی تبدیل به پول نمی‌شوند.

ه) و نکته آخر اینکه، باید پذیرفته شود که بانک‌ها تمایلی به پرداخت تسهیلات به تولیدکنندگان ندارند. از منظر محاسبات صرف اقتصادی، رفتار آنها بی‌منطق هم نیست. بهترین کار برای آنها پرداخت تسهیلات برای فعالیتهای کوتاه‌مدت (خرید و فروش‌های مقطعی) با وثیقه ملکی شهری است. بانک‌ها از شرایط تولید آگاهی دارند و (به‌ویژه این روزها) می‌دانند که پرداخت تسهیلات به تولیدکنندگان، با خطر تأخیر یا حتی نکول همراه است و بنابراین در راستای منافع اقتصادی بانک ارزیابی نمی‌شود. همه این عوامل دست به دست هم داده و بنگاه‌های تولیدی را با کمبود شدید نقدینگی مواجه ساخته است.



**سؤال ۱۰:** شما به عنوان یک تولیدکننده، منابع مالی لازم برای مخارج توسعه‌ای کار خود را چگونه تأمین می‌کنید؟ اصولاً تولیدکننده ایرانی چه گزینه‌هایی برای تأمین مالی دارد؟

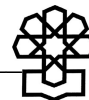
فرخ قبادی: در حال حاضر، اکثر تولیدکنندگان به توسعه فکر نمی‌کنند. اغلب تولیدکنندگان فعال با ظرفیتی کمتر از ظرفیت واقعی بنگاه خود فعالیت می‌کنند و اگر نقدینگی داشتند و مشکل فروش هم در میان نبود، با تأمین مواد اولیه بیشتر، تولید خود را به ظرفیت واقعی نزدیک‌تر می‌کردند. عمدتاً کسانی که نیاز به نوسازی تجهیزات دارند، در حین نوسازی ممکن است افزایش ظرفیت هم بدهند. در گذشته تأمین مالی برای توسعه فعالیت‌ها (علاوه بر کمک سهام‌داران) از طریق تسهیلات بانکی صورت می‌گرفت. این روزها برای شرکت‌هایی که حتی یکی از اعضای هیئت‌مدیره آن بدهی معوقه داشته باشد، یا نتوانند وثیقه قابل قبول بانک (عملاً فقط ملک شهری با «سند منگوله‌دار») را تأمین کنند، دریافت تسهیلات بلندمدت برای گسترش یا حتی تسهیلات ۶ ماهه برای تأمین سرمایه در گردش، ناممکن یا بسیار دشوار است. تولیدکنندگان به نحو نگران‌کننده‌ای به بانک‌های خصوصی و یا حتی رباخواران روی می‌آورند و یا چک‌های مشتریان خود را «اسکونت» می‌کنند. در حال حاضر، نرخ این کار بین ۳۰ تا ۴۰ درصد (در سال) است که البته خود هزینه دیگری است که بر تولیدکنندگان تحمیل می‌شود.

**سؤال ۱۱:** با وجود حجم هنگفت نقدینگی در دست بخش خصوصی، چرا این نقدینگی به متقاضیان وجوه در بخش تولید نمی‌رسد؟ بازارهای مالی کشورمان در هدایت نقدینگی‌های سرگردان به سوی تولید چقدر کارآمد هستند؟

فرخ قبادی: آن گروه از بخش خصوصی که «نقدینگی هنگفت» دارند، معمولاً در کار تولید نیستند یا لاقط فعالیت اصلی‌شان تولید نبوده و نیست. چنین افرادی یا به واردات اشتغال دارند، یا - اگر پشتوانه محکمی داشته باشند - در ملک سرمایه‌گذاری می‌کنند و یا اوراق قرضه مطمئن می‌خرند. عده‌ای هم پول خود را نزول می‌دهند. نرخشان هم بسیار بالاست.

بازارهای مالی ما عقب‌افتاده و ناکارآمد هستند سرمایه‌گذاری در بازار بورس، در جامعه ما و برای مردم عادی، امری متعارف نیست و این کار، برخلاف کشورهای پیشرفته، برای صاحبان سرمایه‌های خرد و کلان، گزینه معنی‌داری به‌شمار نمی‌رود. شاید این بی‌علاقگی را بتوان ناشی از تجربیات تاریخی دانست و شاید هم عدم احساس امنیت.

در هر حال تا زمانی که تولید سودآور نشود، انتظار جریان یافتن منابع مالی به سمت فعالیت‌های تولیدی، بیهوده است. اگر تولید سودآور می‌بود، هم افراد برخوردار از نقدینگی هنگفت به سمت آن هجوم می‌آوردند و هم اگر خودشان تمایل یا توان این کار را نداشتند، از طریق



مشارکت، خرید سهام و پرداخت وام با بهره معقول، نقدینگی خود را به سمت آن سوق می‌دادند. ریشه مسئله مالی بنگاه‌های تولیدی و ناتوانی آنها در تأمین منابع مالی، در هزینه‌های سنگین تولید در کشور ما و در نتیجه بازده نازل یا زیان‌دهی فعالیت‌های تولیدی نهفته است.

**سؤال ۱۲:** از نظر شما قوانین و مقررات ناظر بر بازارهای مالی برای تأمین مالی تولیدکنندگان چه نقایصی دارند؟

**فرخ قبادی:** بحث در مورد نقایص بازارهای مالی (و پولی) ما فرصت زیادی می‌طلبد. نهادهای مرتبط با این بازارها نه به معنای واقعی استقلال عمل دارند و نه کاملاً تابع قوانین بازارند. دستورات و نشانه‌هایی هم که دریافت می‌کنند هماهنگ نیستند و گاه با یکدیگر تناقض دارند، ضمن آنکه مدام هم تغییر می‌یابند. حتی بانک مرکزی ما، برخلاف اکثریت بزرگ کشورهای جهان، از استقلال معنادار برخوردار نیست.

اما برای لحظه‌ای تصور کنیم که این بازارها مستقل، کارآمد و بی‌عیب و نقص هستند. در آن صورت تأمین مالی تولیدکنندگان شاید حتی دشوارتر می‌شد. وظیفه بازارهای مالی، جمع‌آوری منابع پراکنده و سوق دادن آنها به بهترین و پربازده‌ترین حوزه‌هاست. در شرایط کنونی سمت دادن منابع مالی به سمت تولید، عمدتاً از طریق تصمیمات سیاستگذاران آینده‌نگر و به شیوه دستوری میسر است. علت آن هم بازده ناچیز فعالیت‌های تولیدی و وجود گزینه‌های سودآورتر است.

**سؤال ۱۳:** مجلس شورای اسلامی در شرایط فعلی در عمل چه کمکی می‌تواند برای حل اساسی و ریشه‌ای مشکلات مالی و نقدینگی تولیدکنندگان انجام دهد؟

**فرخ قبادی:** اولاً این مسئله را بپذیرد و اعلام کند که تولید در کشور ما دچار بحران است و برخلاف گفته برخی از مسئولین، رو به بهبود ندارد و تداوم شرایط کنونی ممکن است به فاجعه‌ای منجر گردد که اصلاح آن، هم هزینه بسیار سنگینی را به اقتصاد ما تحمیل می‌کند و هم مدت زیادی به طول خواهد انجامید.

ثانیاً ریشه اصلی بحران تولید در کشور ما، به سودآوری نازل یا زیان‌دهی فعالیت‌های تولیدی مربوط می‌شود. بنابراین باید با وضع یک سلسله قوانین و مقررات، شرایطی را پدید آورد که چالش‌های تولید کمتر شود و هزینه تولیدات داخلی کاهش یابد. از این قبیل:

**الف)** سهم بیمه کارفرمایان (که در حال حاضر ۲۳ درصد حقوق پرسنل است، به میزان قابل توجهی (مثلاً به ۱۰ درصد یا کمتر) کاهش یابد. لازم به توضیح است که در حال حاضر و برای استخدام تازه واردین به بازار کار، سهم بیمه کارفرما فقط ۳ درصد است.



در مورد مالیات‌ها هم به تولیدکنندگان اجحاف می‌شود. منطق حکم می‌کند که مالیات بر اساس سود دریافت گردد و شرکت‌های زیان‌ده که به هر طریق خود را سرپا نگهداشته‌اند از مالیات معاف شوند. در حال حاضر حتی از شرکت‌های زیان‌ده نیز مالیات دریافت می‌شود.

ب) از تعطیلی‌های کاری بکاهد. هر روز تعطیلی اضافی، بر هزینه تمام شده تولید می‌افزاید و رقابت با کالاهای خارجی را دشوارتر می‌سازد.

ج) واردات محدود شود. لازمه این کار برخورد قاطع با کالای قاچاق و بالا بردن نرخ ارز است. با نرخ‌های برابر کنونی ارز، محدود کردن واردات بسیار دشوار خواهد بود. در این رابطه افزایش تعرفه‌ها نیز چندان کارساز نیست و در وهله اول (با افزایش سودآوری تخلفات) به افزایش قاچاق و «کم‌اظهاری گمرکی» منجر می‌شود (برای واردات ماشین‌آلات با فناوری پیشرفته و مواد اولیه‌ای که در کشور تولید نمی‌شوند، می‌توان تسهیلات و تخفیفات خاصی در نظر گرفت).

د) افزایش دستمزدهای سالیانه، گرچه زندگی کارگران را بهبود چشمگیری نبخشیده، اما ۱۵ تا ۲۰ درصد به هزینه پرسنلی تولیدکنندگان داخلی (به ریال) می‌افزاید. در هیچ کشوری در جهان هزینه دستمزد (به دلار) از ۲ تا ۳ درصد در سال تجاوز نمی‌کند (از زمان بحران اقتصادی اخیر، در اغلب کشورها دستمزدها کاهش نیز یافته است). البته این گناه کارگران نیست، اما در کشور ما، طی چندین سال گذشته، به دلیل اجرای سیاست تثبیت نرخ ارز، افزایش ریالی دستمزدها عملاً به معنای افزایش دلاری آن بوده است. محاسبات دقیق‌تر نشان می‌دهد که سالیانه بیش از ۱۰ درصد (به دلار) بر هزینه دستمزدی تولیدکنندگان ایرانی افزوده می‌شود که احتمالاً بالاترین رقم در جهان است. این نیز عامل دیگری بر دشواری رقابت تولیدکنندگان داخلی با کالاهای خارجی است و نیز در زمره انگیزه‌کسانی است که تولید کالاهای خود را به خارج سفارش می‌دهند.

در این رابطه مسئولین اغلب پایین بودن بهره‌وری در کشور را موجب گرانی کالاهای داخلی و افزایش واردات عنوان می‌کنند. تردیدی نیست که بهره‌وری در کشور ما پایین است و می‌باید افزایش یابد. اما اولاً بهره‌وری در وهله نخست تابع «فضای کسب‌وکار» است که کارگران و مدیران بنگاه‌ها در بهبود آن نقش عمده ندارند. ثانیاً حتی افزایش معجزه‌آسای بهره‌وری، نمی‌تواند فزونی ۱۰ تا ۱۴ درصدی تورم (و در نتیجه هزینه‌های تولید) در کشور ما با کشورهای صادرکننده به ما را پوشش دهد. برای جلوگیری از افزایش واردات و ایجاد اشتغال، جایگزینی منطقی‌تر و کم‌هزینه‌تر از اصلاح نرخ ارز وجود ندارد.

ه) اگر به راستی بزرگ‌ترین بدهکار به نظام بانکی، دولت، شرکت‌های دولتی و تعدادی افراد ذینفوذ هستند، که ظاهراً «زور بانک‌ها به آنها نمی‌رسد»، مجلس قانونی بگذراند که دولت را موظف سازد که تمام این دیون را بر ذمه خود بگیرد و بدین ترتیب منابع بانکی را آزاد کند. این همان کاری



است که در اکثر «بسته‌های حمایتی» دولت‌های مبتلابه بحران صورت گرفته است. این سیاست هم نظام بانکی را از خطر نجات می‌دهد و هم توان آنها را برای کمک به تولید بالاتر می‌برد. (و) رهاسازی شرکت‌های بدهکار به بانک‌ها یا دارایی و بیمه، از فشاری که تحمل می‌کنند و کمک به آنها در تأمین نقدینگی لازم. این کار، در وهله اول، باید برای شرکت‌هایی انجام گیرد که فعالند، از مدیریت مناسب برخوردارند، فناوری قابل قبولی دارند و در شرایط مساعدتر، قادر خواهند بود روی پای خود بایستند و سودآور شوند. یک راه‌حل در این زمینه، خرید این دیون (همراه با وثایق و اسناد مربوطه) توسط دولت از بانک‌هاست. دولت سپس می‌تواند این مطالبات را به تدریج از بدهکاران وصول کند (توضیحات بیشتر در این زمینه در پیوست ۲ آمده است).

**سؤال ۱۴: به‌عنوان تولیدکننده و اقتصاددان کشور، اگر بخواهید یک‌جمله به رئیس و نمایندگان مجلس بگویید چه می‌گویید؟**

فرخ قبادی: تولید در کشور دچار بحرانی جدی و بالقوه بسیار خطرناک است. با نهایت احترام و قدردانی از زحماتی که می‌کشید، حل‌وفصل مشکلات تولید مستلزم آن است که تعلل و مصلحت‌اندیشی ملاحظه‌کارانه را کنار بگذارید و به رسالت تاریخی خود بیاندیشید.

**پیوست‌ها****پیوست ۱. توضیحات تکمیلی سؤال ۹**

از چندین سال قبل، تسهیلات تکلیفی میان متقاضیان تقسیم می‌شد. مثلاً در یک استان ۸۰ متقاضی سرمایه‌گذاری وجود داشت و ۱۰ میلیارد تومان تسهیلات تکلیفی به این استان تخصیص داده شده بود. این اعتبارات به صلاحدید مسئولان، که صرفاً به معیارهای اقتصادی محدود نمی‌شد و ملاحظات دیگری هم باید مد نظر آنها قرار گیرد، بین متقاضیان تقسیم می‌شد. در نتیجه ممکن بود طرحی نیاز به ۲ میلیارد تومان تسهیلات می‌داشت تا راه‌اندازی شود، اما امکانات موجود اجازه تخصیص بیش از ۸۰۰ میلیون تومان را برای این طرح نمی‌داد. متقاضی ۸۰۰ میلیون را می‌گرفت، سهم (آورده) خود را هم می‌گذاشت و بقیه وجه لازم را با استفاده از اعتبارات خود و سهام‌داران، از بانک‌ها وام می‌گرفت (این وام‌ها کوتاه‌مدت - معمولاً ۶ ماهه تا یک‌ساله - بودند و تحت عناوین مختلف دریافت می‌شدند). وام‌های کوتاه‌مدت مذکور عمدتاً صرف تکمیل احداث کارخانه می‌شد، یعنی به سرمایه ثابت تبدیل می‌گشت. اما این تسهیلات کوتاه‌مدت می‌باید ۶ ماه یا یک‌سال بعد باز پرداخت شوند. این سنگ بنای لرزانی بود که بسیاری از شرکت‌های تولیدی ما روی آن بنا شدند. یک مشکل دیگر (که آن هم ناشی از محدودیت تسهیلات تکلیفی بود) دوره کوتاه و غیرمنطقی بازپرداخت این تسهیلات بود که حتی به نصف دوره بازپرداخت تسهیلات در کشورهای دیگر (عربستان، مالزی، کره، و...) نیز نمی‌رسید و فشار سنگینی به بنگاه‌های بدهکار وارد می‌ساخت.

تا زمانی که بانک‌ها سیاست عادی خود را دنبال می‌کردند، این مسئله به سهولت حل و فصل می‌شد. یعنی متقاضی بهره پولش را می‌داد و وامش را تمدید می‌کرد. گاه نیز از بانک الف تسهیلات می‌گرفت و به بانک ب وامش را پس می‌داد. با آغاز اجرای سیاست طرح‌های زودبازده، بانک‌ها تسهیلات زیادی دادند و منابعشان تحلیل رفت. در نتیجه به واحدهای قدیمی فشار آوردند که اصل و فرع وام‌هایشان را پس بدهند (که نمی‌توانستند) و یا اصل و فرع وام‌ها را پس بدهند و با کسر ۱۰ تا ۳۰ درصد، بقیه را دوباره وام بگیرند. این کار هم برای اغلب بنگاه‌ها امکانپذیر نبود. نتیجه آن شد که اغلب واحدها دچار بدهی معوقه شدند.

هنگامی که سیاست انقباضی به اجرا گذاشته شد و بانک‌ها موظف به اجرای مقررات جدید شدند، هیچ شرکتی، که خود یا یکی از اعضای هیئت‌مدیره آن بدهی معوقه داشتند، قادر به دریافت تسهیلات از هیچ بانکی نبودند. در نتیجه بدهی‌ها انباشته شد و با جریمه‌های دیرکرد به اندازه‌ای رسید که بازپرداخت آن عملاً نامیسر بود. تداوم و تشدید تحریم‌ها، گسترش بحران اقتصاد جهانی





و محدود شدن بازارها در سراسر جهان که به هجوم کالاهای ارزانقیمت خارجی به بازار داخلی ما دامن زد و فروش کالاهای داخلی را دشوارتر ساخت) مزید بر علت شد و بسیاری از شرکتها نه تنها از بازپرداخت بهره و جریمه دیرکرد بدهی خود ناتوان شدند، که حتی در تأمین مواد اولیه و پرداخت حقوق و مزایای کارگران خود دچار مشکل گشتند (استمهال بدهی حدود ۸۰۰۰ واحد تولیدی، مسکنی بود که از تعطیلی گسترده کارخانجات جلوگیری کرد، اما ریشه‌های مشکلات هم چنان باقی ماندند).

## پیوست ۲. توضیحات تکمیلی سؤال ۱۳

در این رابطه می‌تواند قانونی تصویب شود که به موجب آن و هرچه سریع‌تر، در هر استان کمیته‌ای متشکل از نمایندگان خانه صنعت و اتاق بازرگانی، ادارت و سازمان‌های ذیربط (صنایع، جهاد کشاورزی و کار و امور اجتماعی) و چند کارشناس از جانب بانکها در آن حضور داشته باشند. وظیفه این کمیته طبقه‌بندی واحدهای فعال به سه گروه:

**گروه اول:** واحدهای مشکل دار و بدون آینده روشن که هزینه کردن بیشتر برای آن منطقی ندارد. این واحدها تعطیل شوند و بدون هتک حرمت و آبروریزی، شرکت ورشکسته اعلام شود و فعالیتش متوقف گردد. به یاد داشته باشیم که سهولت و شدت پیامدهای توقف فعالیت بنگاهها، یکی از معیارهای ۱۰گانه تشکیل‌دهنده «فضای کسب‌وکار» در هر کشور است. قوانین مناسب برای تسهیل اعلام ورشکستگی و توقف فعالیت، مشابه کشورهای پیشرفته، در حال حاضر می‌باید از اولویتهای کار مجلس محترم در زمینه تولید تلقی شود. در این رابطه باید توجه داشت که تولید، به هر حال و در همه کشورها، با خطراتی همراه است که نقطه پایان آن، توقف فعالیتها و اعلام ورشکستگی است. در شرایطی که ورشکستگی یک شرکت موجب هتک حرمت، آبروریزی و شاید هم زندانی شدن را به دنبال داشته باشد، سرمایه‌گذاران بالقوه، به‌ویژه نسل جوان‌تر، پیام خوبی دریافت نمی‌کند و بی‌رغبتی به درگیر شدن در فعالیت‌های تولیدی تشدید می‌شود. بی‌تردید اگر مدیران یا صاحبان شرکتها خلاف کرده و جرمی مرتکب شده‌اند، می‌باید تعقیب و مجازات شوند. اما متأسفانه در کشور ما با تولیدکنندگانی که به دلیل بحران یا مدیریت ضعیف، ناگزیر از توقف فعالیت می‌شوند، برخورد خصمانه‌ای صورت می‌گیرد و بی‌آبرویی به‌بار می‌آورد. این یکی از دلایلی است که فضای کسب‌وکار را در کشور ما نامساعد ساخته است (اقتصاد ما در شاخص «توقف فعالیت» که یکی از شاخص‌های ۱۰گانه فضای کسب‌وکار است، رتبه نامناسبی دارد. در میان ۱۸۳ کشور که مورد بررسی بانک جهانی قرار گرفته‌اند، رتبه ما در «توقف فعالیت» ۱۰۹ است که گرچه رتبه مایوس‌کننده‌ای است، اما در مقایسه با رتبه ما در «حمایت از سرمایه‌گذاران» که ۱۶۵ است، اندکی بهتر است).



**گروه دوم:** واحدهای فعال مشکل‌دار (دارای بدهی معوقه به بانک‌ها، دارایی، بیمه و غیره) که سرپا هستند و تاکنون دوام آورده‌اند و مدیریت و فناوری قابل قبول دارند و می‌توانند با مساعدت، آینده روشنی داشته باشند. این واحدها باید نجات داده شوند. تعطیل شدن این واحدها ضربه بزرگی به تولید و اشتغال کنونی و ضربه بزرگ‌تری به آینده صنعت کشور است.

**گروه سوم:** واحدهای فعال که مشکل حادی ندارند، از فناوری و مدیریت مناسب برخوردارند و چشم‌انداز روشنی پیش رو دارند. این واحدها می‌باید در صدر اولویت سرمایه‌گذاری‌های جدید قرار گیرند تا با ظرفیت کامل فعالیت کنند و حتی ظرفیت خود را بالاتر ببرند. بی‌تردید سرمایه‌گذاری در این گروه (و حتی گروه قبلی) در مقایسه با ایجاد واحدهای جدید، هم بازده سریع‌تری دارد و هم اشتغال را با هزینه کمتر افزایش خواهد داد.



## مهمترین تحولات فضای کسب‌وکار کشور در خردادماه ۱۳۸۹

### ایران هشتمین تولیدکننده بزرگ گوشت در آسیا شناخته شد

سازمان جهانی خواروبار و کشاورزی با پیش‌بینی افزایش ۳ درصدی تولید گوشت ایران در سال ۲۰۱۰ این کشور را هشتمین تولیدکننده بزرگ گوشت در آسیا و پانزدهمین در جهان معرفی کرد. فائو در جدیدترین گزارش خود موسوم به چشم‌انداز غذایی جهان کل تولید گوشت در جهان طی سال ۲۰۰۹ را ۲۸۱ میلیون تن اعلام کرده و پیش‌بینی کرد این رقم در سال ۲۰۱۰ با افزایش غیرمحمسوس ۵ میلیون تنی به ۲۸۶ میلیون تن برسد (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۹/۳/۳۰).

### تثبیت نرخ ارز به معضل جدی صادرکنندگان میوه تبدیل شده است

سیدرضا نورانی رئیس اتحادیه صادرکنندگان میوه اظهار داشت: در ۱۰ سال گذشته هر سال حدود ۲۰ درصد تورم افزایش یافته و موجب تحلیل توان و بنیه صادرکنندگان شده است.

رئیس هیئت‌مدیره اتحادیه صادرکنندگان و واردکنندگان میوه و تره‌بار افزود: تثبیت نرخ ارز و رها بودن نرخ تورم صادرکنندگان را با معضل جدی اقتصادی مواجه کرده درحالی که قیمت فروش محصولات در بازارهای هدف با کاهش شدید روبرو است زیرا در ۱۰ سال گذشته در یک سوی معادله صادرکنندگان ۲۰۰ درصد تورم و در سوی دیگر ۲۵ درصد افزایش نرخ ارز داشته که در مجموع صادرکنندگان امروز درحال ورشکستگی یا وام‌دار بانک‌ها هستند.

نورانی گفت: بنابر آمار وزارت جهاد کشاورزی، ایران جزء ۸ کشور تولیدکننده محصولات باغی است، اما در صادرات میوه با اختصاص ۱/۴ درصد از کل صادرات جهانی به خود در جایگاه بیستم، در صادرات صیفی و سبزی با اختصاص ۰/۴ درصد از کل صادرات جهانی در جایگاه ۴۸ کشورهای صادرکننده جهان هستیم و در صادرات گل و نهال به‌دلیل صادرات بسیار ناچیز در رتبه‌بندی جهانی جایگاهی نداریم.

رئیس هیئت‌مدیره اتحادیه صادرکنندگان و واردکنندگان میوه و تره‌بار افزود: قیمت تمام شده محصولات کشاورزی در ۱۰ سال گذشته نسبت به کشورهای رقیب بالاتر رفته، در نتیجه صادرات رو به کاهش رفته است (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۹/۰۳/۲۲).

### بازارشکنی فضای صادراتی پسته را تحت تأثیر قرار داده است

دبیر هیئت اجرایی خانه کشاورز استان کرمان گفت: عوامل مشکوک و مخربی که با حاکمیت جو



منفی و رقابت ناسالم قیمت پسته را در بازارهای داخلی و خارجی با روند کاهشی روبرو کرده‌اند، عملاً خسارت‌های هنگفتی به تولیدکنندگان و صادرکنندگان پسته تحمیل کرده‌اند که منافع ملی را با چالش روبرو می‌کند.

سیدمحمد مرتضوی افزود: با توجه به خسارت‌های سنگین محصول در بهار امسال به‌ویژه در رفسنجان و راور با توجه به زمان باقیمانده تا فصل برداشت جای هیچ‌گونه نگرانی از جهت تلبار شدن پسته وجود نداشت و امکان صدور باقیمانده پسته در قیمت‌های مناسب و با صرفه اقتصادی فراهم بود. اما در زمان حاضر عده‌ای بازرگان ناآشنا به بازارشکنی پسته در بازارهای داخلی و خارجی مشغول شدند. دبیر هیئت اجرایی خانه کشاورز استان کرمان خاطرنشان کرد: جهت سالم‌سازی محیط صادراتی پسته ضروری است، سازمان توسعه تجارت، اتاق بازرگانی، انجمن پسته و سایر عوامل مؤثر و مسئول، این اشخاص و بازرگانان خاطی را شناسایی و با ابطال کارت بازرگانی آنان را از گردونه فعالیت‌های صادراتی خارج کنند (خبرگزاری ایانا، ۱۳۸۹/۳/۲۲).

#### **به‌ازای هر ۴ هزار دلار واردات در صنعت طیور، یک فرصت شغلی از بین می‌رود**

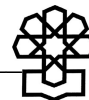
دبیر انجمن صنفی مرغ ایران نسبت به واردات مرغ منجمد به کشور هشدار داد و گفت: درحال حاضر به‌ازای هر ۴ هزار دلار واردات در صنعت طیور کشور یک فرصت شغلی از بین می‌رود. علی آذروش نوسانات مداوم قیمتی مرغ را ناشی از عدم کار کارشناسی، سطحی‌نگری و عدم جامع‌نگری در تصمیمات برنامه‌ریزان اعلام کرد.

او ادامه داد: درحال حاضر صنعت طیور کشور با یک بحران جدی روبرو است و تنها مرجع پاسخگو در این زمینه وزارت جهاد کشاورزی است.

او با بیان اینکه سرمایه در گردش صنعت طیور مرغ کشور در حدود ۵ هزار میلیارد است بیان داشت: با این حجم بزرگ سرمایه‌ای، صنعت طیور کشور همچنان با بی‌مهری مسئولین مواجه است. آذروش از بین رفتن فرصت‌های شغلی موجود در صنعت طیور، خارج شدن حجم قابل توجهی از ارز موجود کشور و از بین رفتن بسیاری از تجهیزات مرغداری را از تبعات واردات بی‌رویه مرغ به کشور ذکر کرد (ایلنا، ۱۳۸۹/۳/۲۲).

#### **ارزش صادرات فرش دستباف در دو ماهه نخست امسال ۳۷ درصد رشد کرد**

روابط عمومی مرکز ملی فرش ایران، برپایه آمار منتشر شده ازسوی گمرک جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد ارزش فرش‌های صادراتی ایران که در دوماهه نخست سال ۱۳۸۸ معادل ۴۳/۶ میلیون دلار بود، در پایان اردیبهشت‌ماه امسال به ۵۶ میلیون دلار رسیده است و میزان وزنی این



فرش‌های صادراتی نیز از ۷۰۰ تن در دو ماهه آغازین سال گذشته، به ۸۰۰ تن در فروردین‌ماه و اردیبهشت‌ماه امسال رسیده است.

براساس اعلام این مرکز، میزان صادرات فرش دستباف ایران در مقایسه دو ماه نخست سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹، از نظر ارزشی ۲۸/۳۷ و از نظر وزنی ۱۵/۹۶ درصد رشد داشته است. میزان صادرات فرش دستباف ایران در پایان سال ۱۳۸۸ نیز نسبت به سال پیش از آن ۱۶/۸ درصد از نظر ارزش و ۲/۰۳ درصد از نظر وزن افزایش یافته بود (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۹/۳/۲۱).

### ۸۰ درصد بازار سراجی ایران در اشغال کالاهای چینی است

درحال حاضر، ۸۰ درصد بازار سراجان را کالاهای چینی از آن خود کرده‌اند و این موضوع عامل اصلی تعطیلی و ورشکستگی تولیدکنندگان داخلی است.

محمدعلی شکیب‌راد رئیس اتحادیه سراجان تهران با اعلام خبر فوق اظهار داشت: از حدود ۶ سال گذشته تاکنون، واردات کالاهای سراجی چینی که عموماً کیف و متعلقات به آن بوده، عامل اصلی ورشکستگی واحدهای تولیدی این صنف بوده است.

به گفته شکیب‌راد درحال حاضر بازار داخلی سراجی ایران، در یک بحران کامل به سر می‌برد به‌گونه‌ای که بسیاری از کارگران و صاحبان واحدهای تولیدی شغل خود را تغییر داده‌اند. وی عنوان کرد: درحال حاضر ارزان‌ترین کالای سراجی از جمله کیف متعلق به واحدهای تولیدی ایران است (ایلنا، ۱۳۸۹/۳/۱۹).

### افزایش مصرف صابون و شامپوی خارجی

واردات مواد شوینده، بهداشتی در سال گذشته ۵۲ درصد افزایش یافته است. علی نقیب، رئیس هیئت‌مدیره انجمن صنایع شوینده، بهداشتی و آرایشی ایران ضمن بیان مطلب بالا افزود: طبق آمار رسمی گمرک واردات پنج قلم کالای اساسی صنعت شامل صابون، شامپو، پودر شوینده دستی و ماشینی و خمیردندان در سال گذشته به ۳۵ میلیون و ۱۱۵ هزار دلار رسید، درحالی که این مقدار نسبت به واردات ۲۳ میلیون و ۴۷ هزار دلاری سال ۱۳۸۷ حدود ۵۲ درصد رشد داشته است (۱۳۸۹/۳/۱۹).

### تمدید بازنشستگی بیمه‌شدگان دارای شرایط سنی

سازمان تأمین اجتماعی طی بخشنامه‌ای اعلام کرد با توجه به بند «۱۷» قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور، بازنشستگی بیمه‌شدگان با داشتن شرایط سنی و حداقل ۱۰ سال سابقه بیمه تمدید شد. براساس بخشنامه صادره ازسوی حوزه فنی و درآمد این سازمان، نظر به اینکه بند «۴۷»



قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور در مورد نحوه بازنشستگی بیمه‌شدگان با دارا بودن حداقل ۱۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه، عیناً در بند «۱۷» قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور تنفیذ شده، بنابراین بازنشستگی بیمه‌شدگان با داشتن شرایط سنی ۶۰ سال تمام برای مردان و ۵۵ سال تمام برای زنان و حداقل ۱۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه تا پایان سال جاری تمدید شده است. براساس این حداقل مستمری قابل پرداخت به مشمولین مذکور براساس حداقل دستمزد سال ۱۳۸۹ مبلغ ۱ میلیون و ۱۰ هزار ریال است (سایت صنعت غذای ایران، ۱۳۸۹/۰۳/۱۹).

### **مدیرعامل اتحادیه دامداران ایران: صادرات دام سالم و واردات دام بیمار: دلیل گرانی گوشت در تهران است**

صادرات دام سالم و واردات دام مبتلا به بیماری به‌رغم تولید بیش از نیاز در کشور عامل گرانی گوشت در تهران است.

مدیرعامل اتحادیه دامداران ایران با اعلام خبر فوق افزود: ویروس تب برفکی به‌دلیل واردات دام زنده از پاکستان که بخش زیادی از آن هم به‌صورت قاچاق بود وارد شد، این ویروس نوع جدیدی از تب برفکی به نام O هندی است که حدود ۱/۵ ماه است تولید واکسن این بیماری در کشور به تولید انبوه رسیده است. درحال حاضر بیش از ۴۰ هزار دام پروار در استان فارس وجود دارد که سازمان دامپزشکی اجازه حمل به سایر استان‌ها را نمی‌دهد (فارس، ۱۳۸۹/۳/۱۶).

### **برنامه‌های وزارت صنایع برای تأمین مالی بخش صنعت**

پرداخت تسهیلات ۸ میلیارد دلاری و فروش ۲ میلیارد دلار اوراق مشارکت ازجمله برنامه‌های وزارت صنایع برای تأمین نیاز مالی بخش صنعت طی سال جاری است.

محسن حاتم معاون برنامه‌ریزی وزیر صنایع با اعلام خبر فوق اظهار داشت: امسال پرداخت تسهیلات ۲ میلیارد دلاری بابت واردات مواد اولیه و اجرای طرح‌های توسعه‌ای و نیمه‌تمام و همچنین پرداخت تسهیلات ۵ میلیارد دلاری بابت تأمین سرمایه در گردش صنایع ابقا شد. وی با اشاره به پیش‌بینی صورت گرفته در قانون برنامه پنجم توسعه برای افزایش سرمایه بانک صنعت و معدن، تصریح کرد: فروش ۲ میلیارد دلار اوراق مشارکت توسط سازمان‌های توسعه‌ای ایدرو ایمیدرو نیز در بودجه سال ۱۳۸۹ پیش‌بینی شده است.

معاون وزیر صنایع افزود: با توجه به قول‌هایی که مدیرکل بانک مرکزی در زمینه تأمین سرمایه مورد نیاز بخش صنعت داده است، امیدواریم امسال در تأمین سرمایه در گردش و سرمایه مورد نیاز طرح‌های نیمه‌تمام صنعتی مشکلی نداشته باشیم (فارس ۱۳۸۹/۰۲/۱۵).



### واردات برندهای معتبر از چین، چالش مهم صنعت کفش ایران در سال ۱۳۸۹

علی لشکری نایب رئیس هیئت‌مدیره جامعه مدیران و متخصصین صنعت کفش گفت: تحولات جهانی در سال ۱۳۸۸ و کاهش بهای مواد خام اولیه فرصت بسیار طلایی برای تولیدکنندگان داخلی فراهم آورد که متأسفانه تولیدکنندگان داخلی کمتر از این فرصت بهره گرفتند.

لشکری در همین ارتباط تأکید کرد: اما متأسفانه در کنار این فرصت، موج جدید واردات به شکل واردات برندهای معتبر آغاز شد که البته باز هم تولید چین است و تحت لیسانس کشورهای اروپایی فعالیت می‌کنند.

لشکری در همین ارتباط تصریح کرد: موضوع واردات برندهای معتبر از جمله چالش‌هایی است که صنعت گران کفش ایرانی در سال ۱۳۸۸ با آن روبرو بودند و در صورت بی‌توجهی به این چالش در سال ۱۳۸۹ بیش از گذشته فعالان عرصه کفش را با مشکل روبرو خواهد کرد (جامعه مدیران و متخصصین صنعت کفش ایران).

### موضوع الحاق مرکز فرش به میراث فرهنگی از طرف وزارت بازرگانی خاتمه یافته است

رئیس مرکز ملی فرش ایران گفت: وزیر بازرگانی طی نامه‌ای اعلام کرده است که الحاق مرکز ملی فرش به سازمان میراث فرهنگی به مصلحت نیست و این موضوع از طرف وزارت بازرگانی خاتمه یافته است (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۹/۰۳/۱۰).

### افزایش کم‌سابقه نسبت چک‌های برگشتی در اقتصاد ایران

نسبت چک‌های برگشتی به مبادله شده در پایان سال گذشته به ۱۰/۷ درصد رسید. این نسبت در ۳۰ سال گذشته بی‌سابقه است.

براساس آخرین آمار منتشر شده بر تارنمای بانک مرکزی، در سال گذشته ۴۷ میلیون و ۶۸ هزار چک مبادله شده که از این میزان ۵ میلیون و ۸۷ هزار برگ چک برگشت داده شده است. بنابراین نسبت چک‌های برگشتی به مبادله شده در سال گذشته به ۱۰/۷ درصد می‌رسد. به دیگر بیان تقریباً از هر ۹ چک مبادله شده یکی از آنها برگشت داده می‌شود.

بررسی آمارهای موجود از نسبت چک‌های برگشتی به مبادله شده نشان می‌دهد این نسبت در ۳۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. از سال ۱۳۵۷ تاکنون بیشترین نسبت چک‌های برگشتی به مبادله شده در همین سال یعنی ۱۳۵۷ رخ داده است. نسبت مورد اشاره در این سال ۱۲/۶ درصد بوده که بالاترین نسبت پس از انقلاب به‌شمار می‌رود. پس از آن بیشترین نسبت تعداد چک‌های برگشتی به مبادله شده در سال ۱۳۵۸ به میزان ۱۰/۹ درصد رخ داده است. از این سال تاکنون نسبت چک‌های



برگشتی به مبادله شده همگی زیر ۱۰ درصد و در ۱۰ سال گذشته حدود ۵ درصد بوده است. با وقوع رکود در ایران که نشانه‌های آن از اواخر سال ۱۳۸۶ پدیدار شد، نسبت چک‌های برگشتی به مبادله شده سیر صعودی به خود گرفت و از ۵ درصد سال ۱۳۸۶ به ۷/۸ درصد در سال ۱۳۸۷ رسید. هم‌اکنون این نسبت به ۱۰/۷ درصد رسیده است. نسبت مبلغ چک‌های برگشتی به مبادله شده در پایان سال ۱۳۸۸ به ۵/۱ درصد رسیده که تا سال ۱۳۷۷ یعنی ۱۲ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. در سال ۱۳۷۷ نسبت مبلغ چک‌های برگشتی به مبادله شده ۵ درصد بوده است. در سال گذشته حدود ۴۶۲ هزار و ۹۴۰ میلیارد تومان چک، مبادله شده که از این میزان حدود ۲۳ هزار و ۴۰۷ میلیارد تومان آن برگشت داده شده که رقمی قابل توجه است (ایلنا، ۱۳۸۹/۳/۹).

### سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی کاهش یافته است

رئیس اتحادیه صادرکنندگان و تولیدکنندگان مرکبات ایران ضمن اعلام چشم‌انداز نامناسب صادرات در این بخش، از کاهش بی‌سابقه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی خبر داد. عنایت‌الله بیابانی، با تأکید بر افزایش تولید در سال جاری اظهار داشت: به دلیل نبود آماده‌سازی بستر مناسب و عدم روابط مناسب با دیگر کشورها درخششی در سال جاری در بخش صادرات به‌ویژه مرکبات وجود ندارد. او با بیان اینکه در بسیاری از محصولاتی که قبلاً ایران در آنها دارای مزیت‌های فوق‌العاده صادراتی از جمله پسته بود، اکنون دیگر پتانسیل قدیمی را ندارد، گفت: کاهش رشد سرمایه‌گذاری که در حال حاضر نزدیک به صفر است از مهمترین عوامل فضای ایجاد شده برای کشاورزی ایران است (ایلنا، ۱۳۸۹/۳/۸).

### افزایش ۲۰ درصدی قیمت مواد اولیه شیرینی و قنادی

رئیس اتحادیه قنادان تهران از افزایش ۲۰ درصدی قیمت مواد اولیه شیرینی و قنادی نسبت به سال گذشته خبر داد. نصرتی با گلایه از تعیین نرخ تعرفه شکر وارداتی گفت: مسئولین و برنامه‌ریزان بدون تأمل و مطالعه هر از گاهی با تصمیمات نامناسب باعث می‌شوند که یک بخش از بخش‌های اقتصادی دچار چالش جدی شود.

او با تأکید بر اینکه بازار قنادی و شیرینی مدتهاست که نابسامان و دچار چالش است، اظهار داشت: درحالی که قیمت مواد اولیه با افزایش مواجه شده است، اما هنوز قیمت شیرینی و قنادی همان قیمت‌های مصوب سال گذشته هستند.

رئیس اتحادیه قنادان تهران همچنین خواستار تعیین نرخ قیمت‌های محصولات قنادی از سوی اتحادیه شد.





به گفته نصرتی با واگذاری تعیین نرخ محصولات قنادی به اتحادیه نه تنها نظارت واقعی بر آنها اعمال می‌شود، بلکه باعث کیفیت تولید و کاهش متخلفین در این راستا می‌شود. این فعال بازاری در حوزه تولید قنادی در ادامه اظهار داشت: ادامه وضعیت فعلی هیچ نفعی را برای تولیدکنندگان و فروشندگان قنادی و شیرینی نداشته و باعث می‌شود که بسیاری از فعالان این حرفه در آینده کار خود را تغییر دهند. رئیس اتحادیه قنادان تهران همچنین از افزایش چند برابری قیمت محصولات قنادی در صورت اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها خبر داد. نصرتی گفت: افزایش هزینه حمل‌ونقل، دستمزدها و مواد اولیه موجب افزایش قیمت این محصولات می‌شود (ایلنا، ۱۳۸۹/۳/۸).

### کاهش ۶۷ درصدی صادرات آب معدنی

براساس آمارهای گمرک ایران، رشد مصرف داخلی آب معدنی طی دو سال گذشته به حدی بوده است که میزان صادرات این محصولات از ۷۱ میلیون دلار در سال ۱۳۸۶ به رقم ۹ میلیون دلار در سال ۱۳۸۸ رسیده است. این کاهش شدید صادرات آب معدنی تولید ایران در حالی صورت می‌گیرد که دولت تلاش دارد الگوی مصرف آب شرب در کشور را تغییر و به سمت آب‌های بسته‌بندی شده برده و به همین جهت از توسعه واحدهای فعال در این بخش حمایت می‌کند.

مهندس غیاثوند، کارشناس ارشد در صنعت آب با اشاره به بازار مصرف آب رو به رشد عنوان کرد: ظرفیت تولید ماشین‌آلات آب معدنی در ایران سالیانه ۴۰۰ میلیون لیتر است و به دلیل چشم‌انداز مناسب این بازار آن هم با توجه به رویکرد جهانی که به محصولات ارگانیک افتاده است، تلاش برای عرضه آب معدنی و عنوان نوشیدنی‌هایی که پایه آن آب معدنی کاملاً طبیعی و بدون نیاز به فرآیندهای شیمیایی معمول برای تصفیه می‌تواند هم در داخل کشور و هم در بازارهای جهانی به عنوان یک برند جهانی مطرح شود.

وی تأکید می‌کند: در حال حاضر هنوز صنایع آب معدنی کشور زیر ظرفیت خود تولید می‌کنند و اگر شرکت‌هایی مانند ابل که تلاش دارند محصولات ارگانیک را به بازار عرضه کنند، در کشور توسعه پیدا کنند با حمایت‌هایی که دولت در جهت تغییر الگوی مصرف آب خوراکی در کشور دارد، می‌توان امیدوار بود ایران علاوه بر خودکفایی در این بخش به عنوان یک قطب بزرگ صادرات نوشیدنی‌های طبیعی و از جمله آب معدنی در جهان مطرح شود (کانون انجمن‌های صنفی صنایع غذایی ایران، ۱۳۸۹/۳/۶).

### بحران در صنعت لبنیات ایران

رئیس هیئت‌مدیره دامداران ایران با اعلام افزایش ۴۵ درصدی قیمت فرآورده‌های لبنی نسبت به



سال گذشته خواستار خرید تضمینی شیر خام برای برون‌رفت بحران صنعت شیر شد. سیروس روستا، با بیان اینکه قیمت شیر خام با کاهش ۱۰ تا ۱۵ درصدی مواجه شده است، افزایش ۴۵ درصدی قیمت سایر فرآورده‌های لبنی را ناشی از افزایش بهای شیر تلفیقی آن هم بنابر تصمیم وزارت بازرگانی اعلام کرد.

به گفته روستا تولید شیر خام نیاز کشور را تأمین می‌کند، اما به دلیل امتناع کارخانجات از خرید شیر از قیمت تضمین شده قبلی صنعت شیر بیش از پیش به چالش فرو رفته است.

رئیس هیئت‌مدیره دامداران ایران عدم نظارت بر کارخانجات شیر و صنایع شیر، افزایش قاچاق این محصول به کشور از مبادی مرزی را در پی داشته است.

روستا گفت: به‌رغم اجرای مقررات سخت شیر خشک همچنان از مبادی مرزی به کشور وارد می‌شود و این درحالی است که هیچ‌گونه نظارت بر این موضوع صورت نمی‌گیرد.

او ادامه داد: عدم نظارت تا به آنجا رسیده است که کارخانه‌داران واحدهای لبنی محصولات خود را با درج عنوان شیر گاو به جای شیرخشک وارد بازار می‌کنند.

روستا همچنین با اشاره به جلسه مشترک این اتحادیه با کمیسیون کشاورزی مجلس و وزیر بازرگانی گفت: خرید تضمینی، بازنگری در سطح قرارداد با کارخانجات و تعیین قیمت واقعی مهمترین خواسته دامداران و همچنین اصیل‌ترین راهکارها برای خروج از بن بست معضل شیر است (ایلنا، ۱۳۸۹/۳/۵).

### ایران به واردات میوه نیاز ندارد

سیاستگذاری‌های نامناسب به‌ویژه در توزیع باعث شده دولت ساده‌ترین راه را که همان واردات باشد برگزیند.

دبیر اتحادیه بارفروشان تهران ضمن اعلام نظر فوق، با انتقاد از روند واردات میوه‌های اعیانی از سوی وزارت بازرگانی گفت: کشور به واردات میوه به‌ویژه در این مقطع زمانی نیازی ندارد.

علی حاج‌فتحعلی اظهار داشت: گسترش واردات تجملاتی میوه مانند هلو و شلیل در مقطع زمانی فعلی، لازم نیست، زیرا طی یک یا دو ماه دیگر میوه‌های داخلی به بازار عرضه می‌شوند.

به گفته حاج‌فتحعلی واردات آخرین راهکار و تنها یک مُسکن است و دولت باید برای جلوگیری از هرگونه بی‌ثباتی در بازار، سیستم توزیع را به‌روز کند.

این فعال بازاری در ادامه از واردات میوه‌های غیرضروری و تجملاتی از کشورهای شیلی، ترکیه، پاکستان و... خبر داد. دبیر اتحادیه بارفروشان تهران همچنین از رکود گسترده در بازار میوه خبر داد (ایلنا، ۱۳۸۹/۳/۲).



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۳۰۵

عنوان گزارش: گزارش پایش فضای کسب‌وکار خردادماه ۱۳۸۹

نام دفتر: گروه مطالعات فضای کسب‌وکار

تهیه و تدوین‌کنندگان: سید محمدرضا حسینی، حجت دهقان بنادکوکي

ناظر علمی: سید امیر سیاح

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. تأمین مالی تولید

۲. فضای کسب‌وکار

تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۴/۱۵